



نشریه دانشجویان هوادار سازمان چریکهای فدائیان خلق ایران در خارج از کشور

سال چهارم تیر ۶۴ (زونیه ۸۵) شماره ۳۲

آی ای چنان خون یالا

در هوای درهم تکبیر

بخت سحرهای سرخ سازمان عشق

بخت ابر نعله و باروت

با صداهایی که میخواند خروسی خشم

روی بام‌های خانه مردم

بخت این شب

این شب فرتوت

صبح مردم

صبح بیداری است





بانگ رسای کارگران فریاد پر خروش زحمتکشانشان

همه روزه
ساعات ۸/۵ و ۱۲/۵ بعد از ظهر
بمدت ۴۵ دقیقه

امواج کوتاه
ردیف های ۶۴ و ۷۵ متر

طول موج و ساعت پخش صدای فدایی
را به آشنایان خود در ایران اطلاع دهید

یادبود به خون تپیدن حمید اشرف



پیرامون افشای برنامه های ائتلافی بورژوا - لیبرالها

و

رفرمیستهای ضد انقلابی توده ای - اکثریتی با سانسور بیستها

حیران سیاسی موجودات جناب نایدنر، حولات انقلابی و ضرورت مبارزه علیه لیبرالسم و رفرمیسم در جهت سسردا مراغلات، رسدوا عملای مداوم مبارزه بوده ایورف ندریوروا مبرون حیران سیاسی حاکم بر جامعه، هرورب یک رشنه حولات انقلابی را در ایران نه امری احسان نایدنر تبدیل کرده است. حیران امصادی و سیاسی موجود پیوسه نمادهای اجتماعی را تبدیل می کند و جامعه را سوی یک بلاطم عظیم پیش می راند. ادامه جنگ برداشته حیران سیاسی می فرزند و نمادهای راستین را پیش نهد می کند، مبارزه را در پاشش در میان بوده ها دامن می زند و تکاف در با لا میان هیئت حاکمه را عمیقتر می کند. مجموعه شرایط عینی سما " نارکوکنده اس و امصد است که حیران پیوسه عمیقتر می شود و رزم جمعیتی - اسلامی را در پاشش سادگی در برابر اس حیران نیست.

در چنین شرایطی که حیران در حولات انقلابی پیش از هر زمان دستگیرا سکا رسمی کرده، بورژوازی ایران را طوفانی که در حال رسیدن است از همه سوسا سدا ستر مختلف برای مهار کردن طوفان انقلاب دست به کار شده است. بحره چند سال گذشته، سیاستی و ورگسنگی تا کنیک فیرورسکوب و دستکاری سوری ایران و عمان کسحه را برای مهار کردن حیران و فرود نشاندن موج جسسه بورژوازی ایران نشان داده است. هرورسم ایران و سرکوب دیوانه وار در شرایط سیاسی حاکم بر ایران نه فقط محرکه به بودا و فاع طبعه حاکمه ننده بلکه سالیکن دامنه حیران امصادی موجود را کسره سر کرده، حیران سیاسی را عمیقتر نموده و رسدوا حدت نمادهای اجتماعی افروده است. اکنون در شرایطی که حیران سراسر حیرا

← ۴

گرامی باد خاطره شهیدان ۸ تیر



لایق جیرانی ناطقه حسینی یوسف قانع حک سجرای محمدرضا شرفی



سکر حسینی اسرده علی اکبر وری محمد حسن خسروان ظاهره خرم

انتقال



به انگلستان

و نیروهای سیاسی کوناگون مدیرولتر و غیرولتری، روزنور سبسر، در بیسگاه بوده‌های آگاه و حلقهای فهومان ایران بی‌اعتبار و رسوا می‌توند. جهان، همچون گذشته، تلاش حواعدکرد با در کنار مارره بیرحمانه برعلیه رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی - چون مهمربین وضعه خود - و همچنین برعلیه کلبه جریانهای ضدانقلابی، با عمه نیروهای ایورنونیست، سازسکار، سانتربست و جز اینها فاطعانه مرربندی و آنها را افضا کند.

جهان، همچنین، چون نشریه‌ای مارکسیستی، مدافع انترناسیونالیسم یرولتری حواعد بود، ضمن مارزه فاطعانه برعلیه امیرالیسم جهانی به سرکردگی امیرالیسم آمریکا، ارمبارزات آزادیبخش و انقلابی خلفهای تخت ستم‌در سراسرجهان و مبارزات انقلابی یرولتریای کشورهای

۴

کمی و کیفی این نشریه، چون نشریه حواداران سازمان چریکهای فدایی خلق ایران، به‌طور خستگی‌ناپذیرین تلاش ورزیده‌اند.

با انتقال مسوولیت انتشار جهان از رفقای حوادار سازمان در آمریکا به حواداران سازمان در انگلستان، حواعمیم کوسید، با بهره‌گیری هرچه بینسر از کلبه نیروهای حوادار و سایر نیروهای مترقی و انقلابی در اروپا، و طبعاً همچنان با برخورداری از همکاری رفقای حوادار در آمریکا، کیفیت و ررمدگی جهان را بازعم دادیریم.

مسوولیت انتشار جهان در زمانی به انگلستان منتقل می‌شود که رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی، در اثر کسرتش مبارزات کارگران و ررمتگننان، هرچه بیشتر در آسانه سقوط فرار گرفته است، و، در عین حال، "آلترناتیوها"

از این شماره مسوولیت انتشار جهان (ارگان سراسری حواداران سازمان چریکهای فدایی خلق ایران در خارج از کشور) از رفقای حوادار سازمان در آمریکا به رفقای حوادار سازمان در انگلستان انتقال می‌یابد. از انتشار اولین شماره جهان، که به عمت رفقای حوادار در فرانسه آغاز شد و سپس بعد از حدود یک سال توسط رفقای حوادار در آمریکا ادامه یافت، بیش از سه سال می‌گذرد و جهان در این مدت نوانسته است خود را، چون یرخواننده‌ترین و عمده‌ترین نشریه فارسی مارکسیستی در خارج از کشور، تثبیت کند. این موقعیت بی‌عمنای جهان، در میان نشریه‌ای که در خارج از کشور منتشر می‌شوند، مدیون عزم و اراده راسخ کلبه رفقای است که، چه در فرانسه و چه در آمریکا و چه در سایر کشورهای دنیا، برای غنی‌تر ساختن

در این شماره

■ قتل عام مجدد فلسطینیها

- اخبار ایران ۶۰
- اخبار جهان ۹
- اخبار جنبش دانشجویی ۱۲
- مرگ بی‌شکوه
- شورای ملی مقاومت ۱۵
- گزارشی از اعتصاب کارگران
- معادن ذغال سنگ انگلستان (۲) ... ۱۸
- راه‌کارگر، یا راه‌فرمیست ۲۲
- در لبنان ۲۹
- یادنامه ویژه فدایی خلق
- سعید سلطانپور ۳۱
- مصاحبه با جری آدامز،
- رهبر سازمان شین فین ۳۹
- واژه‌ها ۴۱
- لنین و مساله ارضی ۴۴
- کمکهای مالی ۵۳

✱ بر اثر بمبارانهای مکرر کرمانسا مردم این شهر را تقریباً حالی کرده به مناطی اطراف شهر هجوم بردند اغلب در چادر زندگی می‌کنند. بسیار از این مردم برای دومین بار آواره شده‌اند بدین معنی که بسیاری از آنها از مساجد جگرده زدن دمرر (سهرمان مصرسیر) حسرون، کردو روساغان اطراف (کرمانساره پناه آورده بودند و با حر و مسفنی مسکی در کرمانساره پیدا و حاد محبورند به حاضر عدم اد کرمانساره دوباره آواره شوند. م رژیم عم حیچکوه سوحهی به و زندگی این آوارگان ندارد و در اعتراض از آنها می‌جوایند به خودشان که به کلی ویران شد بازگردند.

نهدیدعا و فشارهای رژیم نتوان است تا کنون این مردم رابه خانه‌ها بستان بازگرداند. عوامل رژیم برای بازگرداندن مردم به شهر به وسایل مختلف متوسل می‌شوند. برای مثال شبها بشکله‌های خالی از ارتفاعات نزدیک به محل چادرها به پایین پرتاب می‌کنند و این باعث می‌شود که مردم با ترس و وحشت از خواب بیدار شوند و به خیال اینکه بمباران شده است از چادرها بگریزند. گاهی نیز گلوله‌های بزرگ ساخته شده از گاه را به نفت آغشته کرده و آتش می‌زنند و از ارتفاعات نزدیک به طرف چادرها پرتاب می‌کنند. این عمل باعث شده است که تا کنون بسیاری از چادرها دچار حریق شوند و دوما نفر از آوارگان جان خود را از دست ددعند.

از اقدامات دیگر فرستادن اوباشان و چاقوکنها به چادرهای آوارگان است تا بدین وسیله زندگی را برای آنان غیرقابل تحمل سازند و آنها مجبور شوند به خانه‌هایشان بازگردند. در مراسم فرمایشی نماز جمعه در کرمانساره و سهرهای اطراف دیگر کسی شرکت نمی‌کند و رژیم تعدادی از مزدوران خود و بسیجی‌ها را به این مراسم فرمایشی می‌برد و در تلویزیون نشان می‌دهد.

سه تن از یسرعموهایش که در روستاهای اطراف اسدآباد زندگی می‌کنند به منزل وی در شهر کرمانشاه می‌روند. چون این بازدید کاملاً غیرمترقبه بود، این شخص دلیل آمدن آنها را در آن موقع شب جویا می‌شود و با ناباوری می‌برد که هرکدام مبلغ ۲۰۰ تومان به اضافه هزینه سفر دریافت داشته‌اند تا در نماز جمعه شرکت کنند.

✱ منطقی به‌نام هتل آفتاب در کرمانشاه که محل سکونت تعداد زیادی "جاش" بوده است توسط افراد ناشناخته‌ای به آتش کشیده شد و حدود ۷۰ تا ۸۰ نفر از جاشها معدوم شدند و میل هم به کلی ویران شد. مردم شهر از شنیدن این خبر خوشحال شدند و به دیدن محل آتش سوزی رفته، باوجود حضور مزدوران حسنودی خود را نشان می‌دادند.

✱ يك حاجی حزب‌اللهی می‌گفت که به عمت جمهورن اسلامی اوضاع بسیار خوب شده است. سها ناراحتی ما فعالیت‌های کمونیست‌هاست، لادمه‌هاغر روز خانه مردم را از اعلامیه و نوشته پر می‌کنند.

برای چند هفته منوالی به اعتصاب عمومی دست زدند. این اعتصاب در اعتراض به جنگ و کمبود و نارسایی‌های مختلف بود. باوجودی که این اعتصاب از قبل برنامه‌ریزی نشده بود ولی اکثر مردم در آن شرکت کردند. بیشتر معازره‌ها بسته بود و کارمندان ادارات به سرکار نرفتند. دانش‌آموزان و معلمین عم پس از تعطیلات عید به مدارس بازنگشتند. با طودنی‌تر شدن اعتصاب، عوامل رژیم مثل عمیته نجار سردرگمی شدند. در ابتدا تلاش کردند تا مردم را با فریب دادن به سر کارهایشان بازگردانند. به عمین منصور اساندار از طریق تلویزیون مردم را به بازگشت دعوت کرد و در عین حال در کمال وقاحت این اعتصاب را به نفع رژیم تعبیر و آنرا حرکتی برای همدردی با کشته‌شدگان در جنگ اعلام کرد. و از مردم سخر عم به‌عمل آورد.

ولی چون این حیل به‌موت واقع نسد، به‌رور موسل شدند و مردم را به قطع کوینهاپسان و کارمندان را به اخراج تهدید کردند. سرانجام بعد از چند هفته مردم به اعتصاب خانم دادند و به‌سر کارهایشان بازگشتند. این اقدام یعنی پایان دسته‌جمعی اعتصاب خود حاکمی

دو گزارش از ایران

ار یکی دیگر از پرسنل که ساکن مجتمع سکوسی قصر فیروزه شماره ۱ بود در مورد صبح زندگی اش سوال سد گفت: "ای بابا، مثلا از اول امسال قرار است به هر ببری که متاعل است، ۸۰۰ تومان حق حل بدسد. ولی همین را هم مسروظ به اند که باید بادی ۱۰ سال سابقه اشته باشد و همسرش ساغل بناند. جان این ۸۰۰ تومان در ماه، فرار گذاشتند. بر آینده پول برقی مصرفی را که نابحال جانی بوده از ما دریافت کنند. از نظر نمائی هم، ما بیستر خودمان دنبال رها هستیم. چون مسوول ناسیسات و خدمات عم نارامی است. زیاد دنبال کار نمی آید و باید نامه ان بنویسیم و ۲ ماه بعد ساره بیایند. که فلان و فلان چیز را بخرد تا بیاییم کارنا را انجام دعیم. و رون عمین حساب، نرجیح می دعیم خودمان دنبال این کارها سرویم. البته آنها هم فقصیری ندارد، چون مثل ما در فسار زندگی عسسد. صمنا پول بری را امدستی از مجتمع شماره ۲ می گیرند." سفر اول گفت: "در شنیع جباره حلبان سی - ۱۱۳ که به نازکی در فرودگاه شهید سد، عمسر حلبان شهید سده به حکمکاران شوغرس می گفته: "ترا به خدا پیروار سکید. مگر ابها را نمی پسند که مرتب شهید می سود. داخل دفتر بچه هایان ساسید."

ما را بزنند. از او سوال شد: "مگر اسکورت ندارید؟" او گفت: "فلا داشتیم ولی حادثه. و وفی اعتراض کردیم که چرا به ما عواپجای اسکورت نمی دعید؟ جواب دادند: "نداریم" و ما هم گفتیم: "خوب ما هم درخطر می افنیم و هر آن امکان دارد به ما حمله کنند." گفته شد: "مگر آن کسی که روی زمین می روده یعنی داد که زیر پایس مین است. چرا، می دانند، ولی چون زمان جنگ است، برای پیروزی باید که ار خودگذنکی کنیم." و ما هم مجبوریم. باید بدون اسکورت پیرواز کنیم. ولی به ما گفته سد که می توانیم، عر زمان که احساس خطر کردیم، مدطرب مرکز یکی ار پایگاه ما سروم."

(۲)

ار حبابان اصلی به کوچه ان که در اسهای آن خانه های و سراسر سده فرار داشت، وارد سد. در خاطع کوچه و حبابان مرد رحمنگنی ایساده بود و برای کسانی که ساره می رسیدند چکوککی واقعه را توضیح می داد: "ساعت ۵ صبح بود که سدیم ایجا را رده اند. پاندم راه افتادم، آدمم. امروز دیر رسیدم."

پرسید که دولت آباد را رده اند. ساعت ۴ رسم آنها. رادو که اعلام می کنند کجا را رده اند. باید ار اس و اون سردار سوم. سراسر کوچه پر از سبسه های بود که بر اثر موج انفجار سکسه سده سوده. س شعاع ۱۵۰ مری نعام حابه ما، بدون استثنا، تعدادی از سبسه هایشان سکسه سده بود." سکاکی به کوچه و سپس

پاسداران و ... رگیری می زد. مردم سم به عنوان اعتراض بیشتر از لباسها و پیراهنهایی که اصطلاحا "پانکی" خوانده می شود استفاده می کنند. این حرکت نوعی دعش کچی به رژیم است و رژیم ار مقابله مستقیم با آن عاجز است. از همی رو مزدوران خود را برای ایجاد وحسب به حبابانها می فرسند.

* پوسنرهای بزرگ حمینی و سایر سراسر رژیم دانشا توسط افراد سانساسی پاره سده یا بر روی آنها شعار سوسه می سود و یا صورت آنها را با مدفوع انسان و حیوانات می پوشانند. عواهل رژیم مدنی هرروره این پوشنرا را که باعث خنده و مسخره مردم می سده است عوض می کردند. ولی احرا با آنها را برداسته اند و یا در محلهای که قابل دسترسی ساند، صب می کند و روی آنها را سالیون می کنند. البته سالیون کشیدن بر روی صاویر سراسر رژیم عم نتوانسته است این صاویر را محفوظ نگاه دارد و حاز مجبورند روگشهای سالیونی را مرتب عوض کنند.

نه مرد زخمگینی که از فیاضی مسکری و سفر می‌آید، انداختم و او پرسیدم "کجا را بردی؟" با اشاره انهای کوچ را نشان داد و گفت: "نه کوچه‌ست دست چپ. ببین چه بلایی سر این مرد سحر آورده!" مرد زخمگین دیگر که اسبابه بود، ساسی‌هاوس با آکا‌ها گفت: "دست؟ سار آمد. سالی پریس را عم که سارمه بود، در آورده. سالی سررسن آلودی نه او کسم: "سالی حا روی سر خودمان خراب نبود، چه‌ما را از زیر خاک در سارودیم و روی دست نبریم. سالی فهمیم بمب یعنی چه! بلافاصله مناسرت شد، تصویر را که در دستش زنده کردم، بمعنی فاجعه پی‌برد و خاموش به‌سخنان زخمگینش اولی گوش داد و می‌گفت: "چه فرقی می‌کند. مگر این کی هستند. برادر و خواهرهای من و تو هستند. بمخدا همین طبقه‌ای به‌اندازه طبقه ۳، دلش به‌حال مملکت و آدم‌عایش نمی‌سوزد. کچه، عرچی بلا و بدبختی هم عست، مال همین طبقه‌ست!" مرد زخمگینش به‌سخنانش ادامه می‌داد، و محوری شده بود که مدام به تازه‌واردین اخبار را می‌رساند.

جمعیت دسته دسته در حال رفت و آمد بودند و اکثرا از سر زخمگینش حوالی منطقه بودند. به‌طرف انهای کوچ و محل انجمن رفتن. محیط کاملاً پر از مردمی بود که دایم در حال رفت و آمد بودند. حدود ۴۰۰۰ نفر در اطراف خانه‌های ویران شده تجمع کرده بودند. خانه‌های ویران شده، در ضلع سرفی فلکه دوم واقع شده بودند؟ خانه دوطبقه بکلی ویران شده بود و یکی از اتاق‌های یک خانه دوطبقه نیز فرو ریخته بود و کلاً تمامی خانه‌های اطراف به‌نوعی خسارت دیده بودند. مأمورین شهرتانی به‌وسیله طناب، در اطراف خانه‌های ویران‌شده حصار کشیدند. حتی از ورود عسایه‌های اطراف نیز به‌محل جلوگیری می‌شد. منفره دلخراسی بود. عمه با چشمان مانم‌زده به بلدوزرهایی که در حال خاکبرداری بودند، نگاه می‌کردند و هر لحظه در انتظار بیرون

کشیده شدن سربسی بودند. سالی به اشخاص دور و برم کردم و گفتم: "چرا با بلدوزر؟ اگر کسی هم زنده مانده باشد که لای چنگک‌ها له می‌شود. این همه آدم اینجاست، هرکدام یک آجر بردارند تمام می‌شود. چرا نمی‌گذارند مردم کمک کنند؟" شخص پهلو سسی‌ام گفت: "آره، درست است. هرکس یک آجر بردارد، تمام است." دیگری گفت: "نه بابا، سلوع می‌کنند. نمی‌گذارند اینها هم کارشان را بکنند." گفتم: "از دیسب ساعت ۱/۳۰ تا ۷ ساعت. سوز سبج کارن کرده‌اند. نه‌دادش، اگر از شرکت مردم جلوگیری نکنند، تا حالا، جارو عم کرده بودند!"

در همین هنگام صدای جیغ زن زخمگینی به‌گوش رسید که پریسان از سوی جمعیت، به‌طرف محل خراب شده می‌دوید و با انگشت به‌آنجا اشاره می‌کرد و با ناله می‌گفت: "خواهرم، آنجا خانه خواهرم است!" مأموران در ابتدا می‌خواستند مانع از ورود زن به‌منطقه حصار کشیده شوند، اما حمایت مردم با چشم‌هایشان از زن زخمگینش و احساس عمردی‌شان بلافاصله آنان را از این کار باز داشت و زن فریاد کنان به‌طرف خرابه‌ها دوید. اطراف محل به‌وسیله

مهمترین شهرتانی کنترل می‌شد اما درون محوطه افراد سپاه و کمینه، گشت می‌زدند. به‌نظر می‌آمد آنها خودشان عم از حساسیت مردم نسبت به‌کنترل اوضاع پی برده بودند. کم کم تعدادی از مزدوران را در بین جمعیت شناسایی کردم که به حرف‌های مردم گوش می‌دادند. شنیدم که یکی‌شان در جواب مردی که می‌گفت: "چرا نمی‌گذارید مردم کمک کنند؟" این چنین پاسخ داد: "برای آنکه آقا، اموال و اتاتبه سبچاره‌ما را حفظ کنند. من خودم یک دفعه نوب سلوعی‌ما یک نفر که دست یک صیط می‌برد، گرفتم." البته اس مزدور لباس معمولی و فیافه س‌غایر عادی داشت. برگشتم و گفتم: "این حرف‌ها چه می‌زنی عمو؟ کی می‌آید نوب این موقعیت، یک عمچین کاری بکنند؟ مگر مردم شرف ندارند؟ تازه، صدتا یکی عم که پیدا بشود، جرات نمی‌کند جلوی مردم عمچین کاری بکند. مگر مردم شرف ندارند؟ دزد عمیته دور از چشم مردم دزدی می‌کند." "دو، سه نفری گفتند: "آره بابا، صدتا یکی پیدا می‌شود!" تعداد مزدوران داشت اضافه می‌شد و کمیت هم غیرمستقیم اوضاع را تحت کنترل داشت. بیشتر سعی در آرام نگاه داشتن مردم داشتند، تا اینکه دنبال

نحس خاصی بکردند. به طور کلی، روحیه مردم برای یاری رساندن و مشارکت در بیرون کشیدن اجساد یا مجروحین خیلی خوب بود. آن طور هم که شنیدم، در ساعات اولیه مردم خیلی از کشته شده‌ها و مجروحین را از زیر آوار بیرون کشیده بودند. اما سیوه‌هایی که رژیم برای جلوگیری از دخالت مستقیم پپین گرفته بود، ناهدودن کارسار بود.

در صحبت های مردم عدم اعماد به رژیم در مورد آمار کشته شدگان، و ناراضیتهای شدید از اطلاع ندادن آدرس های مناطق بمباران شده کاملاً حس می‌شد و بعضی‌ها با صدای بلند و با صراحت می‌گفتند: " دروغ می‌گویند! رادیو گفته ۱۳ نفر کشته شدند، ۳۰ تا هم بینسزند." آن طرف خط راه‌آهن هم راکتی به خانه‌ای اصابت کرد و آن را به صورت تپه‌ای از آجر و خاک درآورده است. به طوری که مردم می‌گفتند، هیچ کس زنده نمانده است.

در روز حادثه، در طول مسیر جوانان را سوار کردم. ضمن صحبت درباره مساله جنگ و بمباران‌ها متوجه شدم که وی ساکن محله بمباران شده است. پسر جوان می‌گفت خانه‌ای که آن طرف خط راه‌آهن بود، معلوق به عمویش بود. که در نزدیکی خانه‌شان فرار دارد. پرسیدم: " عمار خانه‌ای که مثل یک تپه خاک شده؟ درسته؟ آیا کسی هم زنده مانده؟" پسر جوان با آرامتی گفت: "عمویم زنده بود. رفت بچه‌ها را در بیاورد که کبر کرد. یک در افتاد بر رویش. مامورهای بلدوزر آوردند. من دویدم و گفتم، بلدوزر نماند ازید. عمویم رنده است. اوباش‌ها، در افتاده روس. گفتم ما خودمان درس می‌آوریم. بعد بلدوزر انداختند، از تکمیل کشیده بودند بیرون که له شده بود. مردم خیلی عصبانی شدند. ریختند به جون پاسدارها. یکی‌شان را زدند. از آنجا ما اینجا (با دست اشاره به صورت و گردن می‌کرد) حر دادند. بهسون می‌گفتم: " شما مثل سنگ می‌مونید. کم نسین. سماها مثل سنگ هستند... گداشند رفتند. فقط شهربانی

را مردم می‌گذارند آنجا کار کند." پرسیدم: " چند نفر سون حانه بودند؟" جواب داد: " فقط ۱۰ نفر عموم و حانواده اس بودند. رادیو گفت ۱۳ نفر. در حالی که حداقل ۶۰ - ۵۰ نفر هم آن طرف خط کسه شدند." گفتم: " محسوس مردورند. پاسدار و شهریار..."

و حداحافظی کرد.

خرید اسلحه از سوئد

طی دو سال گذشته کارخانه اسلحه سازی سوئدن به نام " بوفورس " مبلغی بیش از ۱۰۰ میلیون کرون سوئدی نسلحات نظامی و مواد منفجره به ایران فروخته است. مدارک رسمی از قبیل فیص‌های سفارش کالا، قرارداد، فیص‌های فروش کالا، گفته کارمندان مسؤول " شرکت بوفورس " و مدارک دیگری که در جریان بازرسی یکی از شرکتهای وابسته به " بوفورس " به نام " Nobel Kem1 " به دست ماموران بخش جنایی کمرك سوئد افتاده است، حاکی از فروش

نسلحات نظامی زن

شرکت " بوفورس " متهم به فروش و صدور غیرقانونی نسلحات نظامی از طریق کشورهای اروپای غربی می‌باشد. طی سالهای ۱۹۷۶ تا ۱۹۷۸ کارخانه اسلحه سازی بوفورس تعداد ۱۲ توب جنگی را با اجازه دولت سوئد به نیروی دریایی ایران فروخت. ولی پس از اوج‌گیری مظانعات توده‌ای در ایران صدور تمامی مهمات جنگی به ایران قطع و مسموع شد.

در مورد فروش اخیر مهمات جنگی به ایران، Stig Age دادستان استان در مصاحبه مطبوعاتی با یکی از روزنامه‌های صبح سوئد به نام " Dogens Nyheter " می‌گوید: " بخش جنایی کمرك سوئد در

اسپاسا اعتصاب عمومی ۲۴ ساعت

هند -

تحصن کارگران سابق یونیون کارباید

بنا به گزارش تایمز مالی بیش از ۴۰۰ نفر کارگران کارخانه شیمیایی یونیون کارباید در یوپال هند (محل سانحه ماه دسامبر سال پیش که منجر به کشته شدن ۲۵۰۰ نفر شد) در کارخانه دست به تحصن زدند. این کارگران که در عرض چند ماه گذشته بیکار بودند، خواستار اشتغال دوباره دریافت دستمزد بابت این مدت بیکاری هستند.

برای اولین بار طی هفت سال گذشته اتحادیه‌های کارگری اسپاسا با برپایی اعتصاب ۲۴ ساعته، به نام ABC • E. S. به نام شرکت کرد. دو روزنامه مشهور اسپاسیا بازنتسگان و سیکارا برپا شده بود.



کورتون وود (Cort on Wood) - رودرویی پلیس با معدنچیان اعتصابی. تحولات اعتصاب ، توهم هزاران کارگر را نسبت به آرگانهای " نظم و قانون " زدود.

انگلستان -

تعطیل معدن کورتون وود

عمانطور که بیس‌بینی می‌سد، بنا به تصمیم شرکت دولتی ذغال سنگ انگلیس معدن " کورتون وود " در منطقه یورکسایر که در طول سال گذشته منظر مقاومت کارگران معدن بود، در دسامبر سال ۱۹۸۵

تعطیل خواهد شد. معدن " کورتون وود " عمان معدنی است که اعلام تعطیل آن در مارس ۱۹۸۴ باعث شد اعتصاب سراسری معدنچیان در سال پیش آغاز شود. شرکت همچنین اعلام کرد که معدن " بروکهورز " در جنوب یورکسایر بزودی بسته خواهد شد. در طی سه هفته گذشته بیش از ۱۰۰۰۰ کارگر در منطقه یورکسایر اطلاع یافتند که بزودی بیکار خواهند شد. رویهم

رفته از اعتصاب معدنچیان تا به امروز بین ۱۸۰۰۰ تا ۲۰۰۰۰ معدنچی در سرتاسر بریتانیا با خطر بیکاری روبرو شده‌اند. آرتور اسکارکیل رهبر اتحادیه سراسری کارگران معادن بار دیگر به معدنچیان گفت که تنها با شروع اعتصاب سراسری دیگر می‌توانند با سیاستهای دولت و شرکت ذغال سنگ در مورد نابودی صنایع معادن مبارزه کنند.

فرانسه - درگیری کارگران اس. کا. اف.



صحنه‌ای از درگیری سبیل‌س و کارگران .

طی درگیری خشونت آمیزی بین پلیس ضدشورش فرانسه و کارگران وابسته به اتحادیه ث. ژ. ت. (CGT) بیش از صد نفر زخمی شدند. از چهار سال پیش یعنی از دوران به قدرت رسیدن میتران تا به امروز این درگیری شش ساعته بزرگترین روبرویی کارگران و پلیس در این کشور بوده است. نطفه‌های این درگیری از ۱۸ ماه قبل یعنی زمانی که کمیانی سوئدی تصمیم به تعطیل مجتمع SKF گرفت، بسته شد. این تصمیم با مخالفت شدید اتحادیه روبرو گردید و فعالین اتحادیه مذکور به همراه کارگران بلافاصله مجتمع فوق‌الذکر را به اشغال خود درآوردند. اشغال کارخانه ۱۸ ماه به طول انجامید تا سرانجام پلیس ضد شورش به منظور تخلیه کارخانه به این محل فرستاده شد. حضور پلیس در محل باعث خشم بسیاری از کارگران گردید و پس از چندی درگیری آغاز گشت.

این مقابله زمانی رخ داد که حزب کمونیست و ریمبرث. ژ. ت. به اتهام

سوریه

با به گزارش "سافا" طی یک عملیات سرکوبگرانه توسط پلیس ویژه برعلیه فلسطینیهای مقیم سوریه بیش از ۷۰۰ تن از فلسطینیان دستگیر و دینها تن کشته و زخمی شده‌اند. سافا انهار می‌کند که این عملیات سرکوبگرانه به دنبال تظاهرات فلسطینیها در سوریه به منظور اعتراض به قتلعامهای اخیر در سروت صورت گرفت.

طبق این گزارش ماموران سرویسهای مخفی سوریه در اردوگاه ال - یارموک در نزدیکی دمشق بر روی فلسطینیها آتش گشوده‌اند. این ماموران همچنین عماران س - سوری را که در اتحاد با فلسطینیها دست به اعتراض زده بودند، دستگیر کردند.

السالوادور

روز شنبه ۲ روس صدام س از اعضای سرویس امنیتی به منظور درج سگس اعضاء کارمندان بیمارستان سمه اجتماعی سان - السالوادور به اس بیمارستان محوم شدند. چهار تن از افراد پلیس در اثر نیراندازی که ظاهرا بین پلیس و درگرفت، کشته شدند و یک زن حامله بر اثر حمله قلبی درگذشت.

روز دوشنبه، جبهه فارابوندومارتی

بی‌عملی مورد انتقاد شدید اعضای حزب کمونیست بودند. رهبران ث. ژ. ت. تا کنون موفق نشده بودند کارگران را علیه دولت سوسیالیست بسیج کنند. منطقه IVRY که کارخانه SKF در آن قرار دارد از مناطق کارگر نشین حومه یاریس است که از زمان "موریس ترزا" در دعه ۳۰ از پایگاههای قوی حزب حزب کمونیست فرانسه بوده‌است. در طی ۱۰ سال گذشته در این منطقه که ۵۶۰۰۰ نفر جمعیت دارد، ۱۲۰۰۰ کارگر بیکار شده‌اند.

فیلیپین

سرای اولس بار در روز دوشنبه ۱۰ زوش، وزیر دفاع فیلیپین "خوان پس اسرل" اقرار کرد که چریکها WAF ارسن سوس خلق، بارون مسلح حزب کمونیست) در ساسل و اطراف آن دست به عملیات می‌زنند. وزیر دفاع با اذعان کرد که "هدف چریکهای سیرن اتحاد است تعرض کات صدامت ا ارسن محصور به کم کردن فشارهای خود بر روی پایگاههای چریکی در سایر نقاط سود." وزیر دفاع تصریح کرد که برای مقابله با چریکها از ارسن استفاده خواهد شد و این وضعیت فقط به‌عهده پلیس می‌باشد.

هند -

قاچاقچیان دیپلمات

بنابه گزارش روزنامه DECCAN HERALD چاپ هند، در طی دو سال گذشته ۱۲ دیپلمات خارجی و واستگانتان درگزر قاچاق احساس عرفاسونی بوده‌اند.

وزیر دارایی در امور االمهای سد گفته است حسهای قاچاقی که از این دیپلماتها ضبط شده عبارتند از هروئین ویدئو، دوربین فیلمبرداری، طلا و ... این دیپلماتها از کشورهای ایران، فرانسه، کره، نیجریه، زامبیا، تایلند، سومالی، یونان و مراکش هستند.

آلمان غربی

برلن غربی - در اول ماه مه سرگذشت روز جهانی کارگر با شرکت دهها هزار نفر در برلن غربی برگزار کردند.

در این مراسم سازمان دانشجویان ایرانی هوادار سازمان حرکتی فدائی خلق ایران در آلمان فدرال و برلن غربی نیز با صف مستقل خود شرکت کرد. این مراسم که به صورت راهپیمایی از چند نقطه شهر آغاز شده بود با برگزاری میتینگ وسیعی در میدان جمهوری شهر خاتمه یافت. هواداران سازمان در طول این تظاهرات ضمن اعلام همبستگی خود با کارگران سایر جهان با پخش شریه "ایران در مبارزه" (Iran Im Kampf) به زبان آلمانی به افشای سیاستهای ضدکارگری و ضدخلق رژیم جمهوری اسلامی پرداختند و نقش سازمان حرکتی فدائی خلق ایران را در راه سازمان دهی طبقه کارگر و خلقهای تحت ستم ایران برای سرنگونی رژیم شرح کردند.

اتریش

رفعا با شرکت در این تظاهرات و حمل آرم سازمان و شعار: "تنها با سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی میتوان به جنگ حاشمه داد" و شعار "زنده باد همبستگی بین المللی" با دیگر همبستگی خود را با تمامی طبقهای جهان تحدد کرده و روز جهانی کارگران را با آلمان به پیروزی کارگران و زحمتکشان مهسان گرامی داشتند.

سازمان خارجی تحریراتی در جهت افشای جبهه رژیم حاکم جمهوری اسلامی و امپریالیسم و کفران سران همت کشور امپریالیستی در آلمان ابراز شد که مورد استقبال شرکت کنندگان قرار گرفت. لازم به تذکر است که دولت آلمان این روز را به جای روز کارگر (Dertag der Arbeiter) روز کسار (Dertag der Arbeit) می نامد.

هاوسورگ - به مناسبت فرارسیدن اول ماه مه (روز جهانی همبستگی مبارزاتی کارگران) سازمان دانشجویان ایرانی در آلمان فدرال و برلن غربی هوادار سازمان حرکتی فدائی خلق ایران در شهر هاوسورگ مشترکا با گروه همبستگی شاعلس و بیکاران سازمانهای Dev Geng، ATIF، HATIB و PKK شرکت کردند و چند نیروی آلمانی از فیلد حزب سرها (Die Grünen) و اتحادیه کمونیستها و ... اقدام به تشکیل معائن المللی (بلوک ایتراسوبالسی) نمودند. در این تظاهرات کلا ۴۰،۰۰۰ نفر در بلوک ایتراسوبالسی سن ۵،۰۰۰ نفر شرکت داشتند.

در سن راه این بلوک مورد تهاجم پلیس واقع شد که با مسدود نمودن جابان سعی در بازگنده نمودن تظاهرات کنندگان و شخصوی نیروهای خارجی داشتند. این بلوک مثلا اعلام کرده بود که به عنوان اعتراض به سیاستهای اتحادیه سندیکا های آلمان با ایجاد سر و صدا مانع از تحریراتی رئیس این اتحادیه از است برات (Ernst Breit) در محل مورد نظر خواهد شد. به همین علت پلیس سعی در ممانعت از ورود تظاهرکنندگان به محل تحریراتی داشت که پس از یک درگیری که منجر به سرع طول کشید و منجر به زخمی شدن تعدادی از تظاهر کنندگان و دستگیری یک نفر شد، با هوساری مردم و مقاومت آنها، این نوظف پلیس خنثی شد.

این بلوک (منفک از نیروهای شرکتی، چند نیروی مرفی آلمانی و هواداران سازمان) پس از خاتمه تحریراتی از است برات محل را ترک و در محل راه آهن اصلی شهر اقدام به برگزاری گرد همایی جداگانه ای نمود. در این نسبت از طرفی رفعا هوادار به عنوان تنها



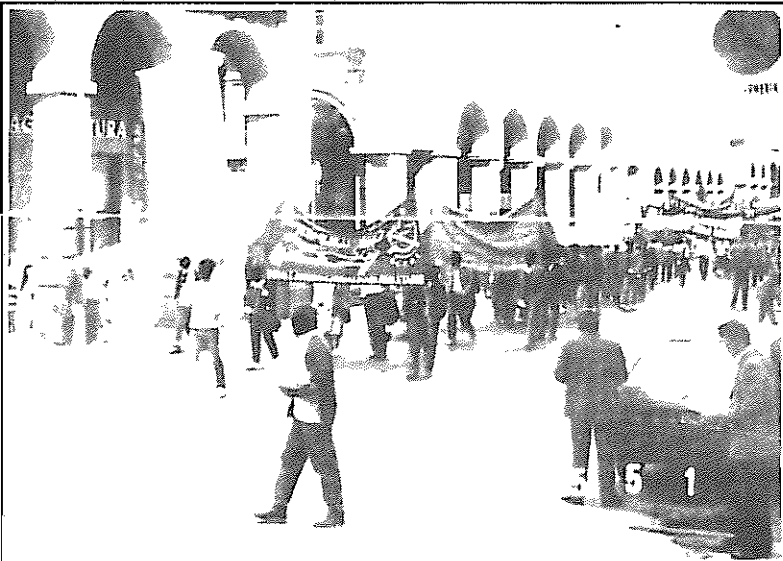
وین - تظاهرات اول ماه مه.

وین - در گرامیداشد اول ماه مه، روز جهانی کارگر، همبستگی با مبارزات کارگران سراسر جهان و پشتیبانی از رزم رورافزون کارگران ایران علیه رژیم جمهوری اسلامی، سازمان دانشجویان ایرانی وین - اطرفش هوادار سازمان حرکتی فدائی خلق ایران در مراسم راهپیمایی که هر ساله به مناسبت فرارسیدن این روز تاریخی برگزار می گردد با صف مستقل، شرکت خلاق نمود. هواداران بیچفا انبیار با برگزاری مراسم معائن خیابانی در راهپیمایی هوش در حضور هزاران تن از مردمی که در طول مسیر راهپیمایی ساطر مراسم بودند مابعد مدخلی رژیم را سنن از سنن در افکار عمومی افشا کرده

و عملکردهای آن را در طی شش سال حاکمیت شکست بارها از طریق بلندگو و در حین اجرای نمایش برای مردم توضیح دادند. خواست پیروزی انقلاب و آلمان به سرنگونی رژیم و سرفراری حاکمیت کارگران و زحمتکشان در قسمتی دیگر از معائن و با به بند کشیدن سمبل جمهوری اسلامی به نمایش گذارده شد که با استقبال فراوان نظاره گران مواجه شد.

پنجاه هزاران اعلامیه فارسی و آلمانی در رابطه با این روز و جمع آوری کمکهای مالی گوشه های دیگر از حرکت مؤثرفرغای ما در این روز محسوب می گردد.

ایتالیا



ایتالیا - صحنه‌ای از تظاهرات اول ماه مه در بلونیا.

به مناسبت بزرگداشت اول ماه مه روز جهانی کارگر، رفقای هوادار سازمان چریکهای فدائی خلق ایران در واحدهای بلونیا - حوا - رم - میلان - پادوا - ونیز - اتریش - اتریش - اتریش که به همین جهت از طرف سدیگاها سراسری و متحده کارگران ایتالیا در این شهرها ترتیب داده شده بود و سبعا شرکت کرده و با بحسبش از ۲۰۰۰ اعلامیه در هر کدام از شهرهای فوق به امضای رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی پرداختند. همچنین رفقای هوادار در شهر ناپل اقدام به چاپ و نصب ۴ نوع تراکت نموده و با نصب صدها نسخه از این تراکتها افکار عمومی شهر را به شرایط خفقان و ترور در ایران جلب نمودند.

بلونیا - در مراسم راهپیمایی که به مناسبت بزرگداشت اول ماه مه روز جهانی کارگر در شهر بلونیا - ایتالیا برگزار گردید، هواداران سازمان چریکهای فدائی خلق ایران واحد بلونیا همچون سالهای قبل با خلاقیت چشمگیری شرکت نمودند.

در مسیر راهپیمایی رفقای هوادار سازمان چریکهای فدائی خلق ایران با دادن شعارهایی در رابطه با اتحاد کارگران جهان و افشای جنایات رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی توجه شرکت کنندگان را متوجه خویش نمودند. ترجمه بخشی از شعارهای رفقا بقدر زیر می‌باشد:

"اتحاد، مبارزه، پیروزی
"مرگ بر رژیم جمهوری اسلامی، برقرار باد جمهوری دموکراتیک خلق
"قتل، غارت، شکنجه در ایران بس است"
"زنده باد سازمان چریکهای فدائی خلق ایران."

در طی این تظاهرات که از جانب سدیگاها سه گانه سراسری کارگری ایتالیا سازمان داده شده بود افشای چهره کریه و ارتجاعی جمهوری اسلامی توسط رفقای هوادار واحد بلونیا مورد استقبال شرکت کنندگان و ناظرین قرار گرفت.

در این مراسم علاوه بر فروش نشریه کار ایتالیایی بیش از ۲۰۰۰ اعلامیه که بارگو کسیده شرایط خفقان و ترور حاکم در ایران و وضع عیراسانی محبط کارگری و استعمار زحمتکشان و کارگران ایران و سایر خلقهای تحسبتم ایران می‌بود پخش گردید.

لازم به یادآوری است که چند روز قبل از مراسم روز اول ماه مه درنگ مستیگ انتخاباتی که از طرف حزب کمونیست، ایتالیا در بلونیا ترتیب داده شده بود رفقای هوادار شرکت کرده و با بحسبش از ۲۰۰۰ اعلامیه در مورد جنگ ارتجاعی ایران و عراق به امضای رژیم جمهوری اسلامی پرداختند.



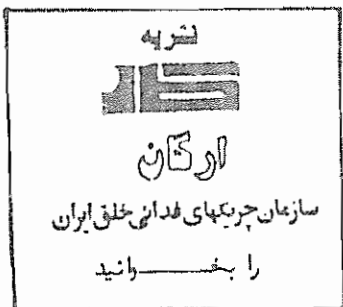
سنگلور - صحنه‌ای از تظاهرات اول ماه مه.



بروکسل - تظاهرات اول ماه مه .

بروکسل - هواداران سازمان چریکهای فدائی خلق ایران در بلژیک در تظاهرات آشکوه روز اول ماه مه که از طرف اتحادیه های کارگری اس کشور برگزار گردید، شرکت کردند و با بخش وسیع تراکت و شتره کار (فرانسه) در بین کارگران، مخصوص کارگران مهاجر، بخش از پیش رزم صدکارگری جمهوری اسلامی را افشا نموده و احبار اعتصابات کارگری چند ماهه احسر و احبار حسرت توده ای را به آنها رساندند. رفقای هوادار همچنین در جشن حزب کار بلژیک که مناسبت روز اول ماه سرکار گودسه بود شرکت کرده و به معرفی برنامه عمل سازمان به عنوان تنها برنامه انقلابی در سطح جشن، پرداختند. رفقا همچنین مبارزه انقلابی رفقای فدائی در بین توده های کارگر و زحمتکش را برای حاضرین بازگو نموده و مواضع خائنانه و ضدانقلابی مزدوران توده ای و "اکثریتی" را افشا نمودند.

سوند



سرکار می گردد، روز شنبه ۱۵ ژوئن اسرائیل منفی و صدامبرالست در محل تظاهرات در اسکپلم جمع شده به امضای ماهب ارتحاعی و حانتکار رزم جمهوری اسلامی پرداختند.

پس سوئد که جانبان حزب الله را تح حمایت خود فرار داده نمود برای معرفی کردن مخالفین جمهوری اسلامی با اس و بگه آسان حمله ور شد، ولی هواداران سروهای انقلابی تا مسامت طولانی در دو طرف صف ظاهرکسندگان رزم حرکت کرده و به امضای آسان ادامه دادند.

در اس تظاهرات تنها عده سار کمی از عناصر حزب الله ایران شرکت داشتند و عمده ظاهرکسندگان از مریحین مسلمان کشورهای عربی و پاکستان و نگلادی بودند. یکی از شعارهای غالب سروهای صدرزیم دریان سوئدی شعار "حسی، سوفورس، همسگی" بود. (سوفورس نام کمیایی است که رزم جمهوری اسلامی اسلحه می فروشد و معاطاب محمی آن با رزم احسرا توسط رسانه های صری سوئد افشا شده است).

استکپلم - در تظاهرات اول ماه مه امسال که از طرف حزب کمونسب مارکسب - لیسبب انقلابی (K.P.M.L. (I) در استکپلم در بزرگداشت روز جهانی کارگر برگزار گردید، هواداران سازمان با حمل آرم سازمان و شعار "بدهه نادمستی کارگران ایران و جهان" و همچنین شعار "سرکون باد رزم جمهوری اسلامی ایران، شرکت کردند.

در اس تظاهرات هواداران سازمان اقدام به محس اعلامه ای به زبان سوئدی که حاوی مطالبی در امضای رزم و حسابار مبارزات مردم و معرفی سازمان چریکهای فدائی خلق ایران بود، نمودند، شعارهای مهم اس تظاهرات عبارت بودند از:

- ۱- مرگ بر امبرالسم آمریکا
- ۲- رده باد سوسالسم، مرگ بر سرمانه داری
- ۳- مرگ بر اتحادیه کارفرمایان، کار برای همه.

استکپلم - در اعتراف به تظاهرات روز مدرس که همه ساله از طرف مردوزان رزم جمهوری اسلامی در کشور سوئد

سرگت در انقلاب ۱۳۰۱ - ۱۳۰۲ - ۱۳۰۳ دوران ملی مقاومت که مدت آن موریکسی " رژیم حمصی " بوده است ، تاکنون به فکر مذاکره با رژیم صیاد واقعیت این است که سیاست مذاکره با رژیم حزب دموکرات رسته در مابست سیاست ما و برافشای آن حرب دارد ، از گفتن حدیثی برخوردار است و سها چرخش حدیثی محسوب می شود .

از طرف دیگر امر ادعای حرب دموکرات را که ساسهای عردموکراتیک سازمان محامدین باعث حدیثی آن از سورا شده است می توان حدیثی گرفت . حرب دموکرات پس از چهار سال استاز با محامدین در چارچوب سوزای ملی مقاومت ، حاد ادعا می کند که " طی این مدت کلمه ممانی خود را صرف دموکراسی کرده سورا ، دادن حوبت مستقل به اس شکل ، تصحیح و تکمیل برنامه آن می نمود " . حرب دموکرات عمجس افشار می دارد که طی مدت چهار سال نویسیه است با " از حمیل ابدولوری معینی از طرف مجامدین به سورا حلوقیری به عمل آورد " . چند سند پیرامون روابط حزب دموکرات کردستان ایران با سوزای ملی مقاومت ، از انتشارات حرب دموکرات کردستان ایران ، اردیبهست ماه ۱۳۶۸ ، ص ۷) حرب پس از چهار سال همکاری برتک با سازمان مجامدین حاد انتم می کند که " ممولس سازمان محامدین عملا نشان دادند که ... سوی از دموکراسی سرده اند " و برحورستان " عیراصولی و عردموکراتیک " است (بمحاجا ، ص ۵) حزب دموکرات ، با ارائه دادن اساد وسواعدن نشان می دهند که روابط دروسی سوزای ملی مقاومت عردموکراتیک است و عمه چیر در کنترل رجوی فرار دارد . حرب دموکرات ، از حمله می گوید که " محامدین سها سروغان سواقی با خود را در سورا راه می دهند " و تنها با سروغانی که " مطیع سیاست آنها است " حاضر به ادامه همکاری هستند . حرب دموکرات امروز که از سورا جدا شده است صالشی را افسا می کند که البته تاریکی ندارد و مدتها پس توسط سروغانی انقلابی افسا شده بود ، ولی همان آن توسط " بکس از پایه های اساسی سورا " جالب است . مثلا در رابطه با برحورده محامدین به مساله ملی در ایران حرب اعلام می کند که " آنها نارضا در سورا فاظغانه افشار داشتند که اگر روزی سوزان ملی مقاومت با حق خودمختاری دیگر حلفهان سمعیده ایران باشد اندر باحجان و لوجسسان موافقت کند ، محامدین سورا راستن حواست گفت " (بمحاجا ، ص ۷) چه اغراض صرحی ! سروغان انقلابی با دروسر به دلیل عمص افناگری ما " سورا سس " و محصو با برده از اخصی از اس سوج منعت می بندند . حرب دموکرات پس از چهار سال عضویت در سوزای ملی مقاومت به تیران " سیرا " آلتراسیو دموکراتیک ممکی " ، امروز اعلام می دارد که از عمان استدا معلوم شده است که " سورا چکونه و از چه طریقی می خواهد رژیم را سرنگون سارد " که " سورا برنامه عقل منحصر برای سرنگونی رژیم حمینی ندارد و ماساکر حوادث است " ! (بمحاجا ، ص ۹) اگر وضعی تا به اس حد وجم بوده است پرسندنی است که حرب دموکرات طی اس چهار سال در درون سورا چه می کرده است ؟ چرا امروز پس از چهار سال حرب دموکرات حواسار جدایی دین از دولت می شود ؟ اعلام می دارد

که " در سطح حمصی سیاست و اندولوری سازمان محامدین ، سوزای ملی مقاومت سس از پس نفس اصلی خود را به عنوان الیاسو دموکرات از دست داده است و به آلت دست محامدین تبدیل گردیده و آنها آرام سورا سها به منظور پیسرده معاضد سازمان خود بهره گیری می کردند " (بمحاجا ، ص ۱۰)

سازیمه اسها ، اس ادعای حرب دموکرات که سیاستهای عردموکراتیک سازمان محامدین در درون سوزای ملی مقاومت صحیره فریپاسی سورا و جدایی حرب اراش شده است می تواند حقت داده باشد . چراکه این سیاست تاریکی ندارند و کلت سوزای ملی مقاومت و سند سند برنامه اس عردموکراتیک و ارجاعی است . هیچ شکست حدیثی ، بهر درون سازمان محامدین و بهر سوزای ملی مقاومت ، یدت ساخته است که حاد و در این لحظه باعث انترچار حرب دموکرات گردید . سوزای ملی مقاومت و عمه برنامه های آن



و دولت پیسهادنی اس معنی جمهوری (دموکراتیک) اسلامی از عمان استدا همان طور که چپ انقلابی و به ویژه سازمان چریکهای فدایی خلق ایران با فاطمیت و پیگیری انقلابی و مسوونه ای اعلام کرد ، اساسا عردموکراتیک و ضد منافع نوده ما بود . با این وجود حزب دموکرات ، به مدت ۴ سال ، بران عمصی نهاد عردموکراتیک سینه می رد و آرا " دموکراتیک نرس آلتراسیو " معرفی می کرد . حرب دموکرات به مدت چهار سال دس بوده های زخمکش کرد و به ویژه بیسمرگان دلیر خلق کرد را با تضویت خود در سوزای ملی مقاومت و تبلیغ دموکراتیک بودن آن محدودش ساخت و حاد همچون نونداری پس از مرک شهرات اعلام می کند که " به مسفور حلوقیری از ایجاد نوعم در سوده های مردم کردستان و سراسر ایران نسبت به سوزای ملی مقاومت دفتر سیاسی حزب صمصم گرفت سورا را ترک گوید " (بمحاجا ، ص ۱۰)

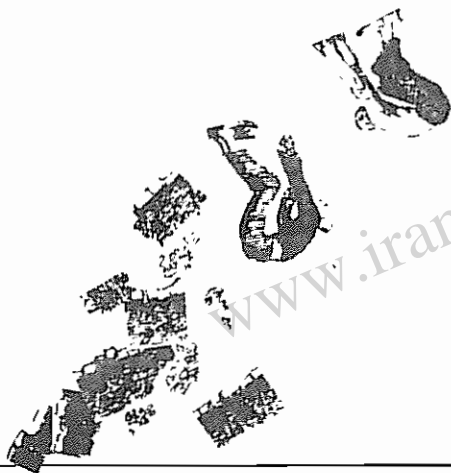
اما واقعیت چیست ؟ ریشه اصلی انصعاب حرب دموکرات و فروپاشی سوزای ملی مقاومت در چیست ؟ عمان طور که گفتیم ، به سازمان مجامدین و نه حزب دموکرات عمجک حقیقت را

می‌گویند. ضعف آن است که اسباب احقر حرب دموکرات از شورای ملی مقاومت، که در ادامه سلسله اسباب‌های یکی دو سال احقر در سورا پدید آمده است (خدای ماسالی و حسن رحمتکار کیلان و مارشدران، سی‌صدر و طرفداران وی، شورای متحد چپ، احادنه کمونسستها، ناصر یاکدام، ۳۰۰۰) ساه چیزی نیست جز آنکه طرح شورای ملی مقاومت با سکت فصاحت تاری روبرو شده است. آن اسبابها عمه بیاگر مرگ سی‌کوه آن اختلاف سورروا، رفرمیسی و آکار سدن برنامه‌های ضددموکرات آن برای توده‌های آگاه ایران است. خدایس حرب دموکرات از سورا به‌صرفا به‌دلیل "سکارست" بودن مجاهدین و به‌صرفا به‌دلیل مدارکه حرب دموکرات با رژیم احام گرفته است. این خدایی سانه نکست طرح سازمان مجاهدین برای احاد یک جمهوری اسلامی دیگر از طریق احاد با سوررواری لسرال و جناحی از امیرالاسم جهانی به سرکردگی امیرالاسم آمریکا است. کسی که باور آن برای عمه بیرونی‌های درون سورا و به‌وسه سازمان مجاهدین پس دسوار است. اسبابهای احقر در شورای ملی مقاومت که سلاسی آنرا فطعی کرده است باشی از حران دروسی انتلافی است که اساسا بر مبنای یک طین کست قدرت صریسی و سه کودتایی ایجاد شد و فرار بود جسی از مات خاکه احان لسرالها به رهبری سی‌صدر و ارس (نخس عمده در آن بارن کسد و قدرت از ساد و بدون تحالت توده‌ها کست خود. بر مبنای جسی طرح و رویایی بود که سازمانها و افراد مختلفی برای عمه خدایس از فاعله قدرت به شورای ملی مقاومت پیوستند. آن طرح اما پس از چندنی با سکت مواحه شد و ساکنیکهای سلاکبسی و جدا از توده مجاهدین خوانست "رزم حمیسی" را سرکون کسد. و بیکار دیگر این اصل مسلم تاریخ صاوررات حلفهای جهان بر عمکان روس شد که اغلاب کار توده‌ها است. بیکار دیگر سیهودی طرحهای سه کودتایی و ضرورت کست قدرت سیاسی از سون بیرونیاری منسلک و مسلح نخت رهبری حزب طبقاتی‌اش بر عمکان اثبات شد.

از سوی دیگر شباهت و یکسانی برنامه شورای ملی مقاومت با برنامه‌ها و سیاستهای رژیم جمهوری اسلامی و برنامه‌های سورروازی خارج از سورا برای توده‌ها آنگارتر و ماعتیت ضدکارگری آن برای توده‌های آگاه افشا شد.

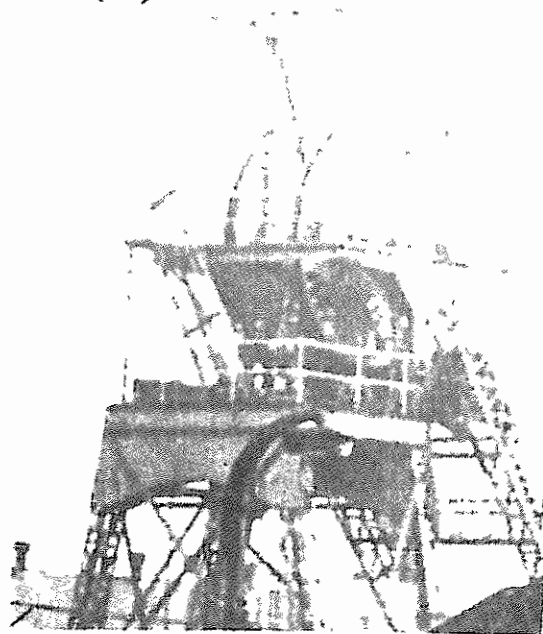
درچنین مجموعه‌شرایطی، یعنی درشرایط شکست استراتژی کسب ضربتی قدرت و افشای ماعتیت واقعی برنامه شورای ملی مقاومت، طبیعی است که بین تشکیل دهندگان شورای ملی مقاومت سناک می‌افتد و هریک از اجزای آن برای کسب آسروی مجدد و خلاصی خود از مخمصه دیگری را مسوول این سکت می‌داند و سعی می‌کند دامان خود را پایکیزه حلوه دهد. حرب دموکرات که زمانی تصور می‌کرد شورای ملی مقاومت و با هنوز است بکوییم سازمان مجاهدین می‌تواند قدرت را از بالا نصرف کند و خواستهای حرب در مورد خودمختاری کردستان را سرآورده سارد، امروز دسکر به سراسری سورا و مجاهدین اعتمادی ندارد و با خروج ارشورا برصد سرآمده‌است تا حواسهای محدود خودرا، که درچارچوب سورروازی نبر قابل خدق است، از راه‌های دیگری به‌دست آورد. حال، ایسکه آن

حرب دموکرات با خائس توده‌ای - اکثری وسروهای ساسرسی مثل راه کارگر و جز اسها، انتلافی رفرمیسی ایجاد کند و اسکا لسرالهای کوناگون وارد انتلاف لسرالی خدسی شود، درآسده برکت روس خواهد شد. هر دو بلوک رفرمیسی و لسرالی در حال سکلکیرن به حرب دموکرات چسک می‌رسند و حرب سر سنجک از این دو بلوک را ساکون نامند کرده است و عمه راه‌ها. حسی راه خدق حواسهای خود در چارچوب رزم‌جمهوری اسلامی از طریق مدارکه را سار کداسه است. البته حرب دموکرات که سدیداً و سنافاه به "پلورالسم ساسی" اعتماد دارد، بعید است که حوامان ادغام بلوک سدهای لسرالی و رفرمیسی ساند. و جسی حواسی البته ریاد عم سی‌رط سست و عرگاه که نرم باشد در مافع سوررواری به‌طور کلی اجاب کند. اس بلوک سدهای سارا عمصاد وحدت می‌کند. لیبرالسم و رفرمیسم به عنوان دو حران سداغلاسی دوروی یک سکه‌اند.



با شکست برنامه سورروایی شورای ملی مقاومت و فروپاشیدن آن، دوران روشی این انتلاف سورروایی به‌سر آمده است و بیرونیاری ایران به‌بیروزی بزرگی در راستای افشا و حتی سدن یکی دیگر از ترفندهای کوناگون سورروازی دست یافته است. با افشا شدن ماعتیت واقعی سازمان مجاهدین و آلتزانیو شورای ملی مقاومت‌سار، از این پس آلتزانیو بیرونتری هر چه بیشتر جای خود را درین توده‌های رحمتکش باز خواهد کرد و چون تنها آلتزانیو قادر به سرکوسی رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی خود را در جامعه تثبیت خواهد کرد. بیرونیاری ایران چون سناطیفه سا سناقر اغلابی، از اس پس اسوارنر از حمیه، در راستای سابدکردن سلطه امیرالاسم جهانی به سرکردگی امیرالاسم آمریکا و سناگاه داخلین عمی سرمایه‌داری وایسه و اسفرار سهای سوسیالیسم حث برچم مارکسسم - لاسسم و سها سازمان مدافع خود بعضی سازمان چریکهای فدایی خلق ایران بیروصدانه به پیس حوامند رفت.

گزارشی از اعتصاب کارگران معادن ذغال سنگ انگلستان (۲)



توضیح :
مقاله ربر که بخش اول آن در شماره پیش چاپ شد، در زمایی تهیه شده بود که اعتصاب معدنچیان انگلیس هوز در جریان بود. با اینکه این اعتصاب در اوایل مارس پایان یافت، به دلیل اطلاعات موجود در مقاله چاپ نغیه آن را در این شماره ضروری دانستیم. در ضمن بخش کوتاهی نیز به انتهای مقاله افزوده شد.

"جهان"

نقش زنان در اعتصاب

کلام شکست معدنچیان سکت گسترده طبقه کارگر انگلیس را برای سالیان متعددی به همراه داشت. و این دقتا چیزی است که دولت ناچر در پی آن است. این حقیقت ساده کافی است تا به اهمیت مبارزه یکپارچه و متحدانه کارگران، همسایه کارگران معادن ذغال سنگ لنگه کلیه بخشهای طبقه کارگر، در برابر نهاجمات بورژوازی و دولت ناچر پی سریم. اما واقعیت این است که اکثریت اتحادیههای کارگری با ناندن گرفتن این حقیقت ساده معدنچیان و جنس کارگری انگلیس ضربات حیران آیدری وارد می کنند و موجبات شادمانی بورژوازی و دولت حامی مافع آن را فراهم می کند.

رغمی جنبش نریدیمونیونی انگلیس که دارای يك سنت دراز مدت رفرمیستی و مبارزه قانونی و مسالمت آمیز است، اعتصاب فهرآمیز معدنچیان را در تضاد با این سنت می بیند. به همین دلیل رهبران سارکار اکثر اتحادیهها با وجود گذشت نرسا يك سال از اعتصاب معدنچیان هیچ قدم مثبتی برای پیشانی عطفی از اعتصاب کنندگان برداشته و عملا آنها را سها گذاشته اند تا توسط دولت ناچر به صلح کشنده شوند. رهبران اتحادیههای کارگری که در ماررجمویی معدنچیان پیوسیدگی ماهیت سارکار خود را مشاهده می کند و فاطعبت این پیشتازان سارزرات اصل طبقه کارگر را حرکتی در راستای سزلال شدن موقعیت ممتاز خود می بیند، هم اکنون به یکی از سزکترین موانع درجهت عمسستی و اتحاد حشهای دیگر طبقه کارگر با معدنچیان تبدیل شده اند. می توان عجزات گفت که رهبران اتحادیههای کارگری انگلیس بعضی کسانی که انگلیس بیس از صد سال پیش آنان را

به حرات می توان گفت که اگر نفس فعال زنان در اعتصاب سکوی و مبارزه دوسادوس آنان نامردان درکار می بود، این اعتصاب ماهه بامی بین سانسکت مواجه شده بود. بچه رمان مسفما درکار استخراج ذغال سنگ نفس چندانی ندارد، ولی فعالیت آنان در امور اجماعی مناطق سکوی کارگران معادن بسیار حاشی است. زنان دوتادوش مردان در پیکتها و سرپایی سالنهای غذاخوری عمومی، در کمبتههای اعتصاب، جمع آوری کمکهای مالی حرکت داشته و به معیارهای سارزاتی نوینی دست بافته اند. به طور خلاصه می توان گفت که زنان در کلیه عرصه های سارزاتی همراه مردان حضور داشته و با حرکت گرده خود در اعتصاب قدرت و توانایی آن را چند برابر کرده اند. از سوی دیگر تشکیل کمیته های زنان معدنچی گام مهمی در تشکیل نهادهای سارزاتی مستقل زنان بود که چندی پیش اولین کنفرانس سراسری خود را سیزرکزوار کرده. این سزگی اعتصاب معدنچیان ساتر نعبس کشنده ای بر روند آتی سارزرات طبقه کارگر انگلیس سرجای خواهد گذاشت.

نقش اتحادیه های دیگر و حزب به اصطلاح کارگر

عماظور که بیس از این شکست دولت ناچر با تمام توان خود در صدد شکست رساندن اعتصاب معدنچیان برآمده است و بدس مسووار تمام نهادهای سزکیتر خود به مسجم سزس شکلی استفاده می کند. از طرف دیگر سکت با سزروزی معدنچیان می تواند ساتر ععبس کشنده ای در روس آتی سارزرات طبقه کارگر انگلیس سرجای گذارد. اگر دولت ناچر بواند معدنچیان را سکت دهد، برای مدتی طولانی هیچ اتحادیه دیگری می تواند در مقابل دولت ایستادگی کند. در يك

ار آن، به نظر می‌رسد که تمام اسد خود را به رهبران اتحادیه‌ها بسد است. البته در بعضی‌ها خبر همی‌رات محوسی مشاهده شده است و معدنچیان برای جلب پشتیبانی کارگران سروگاه‌های بری مستقیماً با آنان تماس گرفته‌اند و در این رابطه چندین سروگاه ناکنون پیکت شده است.

تاکتیک شرکت دولتی ذغال سنک

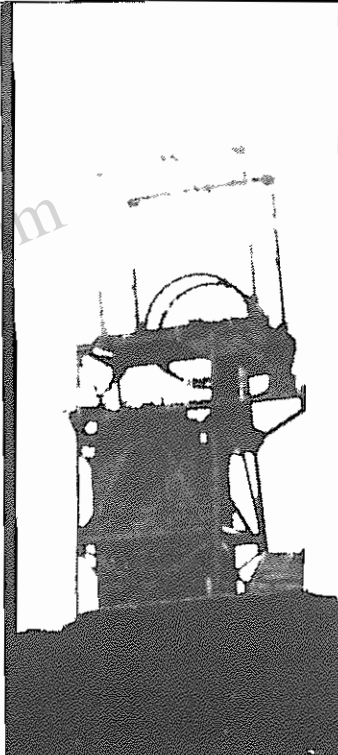
شرکت دولتی ذغال سنک و مخصوص رئیس آن از همان روزهای اول اعتصاب بنابه دستور دولت تاجر به کارگران اعتصابی اعلان جنگ داده و مصمم شد تا به هر قیمتی اعتصاب را با سک مواحه کند. لازم به یادآوری است که مک‌گرگر (McGregor) رئیس

با صفت زبینه "سرافیت کارگری" منحصر ساختن خواهان نکست اعتصاب‌اند. جز اینکه از آنان انتقاری نمی‌توان داشت چراکه "سرافیت کارگری از عارضی امیرالیسنی و استوار داخلی همی می‌برد و خواهان حذف تمام بهره‌کنی طبانی است.

حزب سوزوا امیرالیسنی "کارگر" که بی‌شرمانه مدعی پشتیبانی از اعتصاب معدنچیان است، در واقع قصد دارد تا با سوار شدن بر موج اعتصاب کارگران و به هر طریق ممکن از جمله محکوم کردن حرکت اعتراضی و فخرآمیز اعتصاب کنندگان، از ظرفیتهای سازمانی کارگران بکاهد، بر نارضایتی و خشم مردم از ارگانهای سرکوبگر سرپوش بگذارد و از آن چون خوراک تبلیغاتی برای انتخابات آینده بهره‌برداری کند.



معدن اورگریو، ۱۸ ژوئن ۸۴ - اینگونه صحنه‌ها در طول اعتصاب یک ساله هر روز بارها تکرار می‌شد.



شرکت ذغال سنک، آمریکایی است و دولت تاجر او را به علت تجربیاتش در تعطیل بسیاری از معادن آمریکا و بیکار کردن هزاران معدنچی آمریکایی تحت عنوان "اقتصادی کردن" معادن استخدام کرده است تا به صنایع انگلیسی به اصطلاح سر و سامان دهد. او، پس از ورود به انگلیس، ابتدا مسولیت صنایع فولاد را به عهده گرفت و هزاران نفر از کارگران را اخراج کرد. به همین دلیل کارگران انگلیس مک‌گرگر را به عنوان "قصاب آمریکایی" می‌شناسند.

اولین واکنش شرکت دولتی ذغال سنک برای مقابله با اعتصاب بی‌اهمیت جلوه دادن آن بود. شرکت سعی داشت وانمود کند که اعتصاب هیچ تاثیری در جامعه نخواهد گذاشت. رئیس شرکت در همان روزهای اول اعتصاب اظهار داشت که "مشتریان

البته ناکفته نباید گذاشت که هم رهبران اتحادیه‌های کارگری در کنگره سالیانه اتحادیه‌های کارگری در سپتامبر ۸۴ و هم حزب به اصطلاح کارگر در کنگره سالیانه خود با هیاهوی بسیار از اعتصاب در حرف پشتیبانی کردند، ولی از آن وقت تا کنون در عمل هیچ کاری انجام ندادند. در اینجا بد نیست به این مساله هم اشاره شود که رهبری "اتحادیه سراسری معدنچیان" به‌رغم سیاستهای مبارزه‌جویانه خود در اعتصاب کنونی، هیچ‌گاه به اختلافات عمیق بین اتحادیه خود و اتحادیه‌های دیگر اشاره‌ای نکرده است. این درحالی است که رهبران اتحادیه‌های صنعت فولاد و تولید برق از همان اوایل اعتصاب هم‌آواز با دولت تاجر اعتصاب معدنچیان را به‌طور علنی محکوم کردند. رهبری معدنچیان به‌جای تماس مستقیم با کارگران این صنایع درخواست پشتیبانی



مبارزه طبقاتی سراسری و پدید آمدن اسکال عالی‌تر قهر انقلابی شود و بدین ترتیب کلیت نظام سرمایه‌داری را خطر مواجه نکند. ممکن است در اتر فشار عمیق محافظ در آینده دولت ساکزیر به‌مناس دادن نرمش و دادن امنیاراتی به‌کارگران اعصابی گردد.

اما کارگران اعصابی می‌گویند که ما هم از تجربه ۱۹۲۶ درسهای مهمی آموخته‌ایم و هرگز خواهم گذاشت چنان سستی‌نکرار خود. آنان می‌گویند حال که نزدیک به یک سال کلیه ححنی‌ها را تحمل کرده‌ایم و دولت نیز کلیه افزایش برای سکت دادن اعتصاب استفاده کرده است، دیگر ادامه اعتصاب برای ما مشکل چندانی دربر خواهد داشت و حاضریم اعتصاب را برای سالها ادامه دهیم. و اما سیاستهای دولت برای جبران کمبود ذغال سنگ چه بوده است؟ در ابتدای اعتصاب تصور می‌رفت که ذخیره ذغال سنگ نیروگاه‌های برق به‌زودی نه خواهد کشید و انگلیس با بی‌برقی روبرو خواهد شد. دولت، برای جلوگیری از این امر، تدابیر گوناگونی اندیشید. اول آنکه مناطقی که در اعتصاب شرکت نکردند، مثل سابق به تولید ذغال ادامه دادند. ثانیاً بسیاری از نیروگاههای برق بجای ذغال سنگ، از نفت برای سوخت خود استفاده کردند. گرچه تغییر سوخت از ذغال سنگ به نفت برای دولت بسیار پرخرج بود، ولی همانطور که گفتیم دولت حاضر است به هر قیمتی اعتصاب را تسکین دهد. ثالثاً، دولت شدیداً از خارج ذغال سنگ وارد کرد. به‌طوری که طبق آمار دولتی واردات ذغال سنگ ۶۰ درصد افزایش یافته است. لازم به یادآوری است که سیاست وارد کردن ذغال برای تسکین دادن اعتصاب، به‌یادماندنی کارگران بسیاری از کشورهای صادر کننده ذغال به انگلیس با ناکامی روبرو شد. کارگران کشورهای همچون استرالیا، فرانسه و جز اینها، ضمن اتحاد انترناسیونالیستی خود با معدنچیان انگلیس، مانع صدور ذغال از کشورهای خود به انگلیس شدند. در این میان عملکرد دولت لهستان بسیار ضربه زننده بوده است. دولت لهستان نه تنها مانع از صدور ذغال به انگلیس نشد بلکه صدور ذغال به انگلیس را طی اعتصاب به بیش از ۳ برابر افزایش داد. چنین سیاستی نه تنها نفی آشکار انترناسیونالیسم پرولتری است بلکه عمده‌ستی با بورژوازی انگلیس

عمده ما با پیش بینی وقوع اعتصاب، اسب‌های خود را از ذغال سنگ پر کرده‌اند." او سعی داشت این مساله را به‌کارگران تلقین کند که اعتصاب تنها به آنان ضرر می‌رساند، زیرا از دریافت دستمزد محروم خواهند شد. تاکتیک دیگر شرکت، تبلیغ این بود که عدم شرکت کارگران در رای‌گیری سراسری پیش از شروع اعتصاب، باعث پایمال شدن حقوق دموکراتیک آنان شده است. شرکت به معدنچیان فشار وارد می‌کرد تا از رهبری اتحادیه خواستار رای‌گیری سراسری شوند و البته به‌اعضای رای منفی بدعند. در کنار این جنک روانی، البته از دستگاه‌های سرکوب مستقیم نیز برای شکست دادن اعتصاب استفاده می‌شد که بیس از این به آن اشاره کردیم. تاکتیک دیگر شرکت ایجاد تفرقه در بین صفوف به‌هم فشرده معدنچیان اعصابی است. شرکت از هر وسیله‌ای برای برگرداندن اعتصاب کنندگان به سر کار استفاده می‌کند؛ از پرداخت پاداش ویژه کریسمس به اعتصاب‌نکنان تا اعزام نمایندگان مخصوص به منازل کارگران اعصابی و کوشش برای برگرداندن آنان به سر کار با وسوسه‌های مالی. در عین حال شرکت هرروزه آمار دروغین را در مورد تعداد کسانی که اعتصاب را نگه و سر سر کار آمده‌اند به‌راه‌های گروهی می‌دید و ایها نیز با آب و تاب آمار دروغین را منعکس می‌کند تا بدین ترتیب چنین وانمود شود که اعتصاب در حال اتمام و نکست است.

سیاست اصلی شرکت ذغال سنگ و دولت برای شکست دادن اعتصاب آن است که مثل اعتصاب سال ۱۹۲۶، اعتصاب کنندگان را تا سرحد کرسکی بکشاند تا آنان مجبور شوند به سرکار بازگردند. با اینکه این اعتصاب تاکنون بیش از ۶ میلیارد یوند برای دولت هزینه داشته است و از لحاظ اقتصادی ادامه اعتصاب به‌نفع شرکت و دولت نمی‌باشد، ولی دولت ناچار در حال حاضر برای اثبات "کسایدیری" خودنومین مافع‌سیاسی خویش، حاضر به هیچ‌گونه سازشی نیست. این سیاست‌نم‌نایدیر شرکت و دولت تاجر‌البته‌مورد پذیرش بسیاری از محافظ طبقه حاکمه نیست. این محافظ که با دوراندیشی بیشتری به‌مساله نگاه می‌کنند، از این وحشت دارند که ادامه این اعتصاب پرخرج و در عین حال خونین باعث گذرش



حمله پلیس به یک زن حامی اعصاب

در شهیل سکت اعصاب کارگران معدن است. معدنچیان انگلس هرگز اس حیات را فراموش نخواهند کرد.

تاکنک دیگر دولت برای نکت دادن اعصاب، ستلاسی کردن اتحادیه سراسری معدنچیان است. دولت سعی دارد تا رعبران دستراستی مناطق ناتینگهام و داربی شایر را به جدایی از اتحادیه سراسری و تشکیل اتحادیه مستقلی تشویق کند تا بدین تریب به اتوریته و قدرت اتحادیه سراسری ضربه وارد کند. هم اکنون تلاشهایی نیز در این راستا انجام گرفته است و زمره جدایی و استقلال بعضی مناطق شنیده می شود. این حرکت نیز در تاریخ مبارزاتی معدنچیان انگلس سی سابقه بیست. در جریان اعتصاب ۱۹۶۶ نیز یکی از نمایندگان حزب به اصطلاح کارگر در مجلس به نام اسپنسر اتحادیه مستقلی را در همین منطقه ناتینگهام برپا کرد و ضرات جبران ناپذیری به اعتصاب معدنچیان و همستکی و اتحاد آنان وارد آورد.



اعصاب نارخی و قهرمانانه معدنچیان علیه تهاجمات نیه فاسینی دولت تاچر پس از یک سال تحمل کلیه فشارها و سختی ها، در میان موجی از خشم و شعریان پذیرف. امروز پس از پایان یافتن اعصاب معلوم شده است که این اعصاب بیش از ۶ میلیارد لیره استریک بران دولت بریه در بر داشته و این بریه سرآمد آور نشان می دهد که برای دولت تاچر کسب یک "پیروزی سیاسی" در درجه اول اهمیت قرار داشته است. بسیج عمده علیه دولت از همان اوان شروع اعصاب حاکی از آن بود که دولت در حال خواهشهای معدنچیان تنها به سرکوب متوسل شده است و حواسنارنل مساله از طریق مذاکره و امنیازدمی است.

اسباه بزرگی خواهند بود اثر علت اصلی اعصاب (قل از بدست آوردن کلیه حواسهای آن) را محدود به اختلاف سوم پلیس - دادگاهها - رسانه های گروهی کنیم. چرا که عاملی این سیادت و ضربه ای جز آنچه انجام دادند نداشته اند و در آینده سیر چینی حواسد کرد. عمده ترین مساله ای که باعث پایان یافتن اعتصاب گردید، عدم پشتیبانی گسترده و سراسری کارگران دیگر بخشهای صنعتی از اعصاب است. در حالی که بورژوازی به طور کلیارچه و متحد علیه معدنچیان سیاحته بود تا اس مقاومت برین سنگر را در دم گوند، رهبران اکثر اتحادیه ها که در پیکارجویی و سازش با پیرن معدنچیان ورسکسی ساسنهای حائاه و دهن مساه خود را می یافتند، نه تنها کمک به آنان نکردند، بلکه در اکثر مواقع چه به طور مستقیم و چه غیرمستقیم به باری دولت و "سم و فاسون" بورژوازی ساهند. این امر به نفع دیگر این حیف مسلم و حدسه پاسپر را ثابت کرد که تنها مبارزه محدود و بکچارچه طبقه کارگر تحت رهبری یک حزب انقلابی مارکسیست لیسنی می تواند نظام سرمایه داری و تمامی مصاد و بدیخنی های آن را از بین ببرد.

وجود این ضعف عمده و درکارنیودن سبکگونه چشم اندازن برای مذاکرات و غیرقابل قبول بودن یک شکست احتمالی و ... رهبری

اتحادیه معدنچیان را بر آن داشت که، به رغم عدم تحقق کلیه خواهشهای خود، به اعصاب پایان دهند و بقول خود معدنچیان سرلند به سر کار باز گردند و آینده اعصاب و حواسها را در طی حرکات آبی خود مشخص سازند.

اعصاب پایان پذیرف ولی "بی تمر" باقی ماند. در جامعه ای که به دلیل سازنهای و خیانتهای تاریخی رهبران اتحادیه ها، این نمایندگان بورژوازی در جیس کارگران، طفه کارگر دچار نوعی باس، سی آزادگی و رجوت شده بود، اعصابی این چنین فاطح و سازش ناپذیر تا به آنها، سی شد پیروزی بزرگی محسوب می گردد. اعصاب "سکت" حورده، چرا نه توانست زمان معدنچیان را همراه دیگر زمان، برای اولیس بار بعد از سالها، وارد زندگی سیاسی کند و آنان ناپدید آوردن سنگلهای توانگون و فعالیت خلان و حسکی پذیر خود فغنی سن ارزنده در طول اعتصاب ایفا کند. اعصاب "بی تمر" ماند، چرا که توانست نه تنها بخش عظیمی از کارگران را در برتاسبا بلکه در سراسر حها سیدار کند و حمایت مادی و معنوی کارگران دیگر کشورها نشان دهنده همبستگی بین الطلی کارگران بود. اعصاب نمی توانست به "شکست" بیانجامد، چرا که طبقه کارگر آگاس و کیه طیفات خود را نه از درون کتابها، بلکه در جریان مبارزه روزمره و برخورد با واقعیتهای اجتماعی کسب می کند و این بزرگ ترین پیروزی است. بورژوازی می تواند مزاران معدنچی را بحریم های واقعی بزدان اندازه و مدعا معدنچی را محرم دفاع از صنایع طبقاتی خود از کار اخراج کند. ولیکن چه ناک، دستاورد های مبارزه قهرآمیز معدنچیان بلاشک چون چراغ روشنی فرا راه مبارزات آینده کارگران خواهد بود.

این چنین است که فولاد آبدیده می شود و بقول یک معدنچی: "ما به سر کار باز می گردیم، اما شکست نخورده ایم. چرا که آنچه ما در طی این اعصاب آموخته ایم، مرکز و تحت هیچ شرایطی نمی تواند از ما باز پس گرفته شود."

راه کارگر، یا

راه فرمیست؟

درباره تلاش راه کارگر برای
نزدیکی به فرمیستهای ضدانقلابی

و افشا مبنای عقیدتی بنیان " فرمیسم " در ایران در نجاری
چندده ساله بدان سائل آمده‌اند.

نجاری گذشته بارها و بارها ثابت کرده است، مواقعی پیش
می‌آید که با رشد و اعتلای جنبش انقلابی، نسکلهای دانشجویی
خارج از کشور در تدارک برای تقویت صفوف حامیان انقلاب، از جانب
عوامل بورژوازی به صور گوناگون مورد تعرض جدی قرار می‌گیرند.
این تجربیات قویا این مساله را نشان می‌دهد که خائنین به
سوده‌های مردم در چنین خریاطی با عدف به انحراف کشانیدن
مبارزات نوده‌ها، برای پوتاندن ماهیت واقعی خود با توسل
به ابزارهای مختلف و کانال‌های مطمئن و نزدیک سعی در گسترش
نفوذ خود می‌کنند. بدین جهت روش است که اکنون مبارزه در
راه افشا رژیم جمهوری اسلامی و دفاع از خواستها و مطالبات
سوده‌های رنجمنگش مردم ایران در راه رعایایی
اجتماعی از بیوغ ستم و استثمار بدون مبارزه با کسانی
که می‌کوشند با کسب مریدیهایی بی‌محتوای خود با جریانات
مدانقلابی تمام " قلم و قدم " خود را برای به کجراه کشاسیدن
مسیر مبارزات انقلابی جنبش دانشجویی به کار گیرند، امکان‌پذیر
بیست.

از این رو ما برای بررسی سلیح عقلی و خصلت‌های عمومی
این " اشتباه " در رابطه با استدلال‌های تئوریک راه کارگر و نیز
سرازندگی تاثیرات و بازتاب آن در جنبش دانشجویی خارج کشور
و از این طریق جنبش انقلابی ایران، نخست به آن احکامی استناد
می‌جوئیم که بر بنیان آن این " اشتباه " یا به عبارتی صحیح‌تر این
تعبیر مواضع راه کارگر برای نزدیکی بیشتر با " فرمیسم " صورت
گرفته است. چه این امر به دلیل نتایج عمده حضور و یا عدم حضور
جریان سوده‌ای - اکثریتی (مردو جاج) در مراکز جمع دانشجویان
انقلابی و پاسخگویی قاطع و روشن به آن از طرف نیروهای انقلابی
هم اکنون اهمیت ویژه‌ای را کس کرده است.

ما ابتدا از بیان تئوریک این نزدیکی شروع می‌کنیم تا به
تملک‌دهای چند گانه آن در حوزه سیاست برسیم و با مقایسه مستند
نقطه نظرات این دو در انطباق با احکام نظریه پردازان اصلی
آن، ضمن بررسی مضمون و محتوای " اسفادات " راه کارگر به جریان
سوده‌ای - اکثریتی در دوره اخیر جهت دسیاهی به مسا و سرچشمه
آن جدولی را به شرحی عملکردهای " فرمیسم " اختصاص می‌دهیم

در تاریخ ۶ ژوئن ۱۹۸۵ از طرف نسکلهای دانشجویی موادار
(ار حمله ما) و دموکراسیک اطلاعاتی انتشار یافت که در آن
با اشاره به کوسنهای تازه و نقشه‌های طرح ریزی شده جریان
سوده‌ای - اکثریتی در تدارک برای تعرض به مراکز جمع دانشجویان
انقلابی، بدیگونه موضع گیری شده بود:

" ما امضا کنندگان این اطلاعیه با درک ضرورت مقابله
سریع و قاطع با آنها اعتقاد داریم که این جریانات
با همکاری مسفییم و غیر مسفییم یا رژیم جمهوری اسلامی
در سه حاک و حوس کسیدن پایتاخته‌ترین و ارزشمندترین
انقلابیون میهن‌مان و سرکوب جنبش نوده‌ها به انقلاب
حیانت کرده و در صف صدانقلاب فرار دارند. بدین
علت ما حضور آنها را در مراکز جمع دانشجویان انقلابی
حظری جدی برای جنبش انقلابی ایران می‌دانیم "

علل از انصار این اطلاعیه در جلسه مربوط به بررسی و موافق
حول مضمون آن، راه کارگر و اجس عمبسنکی با رد موضعی
مذکور از امضا اطلاعیه سرباز زدند. راه کارگر در باره علل این اقدام
خود، اعلام داشت که از نقطه نظر آنها حزب نوده و اکثریتی‌ها
به تنها در صف ضدانقلاب نیستند، بلکه حیانت آنها نیز مربوط به دوره
گذشته و سابق بوده و اکنون موضوعیت خود را از دست داده
است، بدین جهت نباید حاشی قلمداد شوند. راه کارگر در پاسخ
به این سوال نیروهای انقلابی که چرا سه ماه پیش در برخورد
به جناح دیگر اکثریتی‌ها (کسگر) این جریان را طی اطلاعیه‌ای
مشترک ضدانقلابی ارزیابی کرده است؟ عنوان نمود که در این
ریمیه " اشتباه " کرده‌اند و در نتیجه در حال حاضر با مضمون آن
اطلاعیه سیر موافق نیستند.

در حقیقت طرح علی اس " اسماه " در سوع خود آغازگر یک
دگرگونی و تعمیر در صداسدی نیروهای انقلابی در عرضه عمل
سازراسی به حساب می‌آید هرچند که راه کارگریس از این با انکار
آن در گفتار توأم با عحاسی سر غله ما به طور نس بدان عادت
حسبده بود. اما اسبار او با اعلام اس موضوع با یک حرکت زمان
درصدناطل کردن عمه آن دساوردهای سرآمد که فکر و عمل
انقلابیون در کوسش برای سفی و غرد سهامی حساسها و پس‌ما

و نگاه به چشم انداز سرمواضع راه کارگر و صاحب آن درجس
داسجویی اشاره حواشم کرد.

امروز بر سیروی انقلابی (مدعی مارکسیسم - لنینیسم) بر
اس امر واقف است که معنی سیاسی، استراتژی و تاکتیک عمر
آرمان و حزبی بر مبنای درک آن از مفهوم عصر و مضمون آن اسوار
است. به عبارتی دیگر درک از خصوصیات اصلی اوضاع عمومی،
محموی عصر، نیروی محرکه جهت تکاملی آن ک شرط اساسی و
پایه ای برای تدوین ایدئولوژی، سیاست، اسرار و تاکتیک
بحساب می آید. این بدان علت است که در هر مرحله از تکامل
تاریخی یک شکل بندی (فرمایشیون) اقتصادی - اجتماعی باید
با تحلیل از تضادهای ذاتی آن دوران نشان داد که کدام طبقه
اجتماعی نقش بالندگی، نقش دوران ساز و تاریخی را برعهده
دارد. و جنبش آن طبقه به مثابه جریان اصلی پیسنزنده و رسد
نیروهای مولده و تکامل اجتماعی با فرار گرفتن در راس دوران
رسالت دگرگونی های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی نغم کهن
را بدوش می کشد.

اجازه بدعید این مساله را از زبان خروشچف تعقیب کنیم.
ون در کنفره ۲۰ حزب کمونیست شوروی بر اساس تحلیل جدید از
تضادهای بین المللی و اوضاع سیاسی جهان و رد ایده های
اساسی لنینیسم درباره عصر امپریالیسم و عصر انقلابات پرولتری،
عصر جدیدی را اعلام نمود که در آن "رقابت دو سیستم" به عنوان
ویژه کی عمده تکامل جهانی قلمداد می شد او اظهار داشت که:

"ما مطمئنیم که سوسیالیسم در رقابت با سرمایه داری
پیروز خواهد شد. ما مطمئنیم که پیروزی در رقابت
مسالمت آمیز بدست خواهد آمد نه جنگ"

بدین ترتیب با تدبیر مضمون عصر تاریخی به تبلیغ "نتیجه
زندایی"، "تخفیف بخشیدن به تنش ها" و ادعای اینکه "ما
در عصر سماعنگی بین المللی عمومی بسر می بریم" "سرجاست"
و با جایگزین کردن صلح به مثابه مساله محوری عصر بجای انقلابها
و جنگهای انقلابی، آغازگر استراتژی و تاکتیکهای جدیدی شد
که "راه رشد غیر سرمایه داری"، "رقابت اقتصادی"، "همزیستی
مسالمت آمیز"، "گذار مسالمت آمیز" "دولت عموم حلفی" و...
از نتایج آن بودند.

جلسات مشاوره ای احزاب کمونیست و کارگری در سال ۱۹۶۰
متعاقب بیانیه صلح ۱۹۵۷، در تداوم عمین تجدیدنظر در اصول
لنینیسم با تحریف واقعیات عینی اجتماعی و فرایندهای آن
طی اعلامیه ای مشترک اندکی بدان صراحت بخشید:

"دوران ما، که مضمون عمده آن گذار از سرمایه داری
به سوسیالیسم است و با انقلاب کبیر سوسیالیسی
اکتبر آغاز شده دوران مبارزه بین دو نظام متضاد
اجتماعی، دوران انقلابیهای سوسیالیستی و انقلابهای
رهای بخش ملی، دوران دردم شکستن امپریالیسم،
دوران العان نظام استعماری، دوران گذار تعداد
بیشتری از خلقها به مسیر سوسیالیسم و کمونیسم
در مقیاس جهانی است."



در شرح ویژه کی های اصلی دوران اعلام شد که:

"ویژه کی اصلی زمان ما این است که نظام جهانی
سوسیالیستی به صورت عامل فاطع تکامل جامعه
در می آید."

این خدبندتر در حصلت عصر که بر مبنای ساساتهای
پراکنشینی و سازشکارانه نغم می بند روزه خدایی ها
و انصافیهای متعدد و پی در پی در سطح جنبش کمونیستی جهان
را فراهم نمود. ۹ سال بعد (در ۱۹۶۹) گردنمایی احزاب کمونیست
و کارگری جهان با تحریم تعداد بینماری از احزاب کمونیست
مواجه گردید. مع الوصف سند اصلی کنفرانس در تداوم و تکوین
عماں شوروی با عنوان:

"و ثنایف مبارزه علیه امپریالیسم و وحدت عمل
احزاب کمونیستی و کارگری و کلیه نیروهای
ضدامپریالیستی"

انتشار یافت که در آن رسالت دگرگونیهای اجتماعی، اقتصادی
در مبارزه بر علیه امپریالیسم نه برعهده پرولناریای هر کشور در
احاد با پرولناریای جهانی بلکه بردوش نظام سوسیالیستی
جهان و در راس آن اتحاد شوروی قرار داده شد:

"نیروی تعیین کننده در مبارزه ضدامپریالیستی
نظام سوسیالیستی جهانی است، در مبارزه رنایی
بخش از نظام سوسیالیستی جهانی و در راس
آن اتحاد شوروی کمک های ضروری دریافت می دارد"

و درباره چگونگی این اعمال غرضمندی در سد مذکور تاکید کردند که :

"خدمت بنام سوسیالیستی جهانی به آرمان مشترک نیروهای ضدامپریالیست در درجه نخست به واسطه توان اقتصادی رشد یابنده آن تعیین می‌شود."

و سرانجام با اعلام وجوه ممتاز و مساله محوری عصر (صلح) و تعیین و تفایف استراتژیک و تاکتیکی احزاب نباید کننده خطاب به تمامی نیروهای اجتماعی از " سازمانهای کارگران " تا " رعبران واقع بین کشورهای سرمایه‌داری " (!) خواسته شد که :

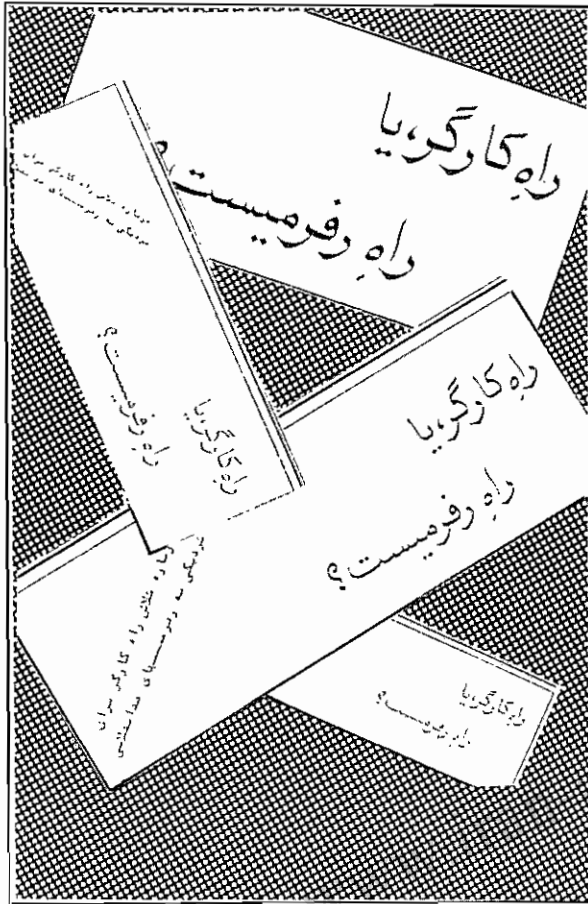
" برای اقدام عمامنك در مبارزه ضدامپریالیستی به منظور کاستن از نتایج و دفاع از صلح با احزاب کمونیست شریک مساعی کنند." (تاکیدها از ما)

به‌یرت چنین " تعبیرات ژرف " که مطابق احکام جلسات مشاوره‌ای " عملکرد " جهانی می‌یافت، تضاد اساسی و انعکاس طبقاتی آن یعنی تضاد کار و سرمایه در عصر امپریالیسم که بر مبنای آن پرولتاریا مضمون عصر کنونی را تعیین می‌کند، تحت الشعاع تعیین کنندگی بنام غایب سوسیالیستی و در راس آن اتحاد شوروی (آنها هم به دلیل " توان اقتصادی رشد یابنده آن ") فرار گرفت. از آنجا که " رقابت مسالمت آمیز " " سوسیالیسم با سرمایه‌داری " در راستای تحمیل صلح به امپریالیسم و غایف جدیدی را در زمینه ایجاد حد مطلوبی از روابط اقتصادی و دیپلماتیک و ... با نظام سوسیالیستی جهان و در راس آن اتحاد شوروی برای " گذار به سوسیالیسم " در کشورهای تحت سلطه طلب می‌کرد، حزب نوده بنا به محدودیت حیطه دانش و معایت طبقاتی خود برای انطباق مهم‌ترین اصول ایدئولوژیک، سیاسی و اقتصادی‌اش با مبانی شورویک این اسناد لحنه‌ای درنگ نکرد.

راندنش دیراؤل حزب نوده در اوج شدید اختلافهای اساسی میان احزاب کمونیست جهان، با تعریف و تجمید از " لحن استوار و خوسرد و عمق فضاوت‌های " برزرف در ماغنامه شماره ۴۹ مردم (ارگان حزب نوده - ۱۳۴۸) از اعلامیه مذکور به عنوان " یک کام بزرگ تاریخی در راه همپوستگی جنبش کارگری و کمونیستی جهان " یاد نمود. و در طرح برنامه ۱۳۵۲ در سبب مبانی و اصول مرامی و تعیین استراتژی و تاکتیک حزب نوده، مضمون عصر بدیگونه از اسناد جلسات مشاوره‌ای انقباس گردید.

- " مضمون اساسی دوران معاصر گذار از سرمایه‌داری به سوسیالیسم است، تناسب نیروها بین سوسیالیسم و سرمایه‌داری به سود سوسیالیسم در جریان مبارزه شدید این دو سیستم مستمرا تسبیر می‌یابد "

- " تضاد اساسی دوران، تضاد سوسیالیسم و امپریالیسم است که محور مبارزه طبقاتی در عرصه جهانی است."



- " اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی نالوده‌های، فنی و فرغنکی جامعه کمونیستی را می‌ریزد و نیروی عمده اردوگاه سوسیالیستی است."

و درباره مساله محوری عصر:

- " بتدریج مرحله نوینی از مناسبات بین‌المللی آغاز می‌گردد (!) بدین معنی که علی‌رغم مساعی این محافل (امپریالیسم) برای حفظ چنگ سرد و وخامت اوضاع بین‌المللی، در اثر مساعی پیکرانه و مینکرانه کشورهای سوسیالیستی و در درجه اول اتحاد شوروی، صلح جهانی بیش از گذشته راه خویش را به پیش می‌کتابد " (تاکید از ما)

ما اکنون محدوده تئوری را بکلی رما ساخته و مستقیما به سراغ حیات سیاسی " رفرمیسم " (به‌ویژه جریان ضدانقلابی نوده‌ای - اکثریتی) می‌رویم تا ببینیم عمین تئوری در عرصه و تفایف عملی و حرکت‌های عینی آن در جامعه‌ای نظیر ایران با ساخت سرمایه‌داری وابسته چگونه به نفعی مبارزه طبقاتی و خدمتگداری به بورژوازی (چه در دوره شاه و چه در رژیم جمهوری اسلامی)

و حیات با اعتماد محرز شده است. چه این مطالب حتمی در واقع نمای علمی و سطح جامعه از آن اساساً فسیل از ارباب با استدلالهای شورید بود و سبک باسی این خورن سوسهای علمی (عمری که همان خود دارد) اس جریان احصای به مرحله عمل درمی آمد. برای این منظور حسن کویا را به بررسی می‌بخشیم:

« ۲ - " حرب ما بر آن است که استمرار مجدد آرزوهای مصرح در قانون اساسی کنونی ایران، امکانات بسیار مفاعدی برای عموم نیروهای سرفی حواه و دموکراسیک ایران فراهم می‌سازد تا برای اتحاد راه رشد مستقل و دموکراسیک کشور، راه رشد غیر سرمایه‌داری، منعفا به‌طور موثر مبارزه کند. " (ماهنامه مردم - آرگان مرکزی حرب سوده شماره ۷۲ - سوماه ۱۳۵۰)

« - " وطیعه مینس برسان واقع سن و دشمنان واقعی امیرالاسم آن سسب که ایران را از سطر روابط با کشور های سوسالستی ناردارد، بلکه ساند سکوئند تا دولت را بشاز بشاز در اس راه سوق دهد و با استعاده از سراط مادی مفاعدی که کمک های دوسابه کشورهای سوسالستی برای ایران فراهم می‌آورد در راه برانداختن نهایی سلطه احصارهای امیرالاسی و تا مین استقلال اقتصادی و سیاسی کشور قدم بردارد. " (ماهنامه مردم شماره ۶۵ - آبان ۴۹)

« - " تنها سمت‌گیری در راه رشد غیرسرمایه‌داری، یعنی باهریزی اقتصاد مردمی ... می‌تواند ستره‌بخشی‌های حاکم در جامعه کنونی ما را ریشه‌کن سازد. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران سنگ‌سای بنیادین قابل توجهی برای یک چنین سمت‌گیری اقتصادی کار گذاشته است. " (بلوم و سع ۱۳۶۰)

« - " هواداران واقع سن و روش سن پیرو خط امام و نیروهای سالم و نیرو سوسالسم علمی ... حواسنا را برای قانون اساسی جمهوری اسلامی در تمامی اسعادش هستند. " (همانجا)

« - " آزادی قلم، بیان، اجتماعات، احزاب، سندیکاها، اتحادیه‌ها و شوراهای که قانون اساسی آنها را رسمیت شناخته اساز مردم سلب‌گردیده است. " (سبانه مشترک حرب‌توده و اکثریت، اردسبشت ۱۳۶۴)

« - " سازمان ما برای دادن پاسخ مشخص به مسائل کلیدی و اساسی خنثی‌سبشاز بشی‌ساید متحد و سبچاره در قبال تهاجمات ابورونسم حب و راست‌اعم از سازمان شکنان " اقلیت " تا حرب‌توچم سفید " توده " در رزمگاه دوران سار مبارزات کارگری ... " (اکثریت سال ۵۹)

« - " اکسون که سنا ریح مراحه می‌کسم و یک‌سار دیگر نعام سری را که حبش‌کمونستی ایران از ۳۲ به بعد طی کرده است مرور می‌کنیم همه آنچه که ساکنون بر ما و حزب‌گذشته است به روشی نشان می‌دهد که حرا سگانه راه واقعا انقلابی و درست‌سرای غلبه بر سخت‌فکری و سازمانی بسا هنگ‌طبقه کارگر ایران همان راهی سوده است که رهبری حزب‌توده ایران از سال ۳۸ به بعد مکررا نوصه کرده است. " (اکثریت سال ۶۰)

« - " انشعاب دوم رخ داد بختی‌دیگر سرمایه‌داری بزرگ‌سازار بوق های مطبوعاتی و با توطئه سرمایه‌داران و مالکینی چون میزان، انقلاب اسلامی، رنحر و گروه‌های سیاسی خون حسیه ملی ... سبکار و ... به‌همراه گروه‌های قریب‌خورده هواداران محاهدین خلق، " اقلیت " و ... به‌انقلاب و رهبری اعلان جنگ دادند. " (اکثریت سال ۶۰)

« - " جواسان در سورد با توطئه‌های ضدانقلاب و غلبه بر مسکلات انقلاب. " (اکثریت)

« - " رهمودهای امام را در مورد کردستان اجرا نساید. " (اکثریت، شماره ۱۳۶)

« - " برای اینکه بتواسیم تجاوازات رژیم‌های ارجاعی منطقه را درهم کوسم، برای اینکه ستواسیم در سراسر توطئه‌ها و فنارهای امیرالاسم مقاومت کنیم و برای اینکه نسهای مداخلات داخلی را نقش‌سراب‌کسم ساسد همه ما هم متحد باشیم و تشکیل جبهه واحد صدامیرالاسی، متشکل از تمام نیروهای ضدامیرالاسی مناسب‌ترین شکل اس اتحاد است. " (اکثریت ۵۹)

« - " رعایت کامل اصل ۲۶ قانون اساسی و سبشیت قانونی حقوق سندیکایی کارگران و تصریح آن در قانون‌کار جدید ضرورت مبرم انقلاب و خواست‌موری همه کارگران است. " (اکثریت شماره ۱۰۸)

« - " سازمان ... (اکثریت) فعالیت مسلحانه علیه جمهوری اسلامی ایران را محکوم می‌کند. سازمان ما دامن‌زدن به‌فضای تسنج، قهر و نفاق میان سیروهای ضدامیرالاسی و دموکراتیک را محکوم می‌کند. " (اکثریت شماره ۱۰۸)

« - " اقدامات ضدانقلابی باند قاسلو و دیگر سیروهای صدانقلابی در کردستان ایبک مدت‌ساست به‌صورت حلقه‌ای از

سلسله سوطه‌های امپریالیسم و صدامت‌داری داخلی. برای تاودی انقلاب مردم ما درآمده است". (اکتبر شماره ۱۱۵)

✱ - "سارمان ما در شرایط حساس کمونی که سرد جنبه انقلاب در پیش‌مان وارد مرحله حساسی شده است، وظیفه خود می‌داند که در برابر سوطه‌های ریکاریکد امپریالیسم و صدامت‌داری داخلی و در دفاع از انقلاب و جمهوری اسلامی ما همه توان خود اسنادکی کند". (اکتبر شماره ۱۱۵)

✱ - "در عین حال که جمهوری اسلامی در شمال هواداران گروه‌های منحرف باید سیاست‌رسانی در پیش‌گیرد، سرکوب بدون مصائب جبران‌ناپذیری که کمربت‌های انقلاب‌خوار مردم ایران بسازد و علیه آن مسلحانه دست به حساب می‌زند از ارکان دفاع از انقلاب است". (اکتبر شماره ۱۲۸)

✱ - "سومین سالگرد انقلاب خدا می‌رساند و مردمی ایران بد رهبری امام حسی مبارک‌ناب". (نهم ۶۵)

✱ - "خط می‌سناسی و اهداف اسرانی‌زیک حرب‌سوده ایران و سارمان ... (اکتبر) در شرایط دسوار و فوق‌العاده نعرج سالهای پیش از انقلاب، با وجود فرار و سبب‌ها، مسوچه نحقو آماج‌های مردمی و صدامت‌داری‌لستی و تامین مداوم انقلاب‌سود. ساس‌ما مسوچه آن بود با انقلاب ملی و دموکراسیک به عنوان یک ضرورت تاریخی، پاس‌حکوی سارمندی‌های کسور برای پیش‌رفا احسانی‌سند". (بیاسیه مشترک کمیته مرکزی حرب‌سوده و اکتبر، اردیبهشت ۱۳۶۴)

است و وظیفه کارگر طبقه‌ان است که در مقیاس جهانی در راس حرکت انقلابی تاریخ فرار دارد. این دوران که با پیروزی انقلاب اکتبر (یعنی انقلابی که برای نخستین بار در بخشی از جهان طبقه کارگر را به قدرت رساند) آغاز می‌گردد، دوران گذار جهانی به سوسیالیسم است."

- "در گسترش تضاد اصلی این دوران (که تضاد میان سوسیالیسم و امپریالیسم است) سوسیالیسم نیز چه پیش‌نیرو می‌گیرد و امپریالیسم هر چه بیشتر تضعیف می‌گردد. در این مرحله (مرحله سوم یعنی از نیمه سالهای ۵۰ تا کنون - از راه کارگر) از جبران عمومی سرمایه‌داری سوارن فوا در مقیاس جهانی منفع نیروهای سوسیالیسم معم خورده است."

در ربه بخش کشورهای سوسیالیستی در فرایند جهانی انقلاب.

- "بخش اردوگاه کشورهای سوسیالیستی در مبارزه ضد امپریالیستی در مقیاس جهانی در میان سه جریان اصلی انقلابی جهان نقش درجه اول و تعیین کننده است."

در مورد مساله محوری عمر و وظایف کمونیست‌ها:

- "کمونیست‌ها همیشه باید در صدم مقدم مبارزه برای صلح باشند و تمام بشریت ترفی‌خواه و همه نیروهای صلح طلب (لاید از "سازمانهای کارگران" تا "رعیبران واقع بین کشورهای سرمایه‌داری") را حول این شعار عمومی دموکراتیک علیه جنگ افروزی و ماجراجویی امپریالیستی گرد آورند." (ناکیدما از ما)

بررسی ما همینطور کوشیده است تا به ترتیب با انگشت

ما طبق مختصر و کوتاهی از تاریخ حیات سیاسی رفرمیسم را ارائه دادیم. تاریخی که مملو از خیانت‌ها و ارتکاب انواع جرائم در حین دمها عمار انبیا انقلابی است و در نوع خود در ردت سوده‌های مردم ناشیری پس نعرج انگیز به جای گذاشته است. این حیات همواره و ممتجا از موضع منافع فشر فوقانی حربه‌سوررواری نعر مهندسی، تکنوکراسیها و ... و بر پایه دفاع آزمدانه از کوره سرد بعضی از سهمی که از ارزش اضافی به آنها می‌رسد، در نقطه ساه دو نظم مخالف و آس‌سایدیر کار و سرمایه، از یک طرف برای تضعیف تضادهای طبقاتی و ایجاد شدن در راه کوشش پرولناریا برای درهم شکستن ارگانهای سرکوب بوروکراسی - تمامی طبقه حاکم و کسب قدرت سیاسی به تعریف و عصبان از فواین اساسی رژیم‌های سرمایه‌برمی‌خورد و از طرف دیگر در هم‌تاری بردن با سرمایه به نام کمونیسم مست نمدند و رعه بی‌سپاهی از فقر و کسوت و بدبختی و حویاری از حوس و مرارت و رنج بشری می‌سود و این امر راه را برای رویش بورژوازی به اندیشه سترک کمونیسم سهیل می‌نماید.

با وجود تمام حقایق مذکور آیا راه کارگر حوزم می‌تواند مساله حیات جریان سوده‌ای - اکتبریتی (عردو جاج) و فرار کرفس آن در صدم انقلاب را انکار کند؟ البته این امر برای راه کارگر چندان مشکل نیست. تئوری روبریونیتی از خلال درک او از دوران به نسبت طرد جریان سوده‌ای - اکتبریتی و کسب احمصت بخش راه کارگر به مرور تاثیر بیپوشی آور خود را به جای می‌نهد. در اینجا لازم است آنچه را که گفته شد روس کنیم، سارمان عسه اصلی استنباط و درک و خطوط کلی مواضع راه کارگر را از مضمون دوران ما نکه بر اساد معسر آن یعنی "امپریالیسم پرولنری (در تئوری و عمل) - دسامبر ۸۲" در محاسبه ما مضافی که ما کسور بدان پرداخته شد، مورد بررسی قرار می‌دهیم

- "دوران ما، دوران جبران عمومی سرمایه‌داری

نهادن بر روی کف اساس مساسی عهدی راه کارگر در راه مفهوم دوران و مضمون آن وجه ساده آن را با درک حرمان صداع‌خانی بوده‌ای - اکثریتی معصوم کند. سانس حلیل از اوضاع سیاسی جهان و صادراتی بین‌المللی. برداشت مساه از حاد اصلی و بیرون حرکت و جهت کاملی و مساله محوری نصر بدون کوچکترین تفاوتی حاکی از یک اقتناس آگاهانه از اسناد جلسات مساوره‌ای است. با این تفاوت که جریان بوده‌ای - اکثریتی با اعلام علنی به صراحت به آن ادعان دارد و آرا به صورت پابعکالی برای بقای موجودیت خود و نزدیکی به کشورهای سوسیالیستی درمی‌آورد، اما راه کارگر بدون اشاره به مسأله آن مدافع همان شعوری می‌شود. رفرمیسم از پیدایی "مرحله نوینی از مسایبات بین‌المللی" به مساله محوری عصر یعنی صلح می‌رسد و از بررسی مشخصات اوضاع جهانی و نظام اصلی آن (اردوگاه سوسیالیسم با امپریالیسم) نقش تعیین کننده‌ای اردوگاه سوسیالیسم (در راس آن اتحاد شوروی) را استنتاج می‌کند. در نهایت از ضرورت " اقدام عماسک در مبارزه ضد امپریالیستی " به‌منظور " کاستن شنجات و دفاع از صلح " به تشکیل " جبهه متحد ضد امپریالیستی " می‌رسد. راه کارگر نیز جز این کاری نمی‌کند. آنچه را که رفرمیسم " اردوگاه سوسیالیسم (در راس آن اتحاد شوروی) " می‌نامد، راه کارگر آنها " اردوگاه سوسیالیسم " ترجمه می‌کند. شعار صلح بر دو چیز که یکسان است حتی کلمه به کلمه (تشکیل جبهه که جای خود دارد) پس غلظت نزدیکی این دو باید روشن باشد اما تفاوت در کجاست؟ تفاوت در این است که حزب نوده با تعیین مثنی و ونایف اسزراتزکی و تاکتیکی بر بنیان این شعوری وارد کارزار سیاسی می‌شود و در مسیر " راه رشد غیر سرمایه‌داری " با ارائه برنامه منحصبتشکیل " جبهه متحد " را پیش می‌کشد و در زمینه " دفاع از صلح " هر ساله در مراسم نمایشی احزاب اروتکونیست " شتریک مساعی " می‌کند و از این طریق در برخورد به جنگ ایران و عراق به تبلیغ شعار صلح (آنها برای تحمیل به رژیم جمهوری اسلامی قبلا به صدام) می‌پردازد. اما راه کارگر هنوز در عرصه تفکر به سیر و سیاحت مشغول است به قول معروف " راه کارگر وظیفه مشخصی برای حرکت خود تعیین نمی‌کند ". بنابراین تفاوت در این نیست که چه چیز مطرح است بلکه در این است که نا کجا مطرح است.

آیا این وضعیت می‌تواند بر همین منوال پایدار بماند؟
آیا پیروسه تغییر و تحول تابع قانونمندی خاص خود هست یا خیر؟

" نباید تصور کرد که تمام نمایندگان دموکراسی دکاندار یا مفتون دکانداران هستند. اینان می‌توانند از نفر معلومات و موقعیت فردی خویش زمین تا آسمان با آنها تفاوت داشته باشند، عاملی که آنها را به نمایندگی خرده‌بورژوا بدل می‌سازد این است که معز آنها نمی‌تواند از حدی که خرده بورژوا در زندگی خود قادر به گذشتن از آن نیست فراتر رود و بدین جهت در زمینه شعوریک

به همان مسأل و راه‌حلهایی می‌رسد که خرده‌بورژوا به حکم مصالح مادی و موقعیت اجتماعی خود در عمل به سوی آنها رانده می‌شود. به‌طور کلی رابطه ساجدگان سیاسی و ادسی يك طبقه با خود طبقه‌ای که سانسدگی آنها دارد، سررخص منوال است." (کارل مارکس، عهدم رومرلویی بسایارت)

اکنون به تحلیل " اسفادات " راه کارگر ارجریان نوده‌ای - اکثریتی می‌رسیم. در ایجا راه کارگر از هر نظر سنک عام می‌گذارد. این " اسفادات " در دو مقاله طرح شده است. یکی به " حزب نوده " و آن دیگری به " اکثریت ". در بعد نظرات حزب نوده در شماره ۹ سربیه راه کارگر، پیرامون فانوس کارجمهوری اسلامی به‌ویژه درباره نفس کارگران در اداره تولید، با تشریح روند تولید و مبادل و چگونگی نصاب ارزش اضافی از جانب سرمایه‌دار، در هر يك از سیکل‌های تولید، در حقیقت با ارائه يك بحث آکادمیک از راه نرسده دانش خود را در زمینه اقتصاد سیاسی به رح " حزب نوده " می‌کشد. اندوه وی در این است که چرا حزب نوده به مشارکت بین کارفرما و کارگر می‌اندیشد. اما او نمایندگی به بررسی غلظت، خاستگاه و گرایش این پدیده نشان نمی‌دهد. در نتیجه این مساله مسکوت می‌ماند که اساسا رفرمیسم اعداف خود را حد نناج بلاواسطه یعنی بهبود وضع اقتصادی کارگران و محدود ساختن و تخفیف مرحله به مرحله تضادها فرار می‌دهد. رفرمیسم مایل نیست بگذارد تضادهای طبقاتی سیستم سرمایه‌داری در يك تحول انقلابی از میان برداشته شود. او خوانمان آتشی طبقات است و این موضوع به‌طورکلی جوهر و حسنه فعالیت رفرمیسم را تشکیل می‌دهد و ...

بدینگونه راه کارگر پس از شانه خالی کردن از برخورد به ریشه طبقاتی رفرمیسم " حزب نوده " به سراع " اکثریت " می‌رود. پس از درج نقل قولی طولانی از تحلیل آن، به‌چنان حالتی می‌رسد که بناچار برده‌ها را کنار زده و چهره حقیقی خود را آشکار می‌کند. توجه کنید:

رئیمبری اکثریت (بعد از پنج سال عناد و تقلاعای کودگانه و بنا به مثل معروف " پس از خرابی بصره ") بالاخره می‌پذیرد که روحانیت حاکم به مثابه يك قشر اجتماعی، منافع و تمایلاتی دارد که عیجیک از طبقات و اقشارجامعه با آنها توافقی کامل ندارند... و همچنین می‌پذیرد که روحانیت حاکم در این زمینه رویهمرفته وحدت داشته است، پذیرش این حقیقت هرچند که پس از قتل عام ده‌ها عزازنفر از فعالین جنبش انقلابی و ترقی‌خواه این کشور صورت می‌گیرد، ولی باز هم گامی است به جلو " (!) " (راه کارگر شماره ۱۱، بهمن ۶۳ - تاکیدها و علامت تعجب از ما)

این به يك معنی " همان چیزی است که ما می‌گفتیم " حال این پرسش مطرح است که چه اختلافی در این میان موجود است؟ و چه نصایحی برای صحیح آن شعوری؟

"اكثریت كمانان معقد است روحانیت حاكم
مچنگاه روی برنامه و ساست واحدی برای حل
مهمترین مسائل حیاتی کشور وحدت بداسته
است" (خلع معنی، عمالجا)
حال آنکه .

"این برنامه دست کم يك عزار پیس از این سی
نوجه نه "مهمترین مسایل حیاتی کشور"، تدوین
سده" است (عمالجا)

نسیجه اول .

"پدیرس این حقیقت"، "بازنعم کامی است بمحلو"

حواب

"قدرت دولتی در کشور، عملا نه صورت اسناد
مطلقی و غیرمکرر کله اخبارات فوای سه گانه در دست
يك فرد - جمعی - اعمال می گردد. اس رژیم يك
رغم سنوگرائك بیرون وسطایی است (یعنی مربوط
نه "يك عزار پیس از اس" اصل "و دبی فقیه"
... با حق مردم در نفس مربوط خوبس ساس
آنكار دارد. (بیاه مسرك كمیبه مرکزی - حزب
سوده و اكثریت - اردیبهشت ۱۳۶۴)

سیجه دوم :

"سرجی از سارمانهای مصرفی و دموکرائك در ناره
سیاست ما، سراسی داشته اند و دارند. ما خم
مقالا در ناره ساست آنها نظراتی داریم.
در مرحله کنوسی مطلقا باید به آنچه که ما را متحد
می کند سکه کرد و از آنچه که موجب تفرقه است
پرهیزچست" (از سبانه مسرك - عمالجا)
حدضه كلام، كمسه مرکزی حزب سوده و اكثریت :

"برنامه مسرك زیرین را برای ایجاد چیهه متحد
خلق مطرح می سازند و در عین حال آمادگی جدی
خود را برای نوجه و سرسی عر پیشنهاد دیگری
در این زمینه اعلام می دارند" (عمالجا)

حواب؟

مسائل طرح شده آنچهان روش و کویاست، واضح و مستدل

است که ما را از عرگونه نوصیحی بی نیاز می سازد. راه کارگر یا
باید "انقلاب" مورد پسد رهمبست های صدانقلابی سوده ای -
اكثریتی (عردو حان) را با جلب "روسفکران میهن پرست و منفردی
و نه های از سورروارن متوسط و کوچک" عملی کند، چوکه عر
دو در رمنه مضمون این "انقلاب" نزدیک به عم می اندیشند
و در مانیت امر عاوت چیدای ندارند. و با س عظیم مانس
اس ناسها (بدلیل رسوایی و فضاحت حزب سوده و اكثریت)
رهمصم سوده ای - اكثریتی در قالب راه کارگر سربلند می کند.

ساح عر دو حر کسانیدن پای صدانقلابیون حان به مراکز
جمع دانشویان انقلابی خواهد بود. در آصورت ما همزمان

با اسای رژیم جمهوری اسلامی در افکار بس المللی و دفاع از
حسن انقلابی ایران حظ مارره و مقاله عمعجانیه س آنها را
پیس می گیریم. پیس داریم تمامی سیروعی آگاه و دانشویان
انقلابی که ععدف تقویت صفوف حامیان انقلاب و پاسداری از
اررتهان انقلابی را دارند در این راه با ما خواهند بود.

انجمن دانشجویان ایرانی در فرانسه
(عواداران سازمان چریکهای فدایی خلق ایران)
۱۳ ژوئن ۱۹۸۵

(۱) از آنحالی که سسان گذار انجمن همسنگی، راه کارگر
است و ساست حاکم بر آن سر از طرف راه کارگر رسم
می خورد لذا در اسخا از سرخورد نه آن احیات می کنیم.
س اشاره نه اس سکه که نه سطر ساسده اس انجمن
صاح کشگر در گذشته مسرك همگونه حاسی سده اس.

(۲) هدف اسخا سرسی پسنسه اس سحد سطرطلسی سست.
چه روشی است که از مدتها ستن اولیس نمود آن توسط
"سراودر"، دسر اول حزب کمونسٹ آمریکا و معانفا
از طرف سسو در سوگوسلای و سولسای در اسالسا سرور
گرده سوه.

(۳) اكثریت حد ما ععدار اسعات س اشاره نه
حلائات موجود بس اساد سال ۶۰ و ۶۹ سعطه حرک خود
را سرسیای سدریس اساد ۶۹ سرار داد.

برنامه های رادیو صدای فدائی

برنامه های "صدای فدائی" هر روز ساعت ۸/۳۰ بعد از ظهر
روی موج ۶۴ متر و ۷۵ متر بمدت ۲۵ دقیقه پخش می شود.
عین همین برنامه روز بعد ساعت ۱۲/۳۰ ظهر مجددا پخش
می شود.

برای تماس با رادیو "صدای فدائی" می توانید با آدرس
زیر مکاتبه شما سید.

A.C.A.
B.P. 43
94120 Fontenay sous Bois
France



قتل عام مجدد فلسطینی‌ها در لبنان

در چند هفته گذشته بیروت باز هم صحنه فلغام دیگری از خلی فلسطین بود. ناملمین این جنایات این بار ارجاعیون امل با به عیاری "میلیسای سیمیان لبنان" و محل وقوع آن باردیکر اردوگاههای صبرا، نشتیلا و برج البرجنه بود. اعداد این جنایات از آنجا که نیروهای امل از ورود خبرنگاران و حتی امدادگران صلب سرخ و غلال احمر به اردوگاههای نشتیلا و برج البرجنه اکیدا جلوگیری می‌کنند، هنوز به درستی مشخص نیست. منابع مختلف عربی تعداد کشته‌شدگان فلسطینی را بین پانصد تا هزار نفر و تعداد مجروحان را حدود دوهزار نفر تخمین می‌زنند و این در حالی است که مقاومت نیروهای فلسطینی در اردوگاه نشتیلا



زن فلسطینی در عزای به خون‌تپیدگان پناهگاههای بیروت

طی این مدت ساکتین را تنوینی می‌کردند تا سلاحشان را به زمین گذاشته، تسلیم شوند. ولی بر عکمان واضح بود که بر زمین گذاشتن سلاح برابر با جان باخس فوری است. به شهادت خبرنگاران غربی، در چند مورد که افراد مسلح فلسطینی تسلیم شده بودند بعد از مدت کوتاهی به ضرب گلوله به قتل می‌رسند. بنا بر این اظهارات ریزسگان بیمارستان جنبلات در شرق بیروت، هم‌اکنون بیماری وبا در اردوگاه نشتیلا تسبوع پیدا کرده و تا به حال بیش از ۴۰ نفر را به علالت رسانده است و این در حالیست که انبالی در محاصره کامل امل قرار دارند و حتی جریان آب آسامیدنی این منطقه قطع شده است.

سارمان امل مدنهاست که در راستای سیاستهای دولت حافظ اسد و چون سون پنجم این دولت در لسان عمل می‌کند، حمیم حمله به اردوگاههای پناهندگان فلسطینی و خلع سلاح آنان بدون سک با مساورت و موافقت قبلی دولت سوریه انجام گرفته است.

سجنان ادامه دارد. بازدید کنندگان از اردوگاه صبرا، که در حال حاضر به‌طور کامل در اشغال نیروهای امل می‌باشد، گزارشات دعوتتاکری را ارسال داشته‌اند. سراسر این اردوگاه وسیع به صورت مخروبه‌ای درهم‌کوبیده درآمده است. بر دیوارها آثار خمپاره، گلوله و خون مسهود است، و فضا آغشته به بوی اجساد فاسد تنده می‌باشد که بسیاری از آنان حتی قابل شناسایی نیستند. در بیمارستانها و سردخانه‌های شهر صحنه‌های دلخراش دیگری از این بربریت مشهود است. کودکانی که چمنان آنان را کور کرده‌اند، زنان و مردانی که گلوگاهشان بریده شده است و سالمندانی که به ضرب گلوله از پای درآمده‌اند. بسیاری از مجروحین هنوز قادر به بارگور کردن این فجایع هولناک نیستند. از آغاز حمله و محاصره این اردوگاهها در ۱۹ ماه مه تا امروز بیش از چهار هفته می‌گذرد. سارماندگان اردوگاه برج البرجنه اظهار داشته‌اند در روزهای آخر از فرط بی‌غذایی مجبور به خوردن گریه‌ها شدند. نیروهای امل در

چنانچه اس دولت در روز ۲۱ ماه مه با صدور اعلامیه‌ای ...
حید را از نیروهای اهل درخلج سلا امالی اردوگاههای پناهنده‌ها
اعلام داد. البته اس اولس بار سست که سوریه سرزمین غایب
غریبتهای معمول دول مرجع عرب مستعما در صل عام فلسطینها
حس داده است. لازم به یادآوری است که در سال ۱۹۷۶ سیر
فادرسسها با کمک سوریه اردوگاه نل رعبر را با حاکم یکان و
احالی آرا قبل عام کردند.

در حال حاضر نیروهای نظامی سوریه در فاصله‌ای کمتر از
یک ساعت از بیروت مستقر هستند و در صورت لزوم می‌توانند به
سرعت به این شهر گسیل شوند. بدون شک دولت حافظ اسد قوت
مهمی را برای خود در پهنه سیاسی آینده لبنان می‌بیند. سرکوب
نیروهای فلسطینی مستقر در اردوگاههای صبرا و شیلای بیروت
سر در راستای طرحهای اسد برای لبنان صورت پذیرفته. بخصوص
که اس اردوگاهها از پایگاههای مستحکم حامی عرفات، رهبر سازمان
آزادبخش فلسطین، محسوب می‌شوند. با در نظر گرفتن ضادندید موجود
بین عرفات و حافظ اسد بلا تردید یکی از عده‌های عمده کنسار
پناهندگان فلسطینی، ضعیف موقعیت سازمان آزادیبخش فلسطین
در صحنه سیاسی لبنان و تصویر آینده این کشور می‌باشد.

سکوت کامل امین جمایل، رئیس جمهور لبنان در مورد حملات
امل به اردوگاههای فلسطینی سر حاکمی از رضایت وی از این سیر
تحوالات می‌باشد. به نظر می‌رسد که طی ملاقاتی که دو هفته پیش
بین او و اسد در دمشق صورت گرفت موافقتهایی بین طرفین روی
این طرح صورت پذیرفته باشد. به عرض حال جمایل مردود سیر، یعنی
امل و سازمان آزادیبخش فلسطین را از دشمنان خود به حساب
می‌آورد و طبیعی است که از تضعیف عملکرد او یا مردوی آنها
خرسند باشد.

مهمترین تحول سیاسی که در طی دو هفته گذشته صورت پذیرفت
اعلام پشتیبانی جناح عوادار سوریه در درون سازمان آزادیبخش
فلسطین از مقاومت دلیرانه اردوگاهها در بیروت بود. این جناح
که در سال گذشته به دنبال اختلافات شدید با عرفات مبارزه
مسلحانه‌ای را علیه نیروهای حامی او در مناطق دره بکا و تریبولی
دامن رد و باعث کشته شدن تعداد وسیعی از مبارزان فلسطینی
و اخراج عواداران جناحهای دیگر از این منطقه شد، اخیرا با صدور
اطلاعیه‌ای اعلام داشت که در موقعیت کنونی از اختلافات می‌مابین
صرف نظر کرده و نیروهای خود را در دفاع از اردوگاهها به بیروت
گسیل خواهد داشت.

در ضمن رابطه، جرج حبش رهبر "جبهه خلق برای آزادی
فلسطین" نیز طی دو مصاحبه مطبوعاتی جداگانه در کویت و
الجزیره گفت سوریه را در فعال اتفاقات اخیر در بیروت شدیداً
مورد انتقاد قرار داد. حبش اظهار داشت، با وجود اینکه وی
نمی‌خواهد روابط حسنه‌ای که بین "جبهه خلق برای آزادی فلسطین"
و سوریه وجود دارد را به مخاطره بیندازد ولی خیلی متأسف است
که باید بگوید "امل بدون دریافت چراغ سبز از سوریه دست به
جنبش عملیاتی نمی‌زند".

در حال حاضر تنها نیرویی که در لبنان از مقاومت فلسطینیها
به طور ضمنی دفاع می‌کند، نیروهای "دروز" می‌باشند. مسلمانان

"دروز" در حال حاضر اصکات دفاعی اساسی خود را در غرب سربو
در احصار حکومتیان فلسطینی فرار داده‌اند و همچنین محروم
فلسطینی و سازماندهای سربویست اردوگاهها را به شمارسانهای
خود منقل می‌کند. در عهده‌های اخیر سیر برچوردعای جسده و
کرجه‌ای اس نیروهای "سازمان سوسیالیستهای مترقی دروز"
و نیروهای سیهه در منطقه غرب بیروت درگرفته است.

با وجود اینکه همه به دخالت سوریه در این جنایات اذعان
دارند، کنفرانس اضطراری "اتحاد کشورهای عربی" که هفته گذشته با شرکت
حفت کشور عضو، از مجموع ۲۱ کشور، به منظور بررسی و حاشه
برچوردعای اخیر بیروت در نوس برقرار گردید، تنها به صدور
قطعه‌ای بی‌اثری در محکوم کردن این سرچوردعا و بدون کوچکترین
اشاره‌ای به عاملین این جنایات هولناک بسنده کرده و به کار
خود حاشه داد. سیاست موخده از طرف دیگر کشورهایی که با
حیا عوی ریاد ظاهراً خود را حامی بی‌سابقه خلق فلسطین و مبارزات
آنان قلمداد می‌کنند نیز چیزی فراتر از جمله‌پردازیهای بی‌محتوا
نموده و حمایت فعال و مشخصی از طرف هیچیک ابراز نشده است.
به طور مثال بعضی از موضع‌گیریه‌ها به شرح زیر است؛ ملک حس
پادشاه مراکش نفاضی نسبت فوری بین سران کشورهای عرب
برای مذاکره (!) حول این برچوردعا را نموده است. قذافی پیشنهاد
کرده که امالی اردوگاههای بیروت به اردوگاهی در لیبی منقل
سود، که البته چنین راه حلی ایده‌آل نیروهای امل و سوریه است.
رژیم جمهوری اسلامی که روابط حسنه‌ای با ارنجاعیون امل دارد
و هر ساله میلیونها دلار از دسترنج کارگران و زحمتکشان ایران
را تحت عنوان "مدور انقلاب اسلامی" پیتکتس آنان می‌کند،
با صدور اعلامیه مبهم و بی‌محتوایی از جانب وزارت امور خارجه
تنها عنوان داشت که برخورد بین مسلمانان جایز نیست و طرفین را
به صلح دعوت کرد.

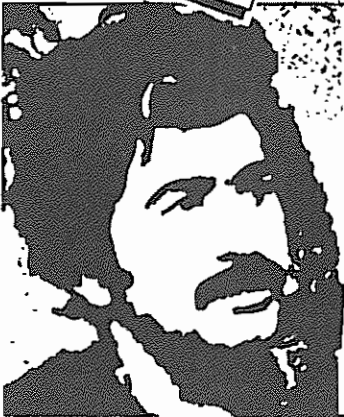
جالب آنست که در هفته اخیر، به دنبال رسیده شدن عوایم
اردنی نوسط نیروهای امل، یکی از خواستههای عوایم‌اربابان
اجازه ملاقات با سفیر ایران در لبنان در فرودگاه بیروت بود.
این درخواست خود نسانه نزدیکی روابط امل با رژیم جمهوری
اسلامی می‌باشد.

دولت شوروی نیز که از زمره حامیان جنبش آزادیبخش
فلسطین به شمار می‌آید و تا به حال کمکهای عمده مالی به این
جنبش کرده، موضع‌گیری خود را نسبت به اتفاقات اخیر بیروت
تنها با ابراز نارضایتی و نگرانی از وضع موجود در این شهر در
سواری امنیت، محدود کرد. این دولت نیز از شناسایی عاملین
این جنایات و محکوم کردن آنان خودداری ورزید.

اتفاقات جاری در بیروت بار دیگر ناکیدی بر این حقیقت است
که خلق فلسطین در مبارزه‌اش، چه بر علیه اسرائیل و چه در مقابله
با نیروهای ارنجاعی عرب کاملاً تنهاست. تن‌دردادن به خلق سلاح
و سیاست عمزبستی توام با دیپلماسی برای تاسیس دولتی با
موافقت اسرائیل بجز حیل‌های برای سرکوب خلق فلسطین و به
شکست گشتانیدن مبارزاتشان برای آزادی سرزمینهای اشغالی
نیست.

اعدام جنایتکارانه فدائی خلق

سعید سلطانپور



این متن اولین بار در ۳ تیر ۶۰ در کار خبری فوق العاده شماره ۳ به حاب رسید

سرمایه‌داری علیه فرنگ سرمایه‌داری علیه روشنفکران خودفروخته و علیه جشنواره‌های شهبانویی ... که مخارج سنگینی را بر دوش ناتوان مردم می‌نهد، مستدل و سرسخت استاد و در سال ۵۱، هم به جرم انتشار مخفی و محدد این کتاب، ۴۵ روز بازداشت شد. پس از آزادی بی‌درنگ نمایشنامه چهره‌های "سیمون ماتار" را به صحنه برد. در این نمایش با شجاعتی کمیاب صحنه تاجگذاری شاه و دادگاه‌های نظامی را با تصاویری بمزمندانه به اعراضی تند و توفانی گرفت فریادها و صدای گام‌ها و یفلاویهای خالی مردم و سربازان علیه تاجگذاری سوری مبارزاتی آفرید. نمایش از مبارزه و مقاومت خلق در برابر ضدخلق آکنده بود.

رفیق، همینکه سازمان چریکهای فدایی خلق، این کانون رزمنده‌ترین کمونیستهای ایران، میدان نازه مبارزه را گشود، در پرتو رهنمودهای آن به انبوه عواداران جنبش نوین انقلابی ایران پیوست و شاعر مبارزات میهنی شاعر شهیدان انقلابی خلق شد.

در سال ۵۳ به جرم انتشار کتاب "آوازه‌های بند" که در پیوند با فدائیان شهید و به بیداری مردم سروده شده بود و شکنجه‌ها و شکنجه‌گاه‌ها را تصویر می‌کرد دستگیر شد.

از عمان ابتدای دستگیری در برابر جلاخان ساواک سر برافراشت، پس بار جلاخان او را رمیوی راه فدائیان خلق دانستند و پی‌جوی پیوند او با رفیقا

شعر مبارز ایران کشود:

"ایران من

ایران انقلابی فراموش
منسوب

خاموش

تیر کرسنه خفته به غوغای آسیا "

این شجاعت روشنگرانه در قلب خفقان چنان بازتاب گسترده‌ای یافت که "ساواک" از آن پس او را به‌عنوان "عزمنندی خطرناک" زیر نظر گرفت و تاسقوط رژیم جنایتکار مرکز رهاش نکرد. او در درون مبارزه مردم بود و هم

از این رو در دورانی که تناثر بازیچه سرمایه‌داران بود آنرا پایگاه مبارزه مردم کرد. از محیطهای بسته روشنفکری به میان مردم رفت. در اعتصاب اتوبوسرانی دوشادوش مردم به اعتراض قهرآمیز پرداخت.

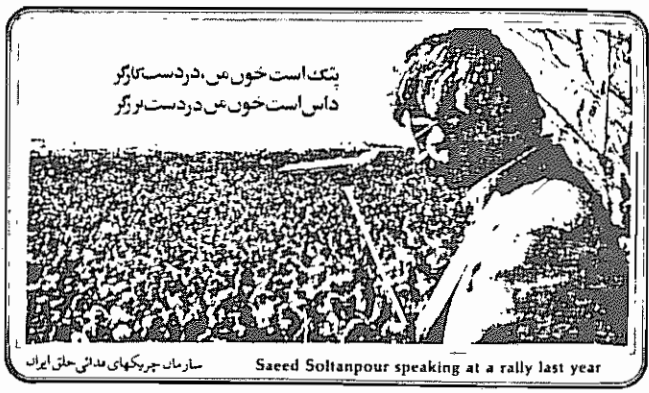
در سال ۴۹ نمایشنامه "آموزگاران" را به صحنه برد. ساواک به نمایش حمله برد و کارگردان را بازداشت کرد. مردم با سنگ به سوی شیشه‌های انجمن ایران و آمریکا عجم بردند. رفیق سعیدسلطانپور در اسفندماه سال ۴۹ صلاحیت دادگاههای نظامی شاه را رد کرد و به دفاع از حقوق خلق برخاست. ساواک پس از سه ماه به دلیل بازتاب گسترده این سرکوب و دستگیری در جامعه، او را از زندان آزاد کرد.

در سال ۴۹ با نوشتن کتاب "نوعی از جنر، نوعی از اندیشه" و با انتشار مخفی آن علیه رژیم جنایتکار، علیه

آموزگار، فرزند خانواده‌ای کارگری، در سال ۱۳۱۹ تولد یافت. او از رهگر فخر و فرنگ، با رنج مردمان آشنا شد.

با پایان دوره دبیرستان، در تهران آموزگار شد. تدریس در محله‌های فقیرنشین تهران آتش مبارزه را در او شعله‌ورتر کرد و او را به میدان مبارزه‌ای گسترده‌تر فراخواند. در اعتصاب فرنگیان که به نهادت خانعلی انجامید، از مدرسه‌ای به مدرسه‌ای رفت و سخن گفت و بخش وسیعی از آموزگاران را به میدان کشید. شور تناثر که آنرا پایگاه بزرگ روشنگری خلقی می‌شناسد او را بر آن داشت تا تناثر علمی را بیاموزد. از سال ۳۹ تا ۴۵ سیستم علمی تناثر را آموخت و در سالهای دانشجویی در دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران، نمایشنامه "دشمن مردم" را کارگردانی کرد و به صحنه برد. نمایشی که انحطاط و تباهی جامعه سرمایه‌داری را زیر ضربه گرفت و از روزنامه نگاران مزدور، این خدمتگزاران چاپلوس ستفکران با کینه و نفرتی انقلابی پرده برداشت.

مبارزات دانشجویی بخشی از زندگی اوست. در مراسم تشییع جنازه نختی، تهدیدهای اداره سرپرستی ساواک دانشگاه را به محیی گرفت و به بسیجی افبناگرانه پرداخت. در شبهای شعر سال ۴۷، زیر سیطره خفقان و سانسور، شجاع و خطرپذیر، با خواندن اشعاری سوزان در باره ایران و غارت امیرالایسم، شور خفته مبارزاتی را در عزمنندان و روشنفکران جوان برانگیخت و فضای تازه‌ای در چشم‌انداز



بنتک است خون من در دست تا زگر
داس است خون من در دست تا زگر

Saeed Soltanpour speaking at a rally last year
سازمان چریکهای مدافع خلق ایران

ما کسه دمها مار کجه
سده پسا . ماه کجه نمای اضراری و
اسفامی و حشرای، او را روانه رندان
فصر کردند. پس از مقصدی سازگردانند
و سارنه کجه گاه بردند.
اسعار کاب " ار کنارگاه " را
در اس ما عهای خوین سرود:
" اگر چه در تن سد کجه

می سورم
رحون رحنه حور سیدما
می افروزم

بیب و دوم سیرماه از رندان آزاد
می سود. بیدرت خود را به فضای پیرپس
سارره می افکند. نامه اعتراض کانون
سویسدگان را امضا می کند و در نهای
سعر کانون سویسدگان اولین مبارز بیست
که در برابر انوه جمعیت فریاد می زند.
زندانیان سیاسی را آزاد کید و نگاه
اسعار پرخروسیس را می خواند و از
" انقلاب " بریدت حق می گوید.
از انقلاب و اتحاد طغه کارگر، از حزب
طبقه کارگر، و شهیدان... انقلابی و
مبارزان زندانی را به جلیله می گرد و حبله رژیم
را که بر آن است تا از اس سها فضایی بار
سیاسی اش را سود رساند، می اتر می کند.
سزده ماه در تمام شهرهای عمده
کشورهای اروپایی با میسکهای یرتور
و با کنفرانسههای مطبوعاتی و مصاحبه های
تلویزیونی به افشای رژیم و گزارش جستی
پرسکوه خلق و نفس سازمان چریکهای فدایی
خلق ایران در جیبس می پردازد.

زندگی سراسر شور و مبارزه رفیق
سعید سلطانپور، با بازگست به وطن
بیش از پیش در خدمت جیمس انقلابی
ایران فرار می گیرد. رفیق پس از پیام
تئاتر مستند و کارگری را بنیان می نهد
و با اجرای نمایشهایی چون " عماس
آفا، کارگر ایران ناسیونال "، " مرک
بر امیرپالیسم " هنر را چنان با مبارزه
طبقانی درمی آمیزد که گویی تماساگران
در مینینکی کارگری حضور یافته اند.

در سراسر زندگی انقلابی رفیق سعید
روحی دلیر و رزمنده در تکاپوی مداوم
بود. اوکه جز به آگاماییدن توده ها،

بود و در جبهه ای به وسعت انقلاب خلق،
با دسمان آشکار و نهان انقلاب مبارزه
می کرد. سلی اصلی او در این نبرد،
کلمات آتسین بود، کلامی گرم و گیرا
که آمره ای از عشق و نعره و انقلاب بود.
او آمره ای از پابلو نرودا، کارسیا
لورکا، حسرو گل سرخی بود و این کوعر
اعلاب و شعر را به تمامی در سباط عسی
خدمت به انقلاب نهاده بود.
او توان خود را بیش از همه در
بخش شلیقات سازمان متمرکز کرده بود.
سباری از شعارها، اعلامیه ها و تراکنهای
سهیجی و سلیعی سازمان پرداخته فلم
نوا و آتس انکیز او بود. با عیات
حریریه کار عمکاریدانت و این او اخر کومنتی
گسزده را برای افزودن بخش هنر و
ادبیات به " نبرخلق " به کار گرفته بود.
در تدارک میتینک ۱۷ بهمن سال
پیش که مزدوران رژیم به خون کشیدندش،
کونش پیگیر داشت و بنا بود خطابه ای
ایراد کند. در زمینه هنر انقلابی حضور
او در سازمان چشم گیر بود. شعری که به
یاد توماچ و بیارانش، شعری که پس از
ترور رفیق شهید " جهان " سرود، و در
ویژه اول ماه مه امسال نشر شد، نمونه
این حضور است.
رفیق سعید به عنوان نویسنده،
شاعر و کارگردان، عضو کانون نویسندگان
بود و به خاطر ارزش کار هنری و
آزادبخواعتی انقلابی اش سال گذشته

حره پرورن انقلاب توده ها نمی اندیسید،
درگر با سارس طلسی و خیانت به توده ها
روی آسی سان می داد. در پرتو عشق
به توده ها و امان به خو رسید انقلاب
توده ها بود که از عنکام بروز نخستین
نشانه های سارس طلسی و خیانت پیشکی
اکترت کسبه مرکزی، از همان عنکام
که جناح راست اکثریت به دفاع از رژیم
ضد خلق و ارجاعی جمهوری اسلامی
پرداخت، در برابر این سیاستها ایستاد
و با تمام توان و رزمندگی خویش برای
رسوا کردن آن کوسید. در سخنرانیها
و بحثها، همواره بر مواضع انقلابی گذشته
سازمان پای می نشرد.

عنکامی که اختلاف درون سازمان
میان اقلب و اکثریت اوج گرفت، رفیق
سعید به دفاع از مواضع رفقای اقلیت
برجاست و پیگیری و استوار در جلسات
مبارزه ایدئولوژیک شرکت جست. او از
خسین رفقای بود که راه خویش را
از راه جناح راست جدا کرد. پس از جدایی
سازمان ما از سازشکاران دمی از تلاش
در راه افشای سیاستهای کمیته مرکزی
می ایستاد. در سها های گسزده با
عواداران سازمان در تهران و شهرستانها،
از مواضع انقلابی سازمان خویش دفاع
کرده و بسیاری از نیروهای بینابینی
را که از آگاهی کافی برخوردار نبودند،
به سوی سازمان جلب کرد.
رفیق سعید پرتور و خسکی ناپذیر

این نفه - ساز پنهان

اما
فردا
روی سهار کلگون
آتشفشان خون
آتشفشان خونم
توفنده از نلاطم کلوازه های خون
می‌ربرد از دهام نومان آشار
دریای واژگون
دریای واژگونم

نه
سرب و سبته حسش دریا را
بیاری آن ندارد
بارامش آورد
هرچند روی موج نکوبد
و ر سبته حنون
از سبته چهنده امواج
خوناشش آورد
هرچند روی موج نکوبد
هرچند سرفراز کسود آب
این نفه ساز پنهان
این نیل موج تاب
قلب هزار موج غزل خون را
باد و سروت مرگ بیا شود
دریا
همیشه
دریاست
دریای کارگاه تپشهای سیشمار
دریا ، صدای عشق
دریا ، صدای زخم
دریا ، صدای ممکن
دریا ، صدای مردم
دریا ،
صدای حبس
دریا ، صدای دیگر
دریا دهان خون
دریا دهان سرخ شهادت
دریا صدای مادر
دریای لالهگون
دریا صداست
دریا
امروز با رهاسی فرداست
☆☆☆

زیبای تو نوسه، سرخ شهادت است
می از شهادت تو شهیدم
زیبانراز نگاهت
گلسرگهای عشق که در اروبادمی گذرند
آواز ساغ گل نشنیدم
پرواز شور و نور سدیدم

ای حواهر،
ای برادر
ای موج
ای عسور

ای جنگل غرور
هنگامه زمان
ای دانش‌سور
که در کرانه دیدار بی حماسه سور
مرا جو دریا
می‌لرزانی
و مثل آتش پنهان
باشز سوگوار جنگل حاسم را
می‌وزانی
و روی دامن شدائیم
از آتش عشق
دریایی از شقایق سوزان
می‌ویسی

ای دانش‌سور
تو می‌دانی
زخمی‌ترین گوزن فلامن
با شاخهایی از خون
در کوهسار عشق
آتشفشانم
آتش
آتشفشان درد
اما نشسته سرد
سحت و مشوشم
بر قلله‌های بسته، گفتن
سکوت سرف
در ژرفنای دور نیفتن
غوغای آتشم
خاموش وار و شعله‌ورم
در کنار عشق
با این دهان بسته

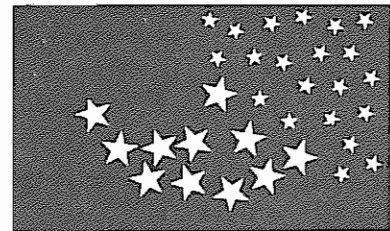
به عضویت هیات دبیران کانون نویسندگان برگزیده شد و در انتخابات سال جاری نیز با آنکه در بازداشت دژخیمان رژیم بود، باردیگر انتخاب شد.

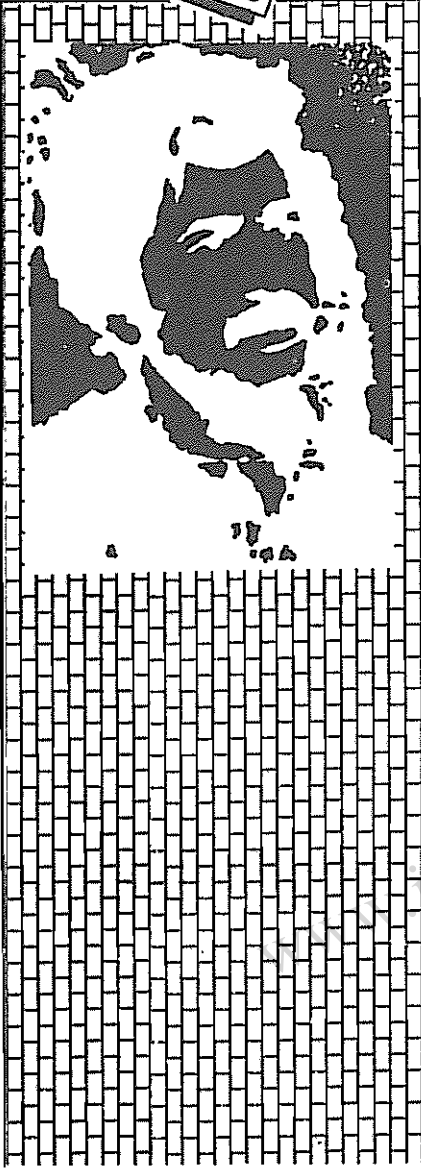
رفیق سعید دلیر و بی‌باک بود. با آنکه از ددمشی و جنایتکاری رژیم باخبر بوده، بر این اعتقاد بود که با فعالیتهای علنی بهتر می‌تواند در خدمت سازمان و انقلاب باشد. با پشتوانه ایمان به توده‌ها به استقبال خطرات می‌تافت و از عمین رو تا لحظه بازداشت در جشن عروسی خویش، که به عروسی خون بدل شد، زندگی علنی داشت.

آخرین روز بهار، روز ریختن عطر خون سعید به خاک بود. اما با خون او نقایقهای بهار دیگری شکفته می‌شود. این ایمان ماست! سنک گور او در کنار سنگهای گور دیگر فدائیان و مبارزان، سنک‌فرش راعیان شهر خورتید فرداست. این نیز ایمان ماست!

دلیری او، شور انقلابی عاشقانه و شاعرانه او به توده‌ها، روشنای راه توده‌های مبارز، راه انقلاب و آزادی است. خون او، همچون شعر او، انگیزه رزم‌آوری نیروماییست که استوارتر و توفنده‌تر از پیش در راه روشن فردا کام می‌زنند.

رفیق سعید در سنگر سرخ سازمان چریکهای فدایی خلق ایران رزمنده‌ای پرشور و تزلزل‌ناپذیر بود که با عشق عمیق به طبقه کارگر و همه زحمتکشان، به‌طور خستگی‌ناپذیر و پیگیر، برای آگاهی و بسیج توده‌ها در جهت پیروزی نهایی نای جان جنگید.





غزل برای دلاوران

آواره جوان به حساب در ساء تا آورد
 تو کوهسار مردان
 انسانکوه
 سو رودبار نوبان
 اسارود
 اسطوره طبیعت و انسان
 آتسره شکفتدو دببایی
 ریسایی ای دلاور زسانی

سامب بریده ایست که یک روز
 از آسان سوخته خون ریخته
 سروار می کند
 بر می کند به سوی اقیقهای تاساک
 بر می کشد حسگ

بر می کشد به دشت
 بر می کشد به تانه صحنی گسسته یال
 صحنی یکسه باسم آتشگون
 در خلق شب
 هرای سارگشت

سامب بریده ایست که می خواند
 سامب بریده ایست که می داند
 در ساعداد گلگون
 آنجا که واژگون
 ساعره ای شکسته
 افتاده روی خون
 در سبتیه
 حمحمه دورناک شب

کوهی ،
 که استاده کنار سنده دم
 بر کاکلت هبور بسسه ساره ای
 رودی ،
 که در هوای سحرگاه می سپی
 بیبوسته و تکسه ، خون آتسه وارهای
 خون رود ، مهربان
 ناسد کوهسار شکسائی
 ریسایی ای دلاور، زیبایی

وفتی بریدگان سگحیز واژه ها
 ار شاحه رمان سو پرواز می کنند
 وفنی که حیده ها بس ، غوغای شور و شور
 در فلب سگرفسه اسن تنگای سرد
 رنگس کمان همهمه می سدد
 و جسم های پاک نو

ابن چشمه های مهر
 سا شوق کودکانه می چندد
 در فلب من
 دست سحر ،
 رمان را
 بدار می کند
 صبح و ستاره ، صخره و دریایی
 ریسایی ای دلاور ، ریسایی

اما
 ریبا برین کوهان
 کوهان سنگرند
 ز رودهای خاطره انگیز

در هوای درهم شبگیر

آ... ای چشمان خون بالا
 در هوای درهم شبگیر
 پشت سنگرهای سرج سا زمان عشق
 پشت ابر شعله و باروت
 با صداها بی که می خواند خروس خشم
 روی با مه های خانه مردم
 پشت این شب
 این شب فرتوت
 صبح مردم
 صبح بیداری ست

و به خون تازه من نیز
 حیده - دیو مردم آزاری
 فحسه پیر شبه کاری
 در کمیته ، قلعه کشتار
 همچنان سرگرم خونخواری ست
 لیک می داند
 و چو تومانهای سهم انگیز می خوانم :
 ای به باغ خون نشسته
 دست ها
 باها

جست این سلول
 جیسا اس دیوارهای بست بیروزی
 حر برای یک دوروزی نیست
 سادارهای لرران در مسر سیل
 سسل سنبان کن

حیده ام می گیرد از تزویر نامردان
 گریه ام خاموش وار اما ، سگلیزاران جان
 جاری است :
 گرچه دیهم شب لوده ست با خون رفیقانم

من

این گل را

می‌شناسم،

در سالگرد به خون تپیدن فدائی خلق رفیق امیر پرویز یویان

نوشته سعید سلطاسپور به یاد پرویز یویان



و او از زندگی کارگران می‌گفت. از زندگی دهقان‌ها. از سندیکاها. از شرکت‌های زراعی... از بانک‌ها... از وام‌های مردم تهی‌دست... و بعد... از روشنفکران سوزوایی می‌گفت: "همه در خلوت و در حرف مبارزند!!" گفتم: "چه می‌شود کرد؟" خندید. گفت: "اگر برایم با دقت بگویی چه نمی‌شود کرد، به تو خواهم گفت چه می‌شود کرد." خاموش ماندم: "برای آنکه حتی بفهمی چه نمی‌شود کرد باید کارکنی، باید جامعه را بشناسی. به دهات بروی. از کارخانه خراب‌دشته‌بازی باید بدانی زیر این سقف‌ها چه می‌گذرد." و به آلبوک‌های پشت محسمه اشاره کرد. از آن شب دیگر او را ندیدم. فکر می‌کنم آن شب همین که با تکان سر و تندی نگاه به آلبوک‌ها اشاره کرد در میان همان آلبوک‌ها از من جدا شد. هر وقت به او فکر می‌کنم آلبوک‌ها را در آن زمستان سرد می‌بینم و آن رفیق ریز نقش را که مثل کوزنی سرمازده در لاسلای آلبوک‌ها از من دور شد. مبارزی هنرمند بود. گاه شعر می‌سرود و گاه قصه‌ای می‌نوشت. در نقد هنر و هنرمند اگرچه بیش از چند نوشته ندارد. بنیان‌گذار نگرش و شیوه‌ای مارکسیستی در نقد هنر است. آن آخرین شیی که دیدمش

چهره سبز تند. آن چشم‌های نافذ مهربان و آن لحن سومی مدایش: "نبروهای انقلابی ایران خوب خیانتت حزب توده را می‌خورند. این خیانت تاریخی است. تنها با یک حرکت تاریخی می‌توان آنرا شست." "این دیکتاتور گنبدیده است. مردم باید باور کنند." "از مارکسیسم حرف زدن بد نیست. به مارکسیسم عمل کردن دشوار است." و بعد... بالحنی ساده پرسید: "می‌توانی به من گرمی یاد بدهی؟!" تعجب کردم و به آرامی گفتم: "به تئاتر علاقمندم، شاید بیایم بچه‌ها را گرم کنم..." و آن شب... زمستان بود. نفس روی سیل‌ها بیخ می‌یست. آن جبهه مقاوم و جلاک... آن بیکور ریز اما یکپارچه تحرک و تلاش... می‌لرزید... با آن پیراهن و ژاکت تازه، با آن کت معمولی... عیب اصرار داشت سرد نیست...؟ گفت: "لباس زیاد دست و پا گیر است..." گفتم: "آخر این هم شد لباس" گفت: "خیلی هم اشخاصیه." و دستش را که در حیب داشت از آستر سال کت بیرون آورد و با پنجه اش ادا در آورد. خنده‌ام گرفت. خندید: "شاید تو هم روزی لازم باشی آستر کتت را پاره کنی." سرد در نیامردم. در آن یخبندان هزاران متر قدم زدم

رها کنید مرا رها کنید شانه و بازویم رها کنید مرا تا ببینم من این گل را می‌شناسم من با این گل سرخ در قهوه‌خانه‌ها نشسته‌ام من به این گل سرخ در میدان راه آهن سلام داده‌ام آ... من این گل را می‌شناسم در زندان بودم که خبر رسید. عکس رفیق با دیگر رفقای در روزنامه بود. نگاهم روی عکس ماند... پویان... شگفتا... آغاز کردند... پس آن سفرهایش به روستاها، آن دوستی‌هایش با مردمان جورا جور... آن پیرمرد روستایی در قطار... آن جوان با آن لباس چرب و روغنی در قهوه‌خانه... آن یادداشت‌ها... آن شیوه‌های مختلف لباس پوشیدنش... شکل مردم بود... مثل مردم حرف می‌زد... آن کتاب‌ها... آن ترجمه‌ها، آن غیبت‌های ناگهانی... یک روز در مشهد... یک روز در روستاهای گیلان... یک روز در شهرهای لرستان... یک روز در تبریز... همیشه در میان مردم و به‌دورت در میان ما روشنفکران... بر راستی شگفت‌انگیز بود. و آن روز... کنار چمن دانشگاه... نوشته‌ای از حرج حش ترجمه می‌کرد. کنارش نشسته بودم، سر برداشت. آن

مصاحبه با جری آدامز رهبر سازمان شین فین



ایرلند

این دو حزب بعدها بعنوان فاین گیل (Fine Gael) و فیانا فیل (Fianna Fail) شناخته شدند. در طی چند سال و بدنبال تثبیت دولت مستقل جنوب ریمری، در دو حزب بیش از پیش به سود بورژوازی متوسط و بورژوازی بزرگ تحکیم شد. بردوی این احزاب همچون همردیفشان حزب یونیونیست (حزب وحدت طلب، مخالف جدایی ایرلند از بریتانیا) در جدایی ایالت شمال از جنوب و خصلت محافظه کارانه دولتهای ایرلند و انگلستان دنیقی می باشد. جمهوری خواهان پیوسته برای باور بوده اند که وجود مرز بین شمال و جنوب و حضور اتمالگران انگلیسی در ایالت شمالی بزرگترین مانع در معادل هر گونه کوشش در جهت یک سازماندهی سوسیالیست در ایرلند است. نتیجهء بادر سرگرفتن شرایط موجود، ما تصمیم گرفتیم تا با اتخاذ یک سری سیاستهای مشخص به جلب حمایت فعال طبقه کارگر سوپا، کشاورزان حرد و کارگران روستایی بپردازیم. این سیاستها تنها منحصر به مساله ملی نمی شود بلکه مسایلی از قبیل بی کاری، مسکن، حقوق رفاهی، سازمانهای اجتماعی، مسایل فرهنگی، زنان، جوانان و غیره را در بر می گیرد که مفهوم آن از لحاظ سازمانی بوجود آوردن بخش امور زنان، اتحادیه های کارگری، فرهنگی و جز اینها طی چند سال اخیر بوده است.

در عمل، کار سیاسی از کانال سپس از ۳۰ دفتر و مراکز مشورتی شین فین در سراسر کشور انجام می شود که میدان وسیعی از فعالیها را، از درگیر بودن در نسکیلات تعاونی ما گرفته تا کمک به اجمن های مبارزه با فروش مواد مخدر، در برداشته است. به صورت خلاصه ما با یک وضع بسیار دسوار سیاسی

سوال: اخیرا تحولی سوی چپ در درون جنبش جمهوری خواهی ایرلند آغاز گشته، ممکن است نظرتان را در اس مورد و اصولا حکومتی کار سیاسی و توده ای شین فین توضیح دهید؟

جواب: قبل از مرچیزتاید بهنر باشد با توضیح مختصری در مورد ترکیب جنبش جمهوری خواهی آغاز کم. جنبش جمهوری خواهی در ایرلند جبهه ای از سازمانهای مستقل سیاسی نیست بلکه عنوانی است کلی که، از نظر تاریخی، به شاخه هایی از جنبش رعبایی بخش ملی داده شده است که امروز عدی مسترکشان رفراری یک جمهوری دموکراتیک سوسیالیسی در سراسر ایرلند است. این ساعه ما عبارتند از شین فین (Sinn Féin)، ارتش جمهوری خواهان ایرلند (IRA)، حش رمان (Cuman namban) سازمان جوانان (Na Fianna Éirean)، سازمان دفاع از زندانیان سیاسی (An Cumann Cabhrach) همچنین انجمن حفاظت از مزارعای ملی که مسؤول مواظبت از گورهای میهن پرستان بخون نییده است.

تجربه ایرلند در سال ۱۹۲۱ در شرایط تهدید دولت بریتانیا مبنی بردامن زدن به یک جنگ جبارانه و سازش جناح بورژوازی درون رعبری نیروهای جمهوری خواه، که مطمئن شده بود مصالح خود را میتواند در کسوری مستقل در سعه جنوب سامین کند، صورت پذیرفت. بدنبال فروش معافب ضد انقلاب، نیروهای جمهوری خواه در سال ۱۹۲۲ شکست خوردند و ساع بر زمین گذاشتند. چند سال بعد بحس دیگر از حبس به رعبری ایمون دی والرا (Eamonn De Valera) با اعتقاد به انقلاب حزبی از جنبش جدا شده و خود را با سیاستهای ابال مختار یا عمان ایرلند حیوی بمساز گردانیدند.

روبرو موسم. حربه ایرلند موقعی را بخود آورده است که عینا برای سوسالسم، بلکه اتحادت سازمان سوسالسم را دسوار ساخته است و زمانی ملی عینا عدولتت سازمان سوسالسم حاصل خواهد شد.

اس حربه در کسادن حسم ملی، کارکن، فرمگی و حر اشهاد حسمها خدا و سکا عرفانل عود و به نظر منی آسکوسسی سکا سعم، موفقی بوده است. ساراس، وظعه ما اند سانی حسم خدا عطلت (از سراسا، سوسالسم، خدا از مدت، عر سکارست و دارای فرمست ایرلند ساسد.

سوال: با نظر بدعت، سابع اعتصاب عدا رندان جمهوری حواء ایرلند را حطور ارباسی می کند و رابطه آن را با حسمی مسلحانه حطور کلی به چه صورت می بیند؟

حواب: اربای حکنی جمهوری حواء طی یک اعتصاب عدا طودنی در سال ۱۹۷۲ دولت بریتانیا را وادار ساختند تا آنها را به عنوان رندان سیاسی به رسمیت بسناد. اگر چه دولت بریتانیا تلاش می کرد تا چهره واقعی این پیرونی سیاسی را دترگون سازد اما وضعیت بوجود آمده در زندان گواه آن بود. از حمله شرایطی که مقامات انگلیسی رندان محصور به پذیرش آنها شدند به رسمیت شناختن مقام فرماندهان ارتش جمهوری حواعان، آزادی معاشرت بین زندانیان، معاف بودن زندانیان سیاسی از کار درون زندان و پوشیدن لباس رندان و همچنین چند امتیاز جزئی در رابطه با حق ملاقات بود.

در حدود سال ۱۹۷۶، دولت بریتانیا طی یک تجدید نظر اساسی در سیاست خود، استراتژی عادی سازن، محرم سازن و هویت محلی دادن (Normalisation) را به اجرا در آورد، که مختصرا مفهوم آن پیتفراول فرار دادن نیرو عای مسلح محلی بریتانیا (UDR, RUC) در عملیات ضد انقلابی خود و تقلیل نقش ارتش منظم بریتانیا بود. آنها همچنین با تبلیغات داخلی و بین المللی خود سعی کردند تا ماعت مبارزه رعایی بخش ملی را به صورت " دسبه جهانی " جلوه دهند، درست به عمان طریق که در دیگر مستعمرات عمیشه تلاش کرده اند تا با تطایر به اینکه آنها مشغول " عملیات پلیسی بر علیه خرابکاران کمونیست " اند، ماعت اعدای امیرالینسنتان را پنهان نگاه می دارند. مهمتر از این، باز پس گرفتن مقام سیاسی از زندانیان زندان دنک کش (Long kesh)، مگیلیگان (Magilligan) و زندان رتان در آرما (Armagh) بود. برای دستیابی به این مقصود، دولت بریتانیا اعلام کرد که عر کس به اتهام شرکت در عملیات مبارزه رعایی بخش، بعد از اول ماه مارس ۱۹۷۶، دستگیر شود دیگر به عنوان زندانی سیاسی شناخته

می شود. باز فاصله رندانان دست به معاومت طلب اس احداث رند. گران سائت (E. J. Hume) کس از رندانان سیاسی در ماه سپامبر آن سال اندم کرد که رندانان عینا با محکوم کردن لباس رندان عین او می سانسد ون را محصور به یوسدن آن کند. و از همان رور تا اکثر سال ۱۹۸۱، رندانان جمهوری حواء به حطور عریان در سلولهای بدون رحبوات، در میان مدفوع و ادرار خود و بدون داس حنکوه و سله ان برای یوسن تا حواندن تا حنکوه عفرح سر می یوسدن. بعد از سپرن سدن ۴ سال از حسمی وضعیت دستساکس و بعد از آنکه عنام تلاشها ن سگر برای دست آوردن وضعیت صاب رندان به سکت احضد، در اوسر ۱۹۸۰، رندانان جمهوری حواء در رندان دن کس و آرما دست به اعتصاب عدا زدند که ۵ درخواست اساسی آنها عمارت بودند از:

۱ - یوسیدن لباس زندان، ۲ - کار کردن در زندان، ۳ - آزادی تجمع، ۴ - تخفیف محکومیت، ۵ - رمان ملاقات کافی، دریافت سسته های عدا و برخورداری از وسایل تفریحی و فرمگی.

اعتصاب عدا، با متعهد شدن دولت بریتانیا در پذیرش این درخواستها بعد از ۵۳ رور پایان یافت، اما زمانی که دولت بریتانیا تعهد خود را برپا گذاست، اعتصاب عدا دوم به وسیله بابی سندر، در اول ماه مارس ۱۹۸۱ شروع شد. از این تاریخ تا ۲۰ ماه اوت ۱۹۸۱، یعنی در مدت ۶ ماه، ۱۰ نفر از انقلابیون جمهوری حواء یکی پس از دیگری وارد اعتصاب عدا شدند و در این راه جان باختند. هنوز دولت بریتانیا از اعطای سرگوه امتیازن به رندانان خودداری می کرد. با دخره اعصاب عدا با دخالت خانواده های اعتصابیون و موافق دولت بریتانیا با تمام خواسته های رندانان، بجز آزادی جمع، در اکتبر عمان سال به پایان رسد.

اما مهمتر از عمه، حمایت وسیع بوده عا از اعتصابیون، سیاست " جنایی " جلوه دادن مبارزه رعایی بخش ملی توسط بریتانیا را، در سطح ملی و بین المللی، سی اعتبار کرد. این سیاست، که نفس آن ابروله کردن جمنش جمهوری حواعی از توده مردم ایرلند بود، سارکت بین از ۱۰۰،۰۰۰ نفر در مراسم شتیع جنازه بابی سندر، به حاک سپرده شد. در طول اعتصاب، دولت بریتانیا واکنش سیاسی قویکارانه ای را در مقابل حمایت وسیع توده عا از اعتصابیون سکار بست. دعوت دولت انگلیس از سازمانهای بین المللی و شخصیت های سیاسی و مدعی برای دیدار از اعتصابیون مدفی جز طودنی سر کردن اعتصاب و از این طریق تضعیف اراده رندانان جمهوری حواء و تحلیل بردن حمایت توده عا داشت. در طی این مدت انگلیسها قاعرا امتیازاتی نیز قابل

سند که الهه فاقد هرگونه محابایی بود. واکنس نظامی بریتانیا سیر نموده بارزری از وضعیت دولت امپریالیستی در بحران بود، چنانکه در طول این مدت ارسن و مردوزان صلح محلی حداقل ۸ نفر غیرنظامی را، شامل ۳ پسر چه ریز ۱۵ سال، کشتند و بیش از صدعا عفر را زخمی کردند و معارف با آن شوندهای ساسوالست در معرض دستگیری و خانه‌گردیهای ناگهانی قرار داشتند، و حکومت نظامی در مناطق مختلف پیوسته اعمال می‌شد. و اما در مورد رابطه اعتصاب عدا با مبارزه مسلحانه، ارسن جمهوریخواهان ایرلند (IRA) در جریان اعتصاب غذا، برای جلوگیری انحراف ادعای عمومی از موضوع اعتصاب، فعالیت خود را عمدا محدود کرد؛ اما سژان از آنکه دولت سراسرا از روی قصد اعتصاب غذا را طوعی حوادث کرد، با فعالسهای اغلاسی مسلحانه را در حداقل نگاه دارد و از این طریس طی "عادی سازی شرایط" را اعمال شد. ارسن جمهوریخواهان فعالسهای مسلحانه خود را در غول اعتصاب دوم اعراس داد، چنانکه در سجه اس عملات در عرض ۹ ماه، معسی با سپاسر ۱۹۸۱، تلفات وارد آمده به سروهای سنیاس بریتانیا، مرعیتی اعتراض خود آنها، ۲۷ کسد و بسس از ۱۵۰ زخمی بود. ۲۹ عفر از کشته شدگان را سروهای مردوز محلی (UDR و RUC) بریتانیا کتیل می‌دادند و این خود معکس کسد نفس‌ایان به عنوان سروهای پیسفر اول بریتانیا در طریس "محلی حله دادس حث" است. در اثر حملات اغلابیون، میلیونها پوند خسارت مالی بر ناسبات بخاری وارد آمد که مسئولیت مالی آن سوجه دولت انگلس خواهد بود. حملاتی سر در بود حاک انگلس بر علیه دستگاه نظامی صورت گرفت و شبکه حفاظتی این کشور مورد نفوذ عوامل اغلابی قرار گرفت، با آحا که نیروهای جمهوریخواه موفق به ترتیب دادس اغخاری در ژرمینال نمف سالوم وو (Sullom Voe) در جزایر ایرلند درست در روز ورود ملکه انگلسان شدند. با چنان وضعیتی که اعتصاب غذا بوجود آورده بود تقریبا هر هفته ین جوان میهن پرست در نتیجه این اعتصاب جان خود را از دست می‌داد، پسر چه با توسط ارسن بریتانیا در خیانتها به قتل می‌رسیدند و اختناق عمومی شدیدی برقرار بود، ارتش جمهوریخواهان احتیاج چندان به توضیح عملیات نظامی خود نداشت. البته این بدان مفهوم نیست که ارتش جمهوریخواهان، در سراسر ۱۵ سال مبارزه مسلحانه، عملیات خود را توضیح نداده باشند.

سوال: سیاست شس فس در مورد شرکت در انتخابات پارلمانی به چه علت و چگونه بود؟

حواب: شرکت نیروهای جمهوریخواه در انتخابات سال ۱۹۸۱ بیشتر به صورت تصادفی بود تا با نقشه قبلی و مادیات

عسور مداحله در امر انتخابات بود و به حث استزاری استعاسی. روسر گویم، اغفاسی بودن آن به این علت بود که موقعیتی بر اثر قوت یکی از نمایندگان سطعهای در پارلمان انگلسان بوجود آمد و این در حالی بود که از اعصاب غذای سالی سدنز مدنی می‌گذشت. با اغلاف چند ماهه در ایرلند جوسپی سیز انتخاباتی از طرف دولت فرا حواده سد و این یکی نیز در موقعیتی بود که ۴ عفر از اعتصاب غذا کنندگان با آن تاریخ در زندانهای شمال جان باخته بودند. جمهوریخواهان تصمیم گرفتند تا از این دو موقعیت برای تبلیغ هرچه وسیع‌تر وضعیت زندانیان اسفاده کنند. از طرفی، این شرایط زمینه‌ای را پیش آورده بود که سوده‌های ایرلسدی حمایت خود را از اغلابیون اعصابی علنا به نمایش بگذارند و سیاست امپریالیسم انگلس را در جهت حمایتی جلوه دادن سارزار آرادبجوانان به سکت کساند. سالی سدره در ۱۰ آوریل سال ۱۹۸۱، در حالی که چهل و یکمین روز اعتصاب غذای خود را در ریدان می‌گرداند، با اکثریت فاغی به ساجدگی پارلمان انگلسان انتخاب شد. این پیروزی به معنی شکست مفتضحانه‌ای برای سیاست تبلیغی دولت ساچر بود. پس از این تجربه، دولت انگلس سرعت دیکه‌ای را به منظور جلوگیری از شرکت زندانیان سیاسی در انتخابات از پارلمان گذراند. اما در ماه اوت همان سال، در انتخابات میان دوره‌ای که به علت عجات فهرمانی سالی سندر صورت گرفت، وکیل او، اوش کارون، با اکثریتی بسس از دور فیل انتخاب شد، و این پیروزی تبلیغی دیگری برای اغلابیون در سد بود. در همین مدسه، در انتخابات ایرلند جوسپی سیزه ۲ ش از ریدانیان سیاسی شمالی به نمایندگی پارلمان ایرلند انتخاب شدند. سارزدی عمه این مبارزان به سراسر عضویت آنها در جنبش جمهوریخواهان بلکه برای تبلیغ مبارزات و خواستهای زندانیان سیاسی در شمال ایرلند بود.

استراتژی انتخاباتی شین فین، با تداخلاتی که دکر آن رفت و ممانک با تجدید نظرانی که در تحلیل بایمان از مبارزات جاری کردیم، آغاز گشت. شاید در این جا لازم باشد توضیحی از برخورد شین فین با ارکانهای مختلف انتخابی در ایرلند و انگلسان بدیم. نیروهای جمهوریخواه به معنی وجه دولتهای لسن و یا دولین را مشروع نمی‌دانند. عدم مشروعیت این دولتها سانی از آن است که عردوی آنها در آخرین انتخابات سراسری ایرلند در سال ۱۹۱۸، زمانی که شین فین ۷۸ کرسی از ۱۰۵ کرسی انتخاباتی را با رای آزاد مردم برنده شد، این خواست توده‌ها را نادیده گرفتند و تجزیه‌ای را بزور اسلحه امپریالیسم بریتانیا بر مردم و کشور ایرلند

حکم کردند. بر طبق اساسنامه سازمان ملل، هر کسی از این سازمان حق ندارد کرسی خود را در برابر از ارگانهای خبره طلب در لندن، دولت و سایر لغات اشعار کند. سازمان ملل نیز در چنین اسبابی آنها بر صافی عدم حضور در پارلمان شرکت می‌کند.

مبارزات مسلحانه ارتش آزاد حسن ایرلند، هنگام با استراحتی اسبابی شیب می‌دهد، همچنان ادامه دارد و به آن کسب حداکثر تاثیر سیاسی همواره از سوه‌های متفاوت منبع مسلحانه و کاتالهای اساس استفاده جوامعند.

سوال: اگر ممکن است در مورد دیدگاه جنبش جمهوری خواهی ایرلند بر روی مسائل همسنکی بین‌المللی توضیحی بدهند؟

جواب: حسن جمهوریخواهی ایرلند همواره معتقد و معتمد به ابراسیونالیسم بوده است. دیدگاه انتزاعی‌سویالیستی ما نباید به بهترین وجه با این نقل قول از جیمز کانالی، مبارزی که به علت نقش‌اش در مبارزه علیه حکومت بریتانیا در ایرلند در سال ۱۹۱۶ اعدام شد، خلاصه شود: "ما مصممیم که آزاد باشیم و در هر دوست و یاور استبداد دشمنی می‌یابیم، حتی اگر او از شمار ما باشد." و نباید بهترین شاهد این مدعا داوطلبان بسیاری از ارتش جمهوریخواهان ایرلند باشند که با شرکت در بریکاد بین‌المللی و مبارزه علیه فاشیسم در انقلاب اسپانیا جان خود را فدا کردند. امروز ما خود را با نوده‌های تخت ستم و محروم در سراسر جهان براساس هم‌پیمان می‌دانیم. همسنگی به علت محدودیت‌های مکانی و جغرافیایی، منافعه محدود به تبلیغ مبارزات سروغای انقلابی و حمایت از آنها شده است و ما واقفیم که این به‌سهایی نمی‌تواند مرحمی برای قربانیان کمپنای شاتیل (Shatila) و کسینگا (Kassinga) و یا قربانیان مداخله نظامی انگلیس در ایرلند باشد. ما بخصوص با جنبش فلسطین، که به‌ساز سیاست دولت انگلیس از سرزمین ملی خود رانده شده‌اند احساس عمیق‌تری می‌کنیم.

سوال: واکنش بریتانیا در برابر روند جنبش جمهوری خواهی چه بوده است؟

جواب: سیاست بریتانیا در ایرلند، به‌دلیل ایدئولوژیک، استراتژیک و اقتصادی، در طول سالهای موالی مهم پیوسته تدریجی سکولار و سازمانهای دولتی برای رسیدن به هدف دلخواه خود که همانا حفظ وضع موجود در ایرلند بوده است.

از نفع شتر سیاسی، چنان به‌نگر می‌رسد که انگلستان جوامع را رسیدن به یک توافق در امانت شمالی است که امدهوار است از طریق موافقت بین حزب کارگر

سوال: دموکرات‌ها در این اجزای سوسیالیست (U.S.S.R) بدان دست‌نشانده. حصول چنین توافق‌ها عمدتاً مستلزم احکامات رسته اصلاحات اساسی است. بدون بحظر انداختن موقعیت سروان استراتژیک انگلیس، نتواند حمایت سوسیالیستها را جلب کند و صفا ارتش جمهوریخواهان ایرلند را به سروان اساسی کند.

ارسطه مبرمنامی‌المنه، مدت آنان سکس کامیونیس جمهوریخواهان است. ارتش بریتانیا در روابط سیاسی - سیاسی خود سلیح فضاخباری برای دولت سار آورده است. عکس‌العملیاتی افراطی آن در برابر بوده‌های سوسیالیست و اتحادیه‌ها با سازمان حساسات سلطنتی طلب، سازمان ارتش دولت بریتانیا را، که شاید چند اصلاحات جریس می‌توانست فراهم آورد، نابود ساخت.

تاکید شدید حزب کارگر سوسیال دموکرات بر سهیم



بودن در قدرت سیاسی آنها را به اتحاد با حسن آر حزب سوسیالیست در سال ۱۹۷۶ کشاید. حالت آن است که این کوششها، که صفا مورد حمایت دولت دولتی (دولت ایرلند حریف) بر بود توسط سروان سه‌نظامی منصب نظامی و حسهای مافوق ارجاعی ساسگران سوسیالیست نه برای سنار ۵۰ سال‌خامس‌های بریتانیا در امانت شمالی بوده به‌سکس کشاید شد.

بعد از آن بحره، انگلیس در استراحتی سیاسی - سیاسی خود، البته با حذف همان اقدامات غایی، دست‌نشان داده است. در همان حال که سیاست جلب حمایت صفا متوسط سوسیالیست کماکان در دستور کار دولت انگلیس است، اما سمگرتی ملی با جهت نظامی فعالیت می‌شود. این بدان معناست که دست‌نشان سروان

نوش

هدف از احتیاج دادن مقوله "آموزش و آگاه‌سازی" و مقوله‌های فلسفی، سیاسی و اجتماعی در مورد "جهان"، دستاویزی به نوعی زبان و فرهنگ ستورک مسرگی است که سواد در خدمت اتحادی دنیای لوگ برای سبیل ارباط فکری در حین چپ‌فرار کرد. علاوه، این مقوله می‌سواند در ارباط دانش‌ستورک و آموزش سیاسی هواداران - سازمانی و کلسه علاقمندان مجدد واقع شود. در هر شماره "جهان"، ما واژه یا مقوله‌ای را مورد بررسی قرار می‌دهیم. این مقوله حامل مطالبه و تحقیق رفتاری یا رفتاری سینه‌کننده آن می‌ساید و تحت‌نظر هیئت تحریریه "جهان"، درج می‌گردد. از کلسه خوانندگان "جهان" می‌خواهیم تا واژه یا مقوله مورد سؤال خود را برای ما بنویسند و ما در فرصت مناسب آنرا در این مقوله خواهیم گنجانید.

"جهان"



آموزش و آگاه‌سازی و مقوله‌های فلسفی، سیاسی و اجتماعی

ظرفی - سیاسی مسر می‌گردد. با این حال روند شکل‌گیری آگاهی طبقاتی برای طبقات محلیت یکسان نیست. بورژوازی حاکم بنا بر مبارزه تاریخی حویث علیه طبقات و انرفاقت حاکم فتودالی و در پیروسه کس قدرت سیاسی، آگاهی طبقاتی حویث را کسب کرد و از طبقاتی در خود به طبقاتی برای خود بدل شد. با این حال مبارزه دهقانان متوسط در کار بورژوازی علیه اسرافت فتودال هم به دلیل موقعیت عسی طبقاتی و هم به دلیل موقعیت حقوقی که در آن فرار داشت سادگی میسر نبود. مثلا کارکس در ۱۸ رومر لویی ساپارت سر می‌دید که چگونه دهقانان متوسط فراسه حقوق رای دمی حویث را سار موقعیت خاصان در

بولید، علیه منافع طبقاتی حویث بکار گرفتند. وی می‌سویسد: تا آنجا که میلیونها خانوار در شرایط اقتصادی خاصی سر می‌برد که شیوه زندگی، منافع و فرمک آنها را از شیوه زندگی، منافع و فرمک طبقات دیگر متمایز می‌سازد و به‌طور حدسمانه در نقطه مقابل شیوه زندگی، منافع و فرمک طبقات دیگر فرار می‌دهد - این خانوارها تشکیل طبقه می‌دهند. ولی چون میان دهقانان خرده‌مالک فقط ارباط محلی فررار است و همانندی منافع آنان بیچگونه اسراکت، بیچگونه پیوند ملی و بیچگونه سازمان‌سازی بوجود نمی‌آورد - این دهقانان تشکیل طبقه نمی‌دهند. به همین جهت آنها نمی‌توانند از منافع طبقاتی خود نام خود دفاع کنند - حواه از طریق پارلمان باسد و حواه از طریق مجلس کنوانسیون. آنها نمی‌توانند خود نماینده حویث باشند و دیگران باید نماینده آنها باشند. نماینده آنها هم در عین حال باید آقای آنها و اوریه مافین

آگاهی طبقاتی

مارکس، از همان آثار اولیه خود، بر تمایز مابین موقعیت عینی طبقاتی انسانها و درجه آگاهی دمی آنان از آن موقعیت عینی پای می‌فرد. موقعیت عینی طبقاتی به بر مبنای روابط حقوقی بلکه بر اساس چگونگی موقعیت (مالکیت و کنترل یا سلب مالکیت) انسانها نسبت به ابزار تولید اجتماعی تعیین می‌گردد. مثلا در جامعه فتودالی که سبک‌های از سلسله مراتب حقوقی عاوت‌های اجتماعی در چگونگی مالکیت بر ابزار تولید را تعریف می‌کرد، تا زمانی که زمین مهم‌ترین ابزار تولید بود و مالکیت بلامنازع اسراف و کلیسا بر آن اعمال می‌شد، یک اریستوکرات همواره یک اریستوکرات باقی می‌ماند و داران امنیارات مشخص اجتماعی بود. از این رو سیستم روابط مالکیت در پس سبک‌های از سلسله مراتب حقوقی پنهان بود. ولی با ظهور بورژوازی شهری، گسترش تولید کالایی و رشد سرمایه مانوفاکتور و (سهایا) صنعتی و دست اندازی بورژوازی به بخش کشاورزی اقتصاد، روابط حقوقی موجود که انعکاسی از روابط مالکیت کلسه بود، بوضوح از روابط مالکیت سوبی در حال تکوین متمایز گشت. از این رو در وهله نخست می‌بایست آگاهی طبقاتی (آگاهی از موقعیت خود در پیروسه تولید و نسبت به ابزار تولید) را از آگاهی حقوقی متمیز دسیم؛ چرا که از لحاظ تاریخی، بخصوص برای بورژوازی، خرده‌بورژوازی و دهقانان میانه حال در مبارزه‌شان علیه اسرافت فتودال، روابط حقوقی موجود مانعی در مقابل شکل‌گیری آگاهی طبقاتی بود.

از دیدگاه مارکس، شکل‌گیری آگاهی طبقاتی در پیروسه مبارزه

برعکس با - مادیان، روند شکل گیری آگاهی طیفانی پیرامون
 در مبارزه با غلبه سررواری محوگر است. با اجماع بر ضد
 سس از پیش پروسه کار در کارجات بزرگ صنعتی و نبود
 وایلی ارتباطی، مبارزه در آغاز محدود (به ت کارخانه یا رسته
 صنعت) پیروانها سرعاً می‌تواند کثله طیفه را دربر گرفته و
 رسته را برای شکل گیری ارار سیاسی-ایدئولوژیک مبارزه یعنی
 حرب پیروتری، فراهم آورد. از این رو است که روند شکل گیری
 آگاهی طیفانی محکم با روند سازماندهی آن صورت می‌گیرد.
 لیس معقد بود که شکل گیری آگاهی طیفانی پیروانها
 صورت می‌گیرد آگاهی سوسیالیستی "ارجاح" است. چرا که
 پیروانها در پروسه مبارزه خودخوانی غلبه سررواری نه‌است قادر
 به شکل دسی "آگاهی برده‌نویسی" (احادیثی) می‌گردند.
 اگرچه برسرمان معلوم دسترسی دانه و سایر حداقلی که
 تصور باواسطه با پروسه می‌تواند دارند، دانه به شکل دسی آگاهی
 سیاسی سوسیالیستی می‌باشد با این حال از آنجا که مارکسیسم
 غلبی است که مبارزه نتایج گرفته از زندگی و مبارزات
 پیروانهاست، پرداخته‌های فکری آنان تنها در طیفه کارگر است
 که موصول اند. با لیس با حسن خودخوانی آن موجب
 شکل گیری حرب سوسیالیستی می‌گردد. از این رو لیس با موجود
 رورا لوکراسورک که به مادی گامی و حرب خودخوانی طیفه کارگر
 پیرها می‌داد، مایل بود.
 برای ساخت ذهنی از مضمون آگاهی طیفانی بررسی موقله
 "ایدئولوژی" مانی است.

ایدئولوژی

برای مارکس، انگلس و لیس موقله "ایدئولوژی" مترادف
 آگاهی طیفانی است که در اسکال معین: حقوقی، سیاسی، مذهبی،
 سری و فلسفی، موجودیت می‌یابد. اگرچه (برخلاف نظریات
 آکادمیسی‌های بورژوازی) هیچ نگرشی نیست که بر آن مهریک
 یا چند (به‌طور الفاظی) ایدئولوژی خورده باشد، با این حال
 هر نگرشی لزوماً یک "ایدئولوژی" نیست. تنها در پروسه مبارزه
 طیفانی، به‌سره در حیط ایدئولوژی، است که نگرشهای مختلف
 خانگاه "ایدئولوژیک" خود را ساز یافته و به آگاهی طیفانی
 بدل می‌گردند. مصاداً اسک چگوئش واقع‌گرا بودن یک "ایدئولوژی"
 به‌امری واقعی بلکه مانی محض از پایگاه طیفانی آن است.
 از این رو نگار برین را به "ایدئولوژی" برای "آگاهی کاذب"
 (False Consciousness) اصح می‌شاند.

از آنجا که مارکس و انگلس در عین حیات خود هم خود را
 صرف سوره نمودن جهان سسی (ایدئولوژی) پیروانها با از طریق
 ضد انواع ایدئولوژیهای غیروطنی نمودند، از این رو این

موقله را برای نگرشهای مورد نقد خود برای سنان - س نسل
 عطفانی احراقات آنان نگار می‌نویسد. دو ساعه اصلی تفکر
 انتقادی فلسفی در آثار، در مقابل مارکس و انگلس قرار دادند:

۱ - فلسفه ایده‌آلیسم آلمان و شکل در نقد مادیستی، مخصوص
 در آریایی یعنی "خود" ۲ - فلسفه ماریالیسم فرانسوی و
 فویرباخ در نقد مذهب - اگرچه هیچیک از دو شاخه فوق در رسالت
 اسفاد حوس موقفت کامل کس نکردند، با این حال، همه
 را برای تکمیل آن اسفادات از طریق نقد متقابل خود این دو
 فکر فلسفی فراهم آوردند. شماره اس دستاورد تاریخی در موقله
 "ایدئولوژی" به‌مفهم آگاهی طیفانی خلاصه می‌شود، یعنی
 اسک چگوئش واقع‌گرای شعور انسانها تابع مستقیم از زندگی
 مادی (پایگاه طیفانی) آنهاست. از همان آغاز، در پروسه نقد
 این دو فکر فلسفی، مارکس و انگلس محصلت "واروه"
 (inverted) اندیجین‌های حاکم پی بردند. شکل بر آن بود
 که جهان واقعی حیط ایده مطلق است (و نه برعکس) که سخته
 سیاسی آن سخته حکمت مطلقه پیروس بود؛ و فویرباخ که فلسفه
 شکل را سویی مذهب غلبی می‌کرد، مادیات اصنامه تک از خود
 ستاگش فلسفی و دستگیر حاصل سسی از مادی طلمداد
 می‌شود و از این حیث با حدی که سخته مادی شعور سیاسی
 انگست می‌گذاشت؛ با این حال، لیس از سخته این طور فکر
 پا فرار گذاشت و سنان داد که اس "ایدئولوژی" در شعور صرفاً
 سخته پدید می‌آید که سنان با سامانهای مادی موجود - سخته
 حیط، بلکه اس "واروه" آگاهی از دسی واقعی سخته در
 "واروه" بودن خود دسی واقعی دارد. اثر فکر شکل شعور
 است، اس "حرب ازین نوع سیاسی" است (مارکس). نقد
 فلسفه دولت شکل، حالت‌نگاری، از این رو مارکس به‌سوه سخته
 شکل توسط نگین‌های جهان، که در صدد رفع کمبودهای فکر شکل
 از طریق صرفاً بند آن بودند، اعراض نموده و می‌گفت: "آنها
 فراموس می‌کنند، که آنها صرفاً گشهای دیگر را در مقابل گشهای
 وی می‌گذارند و از این رو به سینی وجه به‌مبارزه علیه دسی واقعی
 موجود برمی‌خیزند." (ایدئولوژی آلمانی، جلد ۱، بخش ۱)
 در حالی که نقطه آغاز به‌شعور، بلکه واقعیت مادی است و بند
 با سامانی انسانها در صدد بنای درونی دنیای مادی نهفته است.
 از این رو است که تح‌پنداریهای ایدئولوژی طیفه حاسه که
 رسته در مافع مادی آنان دارد (نه از طریق نقد بلکه از طریق
انقلاب برای حل تضادهای دنیای واقعی میسر است. "سلاج
 نقد سچگاه نمی‌تواند جای نقد سلاج را بگیرد" (مارکس). بندس
 سرتیب مارکس شماره ایدئولوژی پیروتری را در ستر مبارزه طیفانی
 و در نقد ایدئولوژیهای موجود حاکم، پی ریزی نمود. سخته
 در طی تحفقات اقتصادی حوس سنان داد که این "واروه"
 در دنیای واقعی در دیناسم ویره سیوه تولید سرتاب در سخته
 است. سسسیم کاذبی در کارکرد بازار موجب آن می‌گردد. نه
 روابط واقعی اجتماعی به‌صورت روابط بس اسپا نامر سخته
 و روابط استتماری در تولید، به‌صورت روابط "آراد" در بازار
 سطر آمده و پایگاه ایدئولوژی "آراد، سرتاری و مانیست"

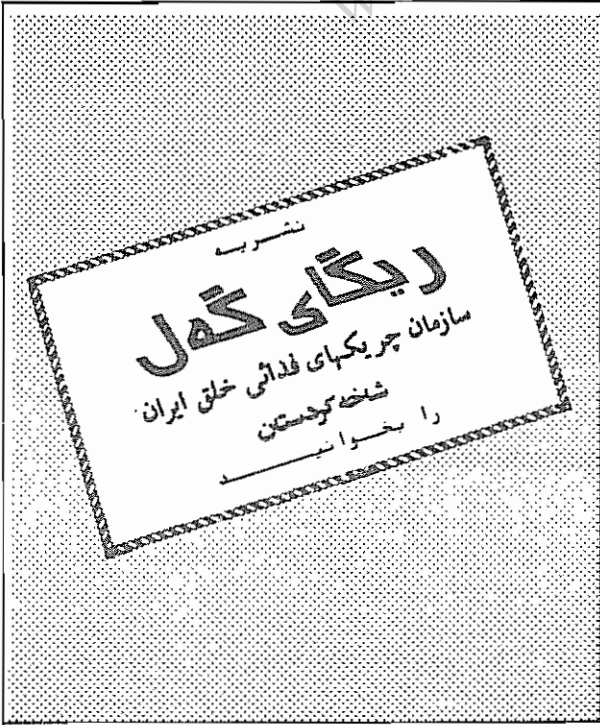
از خانه تجمی به تئاتر آمده بود و من سمی دانستم. مثل کودکی روستایی ساده و مثل توستی کوهی هوشیار بود. رفیقی ساده و هوشیار، بقاد و مهربان ... رفیقی انقلابی که به ما درس‌ها آموخت. رفیق کسر پویان و دیگر رفیقا نشانی گذاران حشش‌نویین انقلابی ایران بودند. حششی که هنوز ارزش‌های تاریخی آن به‌ویژه در زمینه پیوند خلاق تئوری و سراتیک و نتایج نویین آن موضوع مسازرات تئوریک نیسروهایی انقلابی است.



در سالگرد به‌خون‌تسین فدائی خلق رفیق
امیر پرویز یونان

روروارین و علمای (اقتصاد، سیاست و فلسفه) واسه به
آن را فراهم آورد.

لس معتمد بود که پرولتاریا به دلیل جایگاهش در سیستم
سولد سرمایه‌داری و در روند مبارزه طبقاتی علیه سوزروازی،
درمیاس یک طبقه قادر به ارتقا " آگاهی طبقاتی " خود فراش
ار آگاهی " تردیبونونی " سیست و از این رو " سوسالیم از
حارج " (توسط روسفکران) می‌سابت این تکمیل آگاهی طبقاتی
را فراهم آورد، با این حال برای لیس، پرولتاریا همواره " ار
لحاظ تجربی سوسالیست است " و حرب کمونیستی به‌متابه ارگان
رحر پرولتاریا ار وحدت تئوری سوسیالیستی روسفکران و پیشرورسین
عناصر طبقه کارگر شکل می‌گیرد. این مساله در آثار گرامسکی،
کموبست انقلابی ایتالیایی، به‌خصوصی بیان شده است. گرامسکی
با تمایز " ایدئولوژی ارگانیک " از انواع " ایدئولوژیهای
دلخواهی " (Arbitrary Ideologies) آن را به‌صورت دبل
بیان می‌دارد: " جهان بینی که به‌طور ضمنی (implicitly)
در بشر، حقوقی، اقتصادیات و همه مظا بر زندگی فردی و اجتماعی
وجود دارد " (منتخبات یادداشت‌های زندان، ص ۲۷۱) از این رو
برای گرامسکی " ایدئولوژی " صرفا مجموعه‌ای از ایده‌های مجرد
سیست بلکه شناخت مشخصی (concrete) است که در پراتیک
زندگی نخالته می‌کند. گرامسکی در ایدئولوژی " چهار سطح را
تشخیص می‌دهد: فلسفه، مذهب، عقل سلیم (common sense)
و فولکلور. از این رو برای شکل‌گیری ایدئولوژی پرولتری تئوری
سوسیالیستی روشفکران یا عقل سلیم / فولکلور غیرتتا سوسیالیستی
طبقه کارگر عیجیک به‌تنهایی کافی نیست بلکه از ترکیب ارگانیک
این دو است که " ایدئولوژی ارگانیک " پرولتاریا شکل می‌گیرد.
بدین ترتیب است که گرامسکی برصورت شکل‌گیری " روشفکران
ارگانیک " (organic intellectuals) طبقه کارگر تاکید
می‌کند.



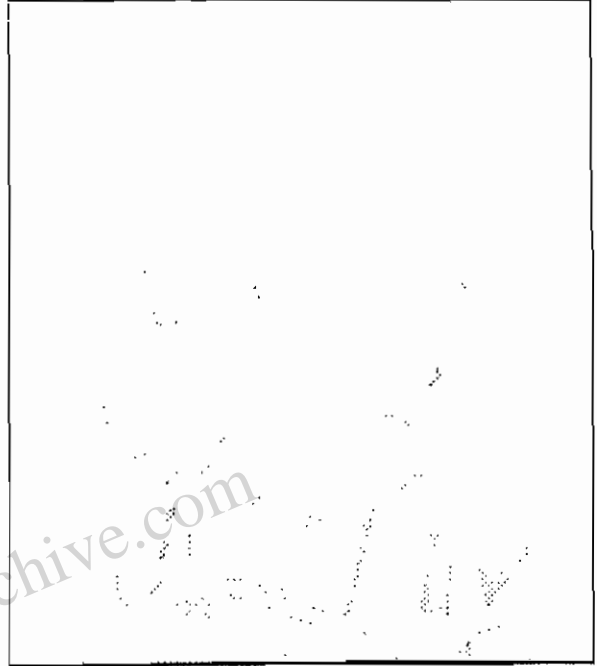
سابع

- 1- Bottomore, Etal, A Dictionary of Marxist Thought.
- 2- Gramsci, Antonio 1929 - 35 (1971). Selections From the Prison Notebooks.
- 3- Larrian, Jarge 1974: The Concept of Ideology- 1983: Marxism and Ideology.
- 4- Lenin, V.I. ,1902 (1961): "What Is to be Done"
- 5- Lukacs, G. 1923 (1971): History and Class Consciousness.
- 5- Mann, Michael, 1973: Consciousness and Action Among the Western Working Class.
- 6- Meszaros, Istvan, ed. 1971: Aspects of History and Class Consciousness.

لنین و برنامه ارضی

مباحثات کنگره چهارم حزب کارگر سوسیال دموکرات روسیه ۱۹۰۶

و در آن وقت، سیاست آن را از سر راه خود بردارد. در این میان نقش لنین از برجستگی ویژه‌ای برخوردار است. لنین مهم‌ترین سؤرخس سوسیال دموکراسی روسیه در زمینه مساله ارضی و به‌ویژه تدوین برنامه ارضی بود و آثار پرارتری از خود بر جای گذاشته است. دیدگاههای انقلابی و اصولی لنین در بیشتر مواقع در تقابل با نظریات اپورتونیستی مستویکها، تروتسکی و غیره قرار داشته و از انسجام و جامعیت ویژه‌ای برخوردار بود. مطالعه نظریات لنین و آشنایی با مبارزات ایدئولوژیک و پلمیکهای وی علیه نظریات انحرافی در مورد مساله دهها سال و تدوین برنامه ارضی برای مارکسیست - لنینیستهای ایران بسیار ضروری است. مجموعه این نظریات و پلمیکها که یکی از گنجینه‌های مهم ادبیات مارکسیسم انقلابی محسوب می‌شود، هنوز هم بعد از حدود هشتاد سال از تازگی و مناسبت ویژه‌ای برخوردار است و می‌تواند بخصوص از لحاظ متدولوژیک کارمایه‌ی مهمی برای تدوین برنامه ارضی حزب طبقه کارگر در جوامعی شبیه جامعه ایران باشد. در این مرحله از جنبش انقلابی ایران که دستیابی به یک برنامه پرولتری اهمیت ویژه‌ای یافته (و سازمان چریکهای فدایی خلق ایران مدتی پیش طرح برنامه حزب طبقه کارگر ایران را ارائه داد)، آشنایی با دیدگاههای مختلف سوسیال دموکراتهای روسیه درباره برنامه ارضی می‌تواند در تدوین بخش ارضی برنامه حزب طبقه کارگر ایران بسیار مفید واقع شود.



پیشگفتار

ما در این مقاله تنها بخش کوچکی از مباحثات سوسیال دموکراتهای روسیه در مورد مساله ارضی را که در کنگره چهارم حزب کارگر سوسیال دموکرات روسیه صورت گرفت، مورد بررسی قرار می‌دهیم. انتخاب مباحثات این کنگره از آن جهت بود که در آن مساله دهقانی و ارضی و تدوین برنامه ارضی پرولتاریا وسیعاً مورد بحث قرار گرفت و شاید بتوان گفت که کنگره چهارم تنها کنگره حزب بود که مهم‌ترین بخش دستور جلسه آن را مساله ارضی تشکیل می‌داد. علاوه بر بررسی طرحهای ارائه شده به کنگره چهارم در مورد مساله ارضی، در پرونده استقادهای لنین به این طرحها، اشاره‌هایی نیز به تئوری انقلاب لسن و به‌ویژه سی‌وقفه بودن فرایند انقلاب دموکراتیک با سوسیالیسم خواهیم داشت.

شناخت و حل مساله ارضی و دهقانی را شاید بتوان مهم‌ترین مساله انقلاب دموکراتیک روسیه دانست، مساله‌ای که اختلافات بسیار مهمی را در بین سوسیال دموکراتها و نارودنیکها، از یک سوی، و بین خود سوسیال دموکراتها، از سوی دیگر، باعث گردید. از همان ابتدای تشکیل حزب کارگر سوسیال دموکرات روسیه در سال ۱۸۹۸ و حتی پیش از آن، از زمان شکل گیری مارکسیسم در روسیه و تشکیل گروه "آزادی کار" توسط پلخانف و دوستانش در سال ۱۸۸۳، چگونگی برخورد به این مساله و تدوین برنامه ارضی حزب پرولتاریا یکی از مشکلات بزرگ سوسیال دموکراتهای روسیه

ساری بود که حاحهای بلشویک و منسوبک کنگره حزبی سترگی برگزار می‌کردند. واقعیت مهم درباره این کنگره این است که مسویکها از اکثریت محکمی در آن برخوردار بودند (۶۴ رای در مقابل ۴۶ رای بلشویکها) و از این رو اغلب مصوبات آن ماهیت منسوبیکی دارد. لنین درباره مصوبات این کنگره نوشت: "سنا از مهم‌ترین قطعه‌نامه‌های این کنگره ((برنامه ارضی، قیام مسلحانه و روش

کنگره چهارم (با کنگره وحدت) حزب کارگر سوسیال دموکرات روسیه از ۱۰ تا ۲۵ آوریل ۱۹۰۶ در استکهلم برگزار شد. ۱۱۴ نفر از حق رای و ۲۴ نفر با نظر منورتنی به‌مابندگی از ۶۴ سازمان حزبی در آن حضور داشتند. لسن، گروپسکابا، لویچارسکی و استالیس از نمایندگان بلشویکها بودند. پس از اسعاب در حزب، در کنگره دوم آن در سال ۱۹۰۳، این اولین

طرح رزکف

طرح رزکف برنامای حفظ ویز گنهای اصلی برنامہ قدیمی حرب ۵ (مصوب کنگره دوم در سال ۱۹۰۲) و ایجاد تعبیرات اندک استوار بود و هرگونه مصادره یا ملی کردن زمینها را نادرست می‌دانست. لنین درباره رزکف نوشت:

"وی نه‌خواستار تقسیم و نه ملی کردن زمینها است. آنچه او می‌خواهد حذف حمله مربوط به زمینهای جداسده از دهقانان و جایگزین کردن آن با حمله‌ای شبیه حمله ربر است: کلبه زمینهایی که به‌عنوان وسیله‌ای جهت اسارت اقتصادی دهقانان عمل می‌کنند، بدون پرداخت عرامت به دهقانان واگذار شود."^۶

رزکف معتقد بود که باید بین زمینهایی که روابط پیش سرمایه‌داری بر آنها حاکم است و زمینهایی که به‌روشن سرمایه‌داری گشت می‌توند، تمایز قابل‌تجد.

از نظر رزکف اغلب زمینهای بزرگ در روسیه از نوع دسته دوم بودند و از این رو وی تقسیم آنها به‌قطعات کوچک‌تر را از دیدگاه سوسیال دموکراسی نادرست ارزیابی می‌کرد. لنین این تحلیل رزکف را اساساً اشتباه می‌دانست:

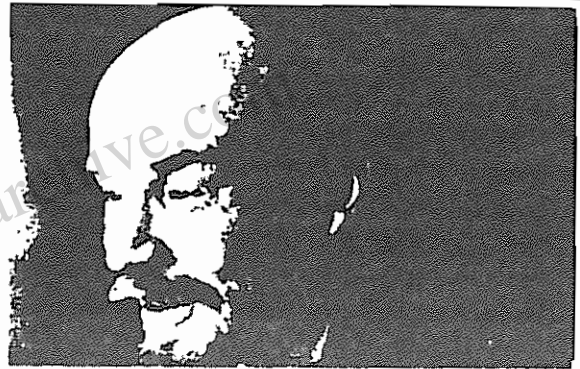
"به‌ما گفته می‌توند که زمینهای بزرگ از نوع سرمایه‌داری پیسترفته‌اند. مصادره و تقسیم آنها اقدامی ارتجاعی است... ما فکر می‌کنیم این عقیده غلط است... به‌طور کلی، زمینهای بزرگ در روسیه امروزی بر نظام بندگی فئودالی استوارند و نه نظام سرمایه‌داری."^۷

طرح رزکف در کنگره از طرف هواداران قابل‌نوجهی برخوردار نبود و بنابراین در همان اوایل از دور حشها خارج شد.

طرح قطعنامه تاکتیکی

این طرح برخلاف طرحهای دیگر ارائه‌نده هکنگه، اساساً دانش هرگونه برنامہ ارضی ارجحیت حرب طفه کارگر را غیراصولی می‌دانست بر این پایه قرار داشت که حزب باید تنها یک قطعنامه تاکتیکی اتخاذ کند. تعداد قابل‌توجهی از نمایندگان بلتویک و منسوبک طرفدار این طرح بودند.^۸ طرح قطعنامه تاکتیکی توسط فین (Finn) هکنگه ارائه شد و از ۳ بخش تشکیل می‌شد: (۱) برنامه حداکثر که طبق آن کلبه زمینها ملی می‌سود و این در صورت اسفرار دیکتاتوری پرولتاریا مسر است (توجه داشته باشیم که از نظر لنین ملی کردن زمینها در انقلاب دموکراتیک سیر مسر است)؛ (۲) برنامه حداقل که دربردارنده خواستهایی برای ناسودی بقایای سروز است؛ (۳) قطعنامه تاکتیکی که رابطه سوسال دموکراسی را با جنبس دهقانی مشخص می‌کند و شامل مصادره املاک بزرگ و تقسیم آنها بین دهقانان است. فین شخصاً در کنگره حضور نداشت ولی ۲ تن از طرفداران وی به‌نامهای استرومیلن (از منسوبکا) و لیادف (از بلتویکها) ضس پشنیاسی از اس طرح قطعنامه مشترکی سیر به‌کنگه عرض کردند.^۹ طرفداران طرح قطعنامه تاکتیکی براس ناور بودند که مساله ارضی و دهقانی برای سوسال دموکراسی تنها جنبه تاکتیکی دارد

برخورد به دومای دولتی (مهر و سان نظریات اسنابه حجاج منسوبک ساسی رادخود دارد)^{۱۰} و اضافه کرد که "ما ساند علیه خصمیات اسنابه کنگره مبارزه ایدئولوژیک کنیم."^{۱۱} کنگه دنگری را که درباره کنگره چهارم باید سخطظر داشته باشیم، این است که علاوه بر وجود اختلافات اساسی بین بلسویکها و منسوبکا درباره مساله ارضی، دربین خود بلتویکها سیر اختلافاتی در اس کنگره وجود داشت که به ارائه طرحهای مختلف هکنگه مسر شد. سپس از برکناری کنگره، به علت وجود اختلافات درباره مضمون برنامہ ارضی حزب کمیسون ارضی ویژه‌ای با ترکت لنین، یلخانف و ماسلوف (مهم‌ترین تنوریسین منسوبکا در مورد مساله ارضی) ایجاد شد تا طرح مشخصی را برای بررسی به‌کنگه ارائه دهند. این کمیسون نتوانست به‌نتیجه متخصی مسر و چهار طرح برای بررسی به‌کنگه ارائه داد. در طول مباحثات کنگره نیز دو طرح دیگر به این چهار طرح اضافه شد و بنابراین مجموعاً شش طرح برای تعیین موضع حرب کارگر سوسیال دموکرات روسیه در مورد



مساله ارضی در کنگره چهارم مورد بحث و بررسی قرار گرفت. این شش طرح عبارت بودند از:

- ۱ - ملی‌کردن کلبه زمینها (لنین)
- ۲ - مویسپالیراسیون یا واگذاری زمینهای بزرگ به‌ارگانهای خودمختار محلی (ماسلوف)
- ۳ - تقسیم زمینها (بوریسف Borissov و اسنالین)
- ۴ - طرح کمیسون ارضی (اشمیت)
- ۵ - حفظ برنامہ ارضی ۱۹۰۲ حزب با ایجاد تغییرات جزئی (رزکف Rozhkov)
- ۶ - نفی برنامہ ارضی و اتخاذ یک قطعنامه تاکتیکی (استرومیلین و لیادف Lyadov)

به طرح اول درواقع طرحهای اصلی برنامہ ارضی در کنگره بودند که ما بعداً آنها را مورد بررسی قرار خواهیم داد. طرح چهارم هیچ تفاوتی با طرح لنین نداشت، جز آنکه تنها "شق الف" آن را می‌پذیرفت.^{۱۲} طرح پنجم بر این اساس قرار داشت که برنامہ قدیمی حزب مصوب کنگره دوم (۱۹۰۳) با تعبیرات اندکی حفظ شود. طرح ششم برخلاف پنج طرح دیگر مخالف هرگونه برنامہ ارضی بود و بر این اساس تنظیم شده بود که پرولتاریا تنها از طریق قطعنامه‌های تاکتیکی روابط را با دهقانان مشخص کند. حال طرحهای فوق را یک به یک مورد بررسی قرار می‌دهیم.

و محصه برآمده‌ای. استرومیلین در حمراسی خود در کنگره اعلام کرد که برآمده حرب سها ساند حواسهایی را مطرح سارد که سائکر مفاع طیفانی همسکی پرولتاریا ساند. وی ناکند می‌کرد که در برآمده حرب طغه کارگر ساید حواسههایی گنجانده سود که ار مفاع دهقانان حرده‌مالک دفاع کند، مفاعی که با مفاع همسکی پرولتاریا هیچ وجه اشتراکی ندارد. البته استرومیلین و طرفداران دیگر این طرح سراس ساور سونودند که پرولتاریا با مفاع دهقانان اساسا کاری ندارد. سرفکس، آسان سیر ناکید می‌کردند که پرولتاریا ساند ار مفاع دهقانان پستیبانی کند، ولی ع در برآمده حرب که ساند محص مفاع طیفانی داعمی پرولتاریا ساند، بلکه در یک قطعنامه سائسکی.

از اس رو استرومیلین به‌همراه لبادف قطعنامه تاکتیکي منسکی س‌سگره ارائه دادند که محسوان آن س‌بودی سبابای سرواز در روستاها و کسرس سارزه طیفانی پرولتاریا سود. اس قطعنامه عمچس ار سبارراب دهقانان برای مصادره رسنها سرار رسهای سبار کوچک و نسقم و واگذاری آنها س‌دهقانان پسنبیایی می‌کرد. ۱۰ البته زمینهایی که کنتت سرمایه‌داری روی آنها انجام می‌گرفت به ارگاههای خودمختار محلی انتقال می‌یافت. طرفداران این طرح اسندلال می‌کردند که طرح پیشنهادی‌شان بر طرح برنام‌های ملی گرس، مونسیپالیزاسیون و یا نسقم زمینها مزیت خاصی دارد، زیراکه برای شرایط متفاوت امپرانوری روسیه راههای مختلفی ارائه می‌دهد. آنان معتقد سوندند که در شرایط ویژه روسیه که شیوه‌های تولیدی مختلفی در آن وجود داشت، گنجاندن بخش خاصی درمورد مساله ارضی در برنامه حداقل حزب ضرورت خود را از دست داده سود.

وانیوشین (Vanyushin) یکی از نمایندگان بلشویک طرفدار طرح قطعنامه تاکتیکي نکته فوق را ع خوبی در حمراسی خود توضح داد. وی اظهار داشت که در بسیاری از نقاط روسیه کشاورزی سرمایه‌داری از توسعه قابل توجهی برخوردار بود و دربین دهقانان نمازات طیفانی رسند بسیار یافته است. ارنظر وی در چنین نقاطی که سوسپال دموکراسی با روابط بورژوازی و طبقات سورژوازی و پرولتاریای روستا روبرو است، برآمده حداقل حزب کافی سوده و سیاری به‌برنامه ارضی وجود نداشت. در نقاط دیگری که بقایای فئودالیزم هنوز حاکم است، می‌سایست از نسقم رسنها پستیبانی کرد. س‌طور حلی خلاصه، طرفداران قطعنامه سائسکی براس عهده سوند که در برآمده حرب سها می‌توان حواسههایی همسکی طغه کارگر را مطرح ساخت و در رابطه با حرس دهقاسی ساند طوق شرایط و مراحل مختلف شامل ارضی قطعنامه‌هان سائسکی سواگونی را س‌طهر سعب احاد کرد.

انتقاد لنین به طرح قطعنامه تاکتیکي

طرح قطعنامه سائسکی سبدا توسط طرفداران برآمده ارضی مورد مخالفت فرار گرفت. اینان در اسفاد خود اظهار می‌داشتند که قطعنامه تاکتیکي تنها می‌تواند روش برخورد پرولتاریا را نسبت به حرکت محص دهقانان در مرحله معینی از تکامل تاریخی

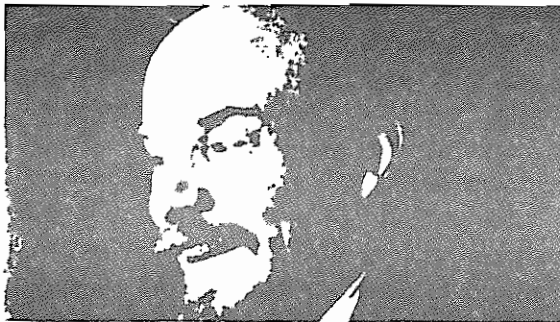
حرس کند. درصوری که برآمده ساند حواسههایی را دربر داسنه‌سابد که راسای حرس دهقاسی و هدف آن را منحص سارد.

لسا طرح قطعنامه تاکتیکي کاملا مخالف بود و اعتقاد داشت که حرب طغه کارگر ساید حسا بحسی از برآمده حداقل خود راه برنام‌ه ارضی احتصاص دهد. ولی از آنجا که در کنگره سبسرس حطر را ار حالت نظریه مسوبیکی موسسپالیزاسیون حرس می‌کرد، سبسرس توان خود را صرف اسشای محسوان سورورا - رفرمسی اس طریه ساخت که سدا س‌آن حواسم پرداخت. اما لنین در یکی از سوننه‌های مهم ارضی خود س‌ام "جدس‌طر در برآمده ارضی حرب کارگران" (۱۹۰۶) سدکاههای سادرس طرفداران طرح قطعنامه سائسکی را مورد اسفاد فرار می‌دهد.

لنین نوشت که بعضی از سوسپال دموکراتها معتقدند که در برآمده حرب طغه کارگر سها ساید از مفاع همسکی پرولتاریا صحت کرد، ولی در قطعنامه تاکتیکي می‌توان حواسههایی را مطرح ساخت که با آن مفاع منطبق سوده ولی دفاع از آنها ضروری ساند، مثل دفاع از جنسش دهقانی. لنین ادامه می‌دهد که از نظر اینان حواست مصادره زمینها را فقط می‌توان در قطعنامه تاکتیکي مطرح ساخت نه در برآمده. لنین در پاسخ به طرفداران قطعنامه تاکتیکي که می‌گفتند "برنامه نباید با تاکتیکها قاطی شود" نوشت:

" تلاش برای ایجاد یک موز عبورناپذیر بین برنام‌ه و تاکتیکها تنها می‌تواند به اسکولاستیسیم و خشک معزین منجر سود. برنام‌ه روابط عام و اساسی بین طبقه کارگر و طبقات دیگر را تعیین می‌کند. تاکتیکها روابط خاص و موقتی را معین می‌سازد. این البته کاملا درست است. ولی ما نباید فراموش کنیم که کل مبارزه ما علیه بقایای سرواز در روستاها، درمقایسه با هدفهای سوسپالیزاسی عام پرولتاریا، وظیفه خاص و موقتی است ... بنابراین تمایز بین برنام‌ه و تاکتیکها تمایزی نسبی است ... ما سبجور حواسیم بود که به‌زودی برنام‌ه ارضی حزب را دوباره تغییر دهیم. از این رو ما نمی‌حواسیم بنایی برای همیشه ایجاد کنیم." ۱۱

چنانکه از نقل قول فوق سبداست، کل مبارزه برضد بقایای



فئودالیزم در روستاها در مقایسه با مبارزه برای سوسپالیزم، مبارزه‌ای موقتی و گذرا است. برنام‌ه حداقل و بخش برنام‌ه ارضی آن اساسا برای تعیین روابط طبقه کارگر با دهقانان در مبارزه

عده بدای فتودالسم با عبارت دیگر برای همین این روابط در دوران انقلاب دموکراتیک تدوین می‌شود. به سخن دیگر، برنامه ارضی و برنامه حداقل می‌شوند برای همین کاربرد داشته‌اند. به همین دلیل است که لسی تاکید می‌کند که تمایز بین برنامه و تاکتیک تنها می‌شود یک نمایر نسبی باشد.

طرح قطعنامه تاکتیکی در کنگره با شکست حتی روبرو شد ۸۴۱ رای مخالف، ۲۱ رای موافق و ۶ رای ممتنع (۱ و کنگره لزوم تدوین برنامه ارضی را با قطعیت تمام تصویب کرد. حال ۳ برنامه ارضی ارائه شده به کنگره (یعنی تقسیم زمینها، مونیسیپالیزاسیون و ملی کردن زمینها) را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

تقسیم زمینها

پس از شکست طرح قطعنامه تاکتیکی، بحث اساسی بین طرفداران ۳ طرح برنامه ارضی در کنگره آغاز شد. این ۳ طرح عبارت بودند از: ۱) تقسیم زمینها، ۲) مونیسیپالیزاسیون، ۳) ملی کردن زمینها، که به ترتیب توسط بورزیسم، ماسلوف و لسی به کنگره ارائه شده بود.

اکثریت بلشویکهای حاضر در کنگره چهارم از جمله اسنالیس ۱۲ به طرح پیشنهادی لنین یعنی ملی کردن زمینها تمایلی نشان نمی‌دادند و از طرح تقسیم زمینهای پیشینی می‌کردند. بورزیسم همگویی این گرایش بلشویکی در کنگره بود. وی در گزارش خود به کنگره متذکر شد که سوسیال دموکراسی برای اتحاد برنامه ارضی حزب طغفد کارگر باید در ابتدا مضمون انقلاب روسیه را مشخص کند. ارسطر وی انقلاب روسیه یک انقلاب ارضی حربه سوریوایی بود که هدفش چیزی جز نابودی نظام فتودالی بود. چنین انقلابی از نظر بورزیسم می‌بایست کاملاً مورد پشتیبانی پرولتاریا و سوسیال دموکراسی قرار گیرد و بهر سبب پشتیبانی عم چیرین در دفاع از خواست گسترده دهقانان می‌باید تقسیم زمینها بین خود نمی‌توانست باشد. بورزیسم همچنان اعتقاد داشت که سیاست ارضی تقسیم زمینها 'فدای' مرفی بوده و باعث رتند نیروهای مولده سرمایه‌داری می‌شود. از حبه سیاسی سر بورزیسم استدلال می‌کرد که دفاع از حسن دفاعی و سیاسی از خواست دهقانان کاملاً نبرخدمت منافع پرولتاریا قرار دارد. زیرا که دهقانان در فرایند مبارزه برای صرف زمینهای سرک و تقسیم آنها س خود، هرچه بیسز در راستای انقلاب سیاسی فرار می‌گیرند و نه محدودان نیرومندان برای پرولتاریا در مبارزه برای استقرار جمهوری دموکراتیک تبدیل می‌شوند. بورزیسم همچون لسن ایجاد کمیته‌های دهقانی را به عنوان تنها تنگنای واقعی برای پیشبرد هدفهای جنبش دهقانی ضروری می‌دانست.^{۱۳} اسنالیس نیز که برای اولین بار در یک کنگره حزبی حضور می‌یافت و نماینده انزمامی از سازمان بلشویکها در تقلیس بود، ضمن دفاع از طرح تقسیم زمینها در سخنرانی خود در کنگره اظهار داشت:

"چون ما با دهقانان مبارز یک اتحاد انقلابی موفق برقرار می‌کنیم و سایر اسن چون نمی‌توانیم خواستهای اسن دهقانان را داشته بگیریم، ما باید از اسن خواستهای سیاسی کم، البته اگر این خواستها

به طور کلی مخالف جریان توسعه اقتصادی و انقلاب باشند. دهقانان حواسار تقسیم زمینها هستند: تقسیم زمینها مخالف توسعه اقتصادی و جریان انقلاب نیست از اس رو ما باید از مصادره کامل و تقسیم زمینها پشتیبانی کنیم."^{۱۴}

یکی دیگر از نمایندگان طرفدار تقسیم زمینها در دفاع از این برنامه چنین گفت:

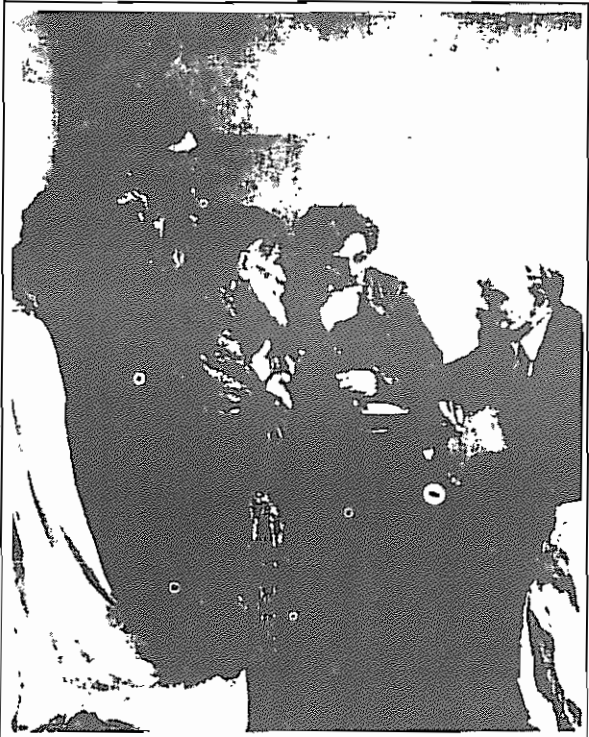
"من از آن رو از تقسیم زمینها پشتیبانی می‌کنم که آرزوهای دهقانان را برآورده می‌سازد و در عین حال سنها رتند نیروهای مولده و مبارزه طبقاتی را متوقف می‌کند، بلکه س آن باری هم می‌رساند."^{۱۵}

طرفداران طرح تقسیم زمینها همانند لسن برنامه ارضی خود را به ماهیت دولتی که پس از انقلاب سر سر کار می‌آمد، ربط می‌دادند و بورزیسم در طرح خود سر ضرورت استقرار جمهوری دموکراتیک تاکید می‌کرد. بهر عم ساهنهای ریاد بین تقسیم و ملی کردن زمینها، طرفداران تقسیم با طرح ملی کردن زمینها مخالف بودند. بورزیسم ۳ دلیل عمده علیه طرح ملی کردن زمینها ارائه کرد: ۱) دهقانان از ملی کردن زمینهای سرک پشتیبانی نخواهند کرد، زیرا می‌خواهند که زمینها به عنوان ملك خصوصی بین آنها تقسیم شود: ۲) چون طرح ملی کردن کلیه زمینها حتی زمینهای دهقانان را در اختیار دولت قرار می‌دهد، دهقانان این سیاست را نجاور به زمینهای خود تلقی خواهند کرد: ۳) چون دولتی که پس از پیروزی انقلاب بر سر کار می‌آید ماهیت سوریوایی دارد، سیاست ملی کردن زمینها با منترگر ساختن کلیه زمینهای کشور در دست این دولت، باعث تقویت بورژوازی و تضعیف پرولتاریا می‌شود. اسنالیس در رابطه با نکته آخر نوشت:

"اگر به یاد داشته باشیم که دولت آینده برچند دموکراتیک هم که باشد، دولتی سوریوایی خواهد بود، و اسغال زمین به چس دولتی، قدرت سیاسی بورژوازی را افزایش می‌دهد و اس به صر پرولتاریای شهر و روسا تمام می‌شود: همچس اگر به یاد داشته باشیم که خود دهقانان مخالف "ملی کردن زمینها" خواهند بود - آنگاه سدهی خواهد بود که ملی کردن زمینها با منافع حسن کسی انطباق ندارد."^{۱۶}

انتقاد منشیوکها به برنامه تقسیم زمینها

برنامه تقسیم زمینها عم از سوی لسن و بعضی بلشویکهای دیگر و هم از سوی منشیوکها مورد اسناد فرار گرفت. منشیوکها به ۲ دلیل عمده این برنامه را رد می‌کردند: ۱) تقسیم زمینها از سدگاه اقتصادی ریان آور است، چراکه حربه مالکی و رمداری کوچک دهقانان را حفظ می‌کند: ۲) تقسیم زمینها از سدگاه سیاسی سر ریان آور است، زیرا دهقانان پس از دریافت زمین سنتر ارضا شده و با بورژوازی طبقه کارگر متحد می‌شود و با سوسیالیسم مخالفت خواهند کرد.



لنین و دهقانان

دان یکی از رهبران مسوکیها در پاسخ به حیرانی اسانس اعلام کرد که وی از این "درک سادست" شروع می‌کند که کوبا برنامه ارضی برای دهقانان نوشته می‌شود و سخته می‌گردد که ساند از کلبه حواسهای دهقانان پستیابی کرده درحالیکه از نظر دان برنامه برای پرولتاریا تدوین می‌شود تا موضعین را در مورد مسأله ارضی محض کند.^{۱۷} یکی دیگر از مسوکیها طرفداران محسم رمنها را به "مردم‌هرسی"، "حرکت درجهت ساد"، "راو ردن درمقابل حواس دهقانان"، "احراف خرده‌بورروایی" و غیره متهم ساخت.

ساری از اسفادات فوق مسوکیها آشکارا بی‌اساس بود. مسوکیها که اکثرًا از طرح موسیپالراسیون پستیابی می‌کردند، حربه محدوی علیه مسوکیها شکل داده بودند و چون طرح تقسیم رمنها عمدتًا طرحی مسوکی بود، غرضورانه با آن مخالف می‌ورزیدند. برای مثال اسانس هرگز معیند نبود که ساند از کلبه حواسهای دهقانان پستیابی شود، بلکه تنها آن خواستهایی از نظر وی قابل پستیابی بودند که درمقابل رسد نیروهای مولده و گسترش مبارزه طبقاتی فرار می‌کردند. طرفداران تقسیم زمینها در پاسخ به اسفاد اول مسوکیها اظهار می‌کردند که به‌عنوان مارکسیست مخالف هرگونه مالکیت خصوصی بر وسایل تولید از جمله زمین می‌باشند. ولی می‌تفند شرایط انقلاب دموکراتیک روسیه لغو مالکیت خصوصی را احاره نمی‌دهند. آنان همچنین صریحًا اعلام می‌داشتند که برنامه‌شان به یک برنامه سوسالیستی بلکه یک برنامه خرده‌بورروایی است، و محسم رمنها در وضعیت روسیه را اقدامی افشانی می‌دانستند. طرفداران تقسیم رمنها در رابطه با انتقاد دوم مسوکیها استدلال می‌کردند که خطر مخالف دهقانان با سوسالیسم محسم وجود دارد. چراکه دهقانان چون تولیدکنندگان خرد و به علت مالکیت خرده‌بورروایی‌شان به سوی بورژوازی گراس دارند. از این رو این سیاست محسم رمنها است که اس گراس را دعوت می‌کند. طرفداران محسم رمنها معیند بودند که سیاست محسم رمنها با سراسر محسم دهقانان علیه رمنداران سرک، راه را برای اتحاد آنان با پرولتاریا و مبارزه نهایی برای سوسالیسم عموار می‌کند.

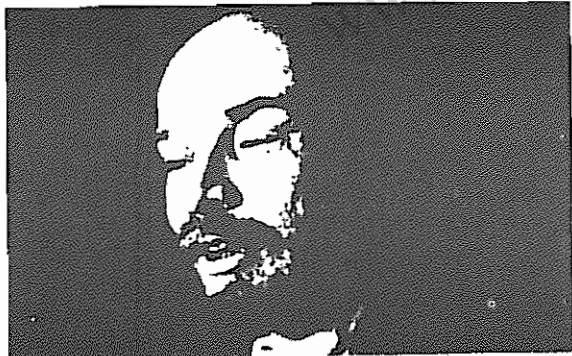
انتقاد لنین به برنامه تقسیم زمینها

اسانس به طرفداران محسم رمنها اسانس اسفادات مسوکیهای طرفدار موسیپالراسیون معافیت بود. لسن برنامه آنان را به برنامه ملی کردن خود سسار بزرگ می‌دند. به‌طوریکه در مجمع رای گیری درمارس ۲ برنامه ارائه شده به سگزه، برای جلوگیری از محسم آنان مسوکیها و سکت دادن برنامه مسوکی سوسیپالراسیون، برنامه ملی کردن خود را پس گرفت و به برنامه محسم رمنها، ای داد.^{۱۸} اس وجود لسن معنده داشت که برنامه محسم رمنها دارای نواقص مهمی است و در حیرانی خود در سگزه با معافه برنامه موسیپالراسیون و برنامه تقسیم زمینها گفت: "به‌نظر من موسیپالراسیون هم استیاه و هم زبان‌آور است؛ محسم رمنها استیاه است ولی زبان‌آور نیست."^{۱۹} درمورد

تفکد استیاه بودن این برنامه لنین با ارائه یک دلیل عمده سیاسی اظهار داشت که سسار تقسیم رمنها نمی‌تواند به اندازه شعار ملی کردن در سسار و تحول وضعیت سیاسی روسنها مفید باشد. از نظر لسن طرفداران تقسیم رمنها از این واقعیت که دهقانان می‌گویند "زمین مال حداست، مال مردم است و غیره" به‌جوبی استفاده می‌کنند. درحالیکه باید از آرزوهای دهقانان برای آموزش سیاسی آنان استفاده شود:

"ما باید آنچه را که دهقانان می‌گویند، حتی اگر اربحاط اقتصادی غیرعقلانی و بی‌معنی است، به‌عنوان امری برای تسلسات خود استفاده کنیم. ما باید دهقانان سگویند: شما می‌گویید که هرکسی باید حق استفاده از زمین را داشته باشد؟ شما خواستار اسفال رمن به مردم هستید؟ اس عالی است. ولی اسفال رمن به مردم سسی چه؟ چه‌کسی تروت مردم و حق مالکیت مردم را درکنترول دارد؟ مقامات حکومت... اساسی‌جوامعید که رمن به‌این مقامات مستقل سودمند. هر دفعاسی می‌گوید که می‌خواهند رمن به‌اس مقامات مستقل شود... از اس رو ما دهقانان توضیح می‌دهیم که اگر رمن فرار است طوری به مردم مستقل شود که به‌معن دهقانان باشد، ضروری است که اطمینان حاصل شود تا کلبه مقامات حکومت بدون استیاه، توسط مردم انتخاب شود."^{۲۰}

دهفاسی را به طور گجاسه‌ای سها در یرو گدسه و حال می‌گرد و نوجهی به آئده دارد^{۲۳} (ا کاند ار ما است ۱۰ حداکتر لاس طرفداران عقسیم رمنها در آن بود که رمنهای یرک به عنوان ملک خصوصی دهفانان واکدار بود و هیچکوه راطه‌ای سن اخلات دمورکراسک و اخلات سوسالسی احاد نمی‌گردند. آان صور می‌گردند که اخلات در مرحله دمورکراسک منوف می‌نود و اخلات سوسالسی در آئده دور رج می‌دهند. آان سا نظره لسنی اخلات می‌وفه، رند اخلات دمورکراسک به اخلات سوسالسی و س‌وفه سوس اس فراسد بگانه بودند. برامه سقس رمنها سها پاسحکوی عقی اخلات دمورکراسک بود و فراروش اس انقلاب به انقلاب سوسالستی را در نظر می‌گرفت. و اس بررکرس انتباه طرفداران تقسیم زمیها بود. برامه تقسیم رمنها اصلا راه رسیدن به سوسالیسم را به عنوان هدف نهایی سان نمی‌داد. درحالیکه برامه ارضی ساید هکویه‌ای سدوس بود که در حرکت سوس سوسالیسم وفه‌ای ایجاد نکند. سباراین اخلات اساسی لنین با طرفداران تقسیم زمیها نانی از دو دیدگاه محتلف از ماهیت انقلاب روسیه بود. طرفداران تقسیم زمیها از آنجا که بین انقلاب دمورکراسک و انقلاب سوسالیستی "دیوار چین" مشاهده می‌کردند، برنامه ارضی‌شان نیز بر همین تئوری انقلاب انطباق داشت. برعکس، از آنجا که لنین بین دو مرحله انقلاب چنین دیواری مشاهده نمی‌کرد، برنامه ارضی وی نیز می‌بایست در خدمت چنین تئوری انقلاب باشد. برنامه ملی‌کردن زمیها دقیقاً برای تسهیل فراروش انقلاب دمورکراسک به انقلاب سوسالیستی تدوین شده بود. در ادامه مقاله برنامه منشویکی مونسپالیزاسیون و برنامه لنینی ملی کردن را بررسی خواهیم کرد.



همان طور که ارخل فول فون پیداس، اساه عمده طرفداران عقسیم رمنها آن بود که جس اخلاتی دهفانان را سا صرور برنکوی سراسم پیوند می‌رند. لس در "تر معروف خود "برامه ارضی سوسال دمورکراسی در اخلات اول روسیه، ۱۹۰۵ - ۱۹۰۷" به اسعاد خود در مورد اسناه بودن برامه عقسیم رمنها ادامه می‌دهد و می‌سود که اس برامه سقام کهن رمنبداری را به طور اساسی رسدن می‌کند: "عقسیم رمنها ... بمعنی عفظ صف سقام فرون وسطایی رمنبداری است" ^{۲۴} لس در اثر نحصات دعوی اقتصاد، روستاهای روسیه به اس سنحه رسده بود که کلس سقام رمنبداری در روسیه - چه رمنبداری بزرگ و چه رمنبداری کوچک دعفاسی - عفت مابده و ارجاعی است. سباراین هرکوه عقسیم زمیهای بزرگ بین دهفانان هج تعبیری در ماهیت عقب مانده رمنبداری کوچک ایجاد نمی‌کند و سنها مفداری به زمیهای موجود دهفانان افزوده می‌سود. از اس رو لسین تاکید می‌کرد که برنامه ارضی سوسال دمورکراسی ساید هدفش ناودی کلیه اشکال رمنبداری قرون وسطایی باشد و اس را سنها ار طریق ملی کردن کلیه زمیها میسر می‌داسند. برنامه تقسیم زمیها با عدم ناودی سقام قرون وسطایی رمنبداری، از رشد کشاورزی سرمایه‌داری جلوگیری می‌کند. لنین معتقد بود که طرفداران تقسیم زمیها همان اشباهی را مرتکب می‌شوند که سوسال دمورکراسی روسیه در موقع تپوین برنامه ارضی حزب در سال ۱۹۰۳ مرتکب شده بودند. بدین معا که در هر دو مورد در میزان توسعه سرمایه‌داری در روستاهای روسیه مبالغه می‌سود: "طرفداران تقسیم رمنها از روی وظیفه تاریخی انقلاب کنونی می‌پرند؛ آان تصور می‌کنند که هدفهای مبارزه عمومی دهفانان هم‌اکنون حاصل شده است، درحالیکه آن مبارزه نازه آغاز شده است" ^{۲۵} و اس وظیفه تاریخی از نظر لنین چیزی جز لعو کله اشکال مالکیت خصوصی بر زمس و سازکردن راه برای توسعه کشاورزی سرمایه‌داری سود.

اسعاد دیگر لس به طرفداران تقسیم رمنها اس بود که آان دیدگاه دهفانان پیشرو را که خواهان ناودی مالکیت خصوصی بر زمس و ملی کردن زمیها بودند، از نظر دور می‌داسند. به اس مساله عدا ستر خواهیم پرداخت.

و اما آخرین و مهم‌رس اشعاد لنین به برنامه تقسیم زمیها. لنین در گزارشی که در مورد کنگره چهارم سرای کارگران سن پترزبورگ فرساد، اس پرست را سزعم مطرح ساخت که برنامه تقسیم رمنها چرا استباه است و چس پاسخ داد: "زیرا که اس برنامه جیش

یادداشت‌ها

هیچکوه وجه اسراکی نداشتند. کافی است خاطر نشان سود که منشویکهای تغلیس به‌کنگره آن اندازه نماینده فرستاده بودند که بزرگترین سازمان پروولتری یعنی سازمان پترزبورگ فرستاده بود و حال آنکه در تغلیس کارگران صنعتی کم بودند" ^۱، ص ۱۰۳
 ۲ - مجموعه آثار لنین (۴۵ جلدی به زبان انگلیسی)، جلد ۱۰، ص ۳۱۲
 ۳ - همانجا، ص ۳۱۴

۱ - تاریخ مختصر حزب بلشویک علت برخورداری منشویکها از اکثریت را چنین توضیح می‌دهد: "بر اثر اینکه سازمانهای بلشویکی در موقع قیام ماه دسامبر و پس از آن تا ر و مار شده بودند، همه آنها نتوانستند نماینده بفرستند. از اس گذشته در (روزهای آزادی) سال ۱۹۰۵ منشویکها عده زیادی از روشنفکران خرده‌بورژوازی را به صفوف خود پذیرفته بودند که اینان با مارکسیسم انقلابی

- ۴ - رجوع خود به پیوست شماره ۱، طرح برنامه لس و "حق الف" آن.
- ۵ - مس کامل اس برنامه در پیوست شماره ۲ آمده است.
- ۶ - لس، جلد ۱۰، ص ۱۷۵.
- ۷ - همانجا، ص ۱۷۷.
- ۸ - در موقع رای گیری در مورد این طرح نتیجه ربر به دست آمد: ۸۳ نفر موافق تصویب برنامه ارضی، ۲۱ نفر مخالف و ۶ نفر ممتنع. بدین ترتیب معلوم می‌شود که ۲۷ نفر از حامدگان به نوعی مخالف داسن برنامه ارضی بودند.
- ۹ - رجوع خود به پیوست شماره ۳.
- ۱۰ - "صورت جلسات کنگره چهارم (کنگره وحدت) حزب کارگر سوسیال دموکرات روسیه" ص ۸۵. این صورت جلسات تنها به زبان روسی موجود است و منبع ما چاپ روسی ربر بوده است:
- Chetyvorty (Obyedinitelny) syezd RSDRi , Protokoly, aprel 1906 goda, Moskva, 1959.
- ۱۱ - "تجدیدنظر در برنامه ارضی حزب کارگران"، جلد ۱۰، ص ۱۷۸.
- ۱۲ - اسالین سخنان در مورد بعضی برنامه‌های زمین‌ها و دیدن سوسیالیست‌ها در روسیه به خط راهنمای حزب بلشویک تبدیل شد، عدم موافقت در مورد مساله ارضی در حزب از پس رفت. زیرا کاملا آشکار شد که در کسوری مثل روسیه - که در آن شرایط خاص توسعه زمه را برای

- رسد انقلاب بورژوازی به انقلاب سوسیالیستی فراهم کرده بود - حزب مارکسیستی نمی‌توانست هیچ برنامه‌ای غیر از برنامه ملی کردن زمینها اجتناب کند" (مجموعه آثار اسالین، جلد اول، پیوستار).
- ۱۳ - صورت جلسات کنگره چهارم، ص ۷۶. برای مطالعه طرح بوریسف مراجعه شود به پیوست شماره ۴.
- ۱۴ - همانجا، ص ۷۹.
- ۱۵ - همانجا، ص ۱۰۷.
- ۱۶ - اسالین، مجموعه آثار، جلد ۱.
- ۱۷ - صورت جلسات کنگره چهارم، ص ۸۱.
- ۱۸ - اسالین سخنان در مورد برنامه تقسیم زمینها اکثریت را به دست آورد و برنامه منشیویکی مونیسیپالیراسیون با شکست مواجه شد، آنگاه طرح برنامه ملی کردن خود را به عنوان اصلاحیه‌ای بر برنامه تقسیم زمینها به کنگره ارائه دهد. رجوع شود به صورت جلسات کنگره چهارم، ص ۱۲۴، و مجموعه آثار اسالین، جلد ۱۰، ص ۲۸۶.
- ۱۹ - صورت جلسات کنگره چهارم، ص ۱۳۳. مجموعه آثار اسالین، جلد ۱۰، ص ۲۸۶.
- ۲۰ - مجموعه آثار، جلد ۱۰، ص ۲۸۷.
- ۲۱ - مجموعه آثار، جلد ۱۳، ص ۲۸۹.
- ۲۲ - همانجا، ص ۲۹۳.
- ۲۳ - مجموعه آثار، جلد ۱۰، ص ۴۴ - ۴۵.

پیوست ها

۱ طرح برنامه ارضی لنین

رای نابودی بقایای نظام سراز، که فشار طاقت فرسای مسخینا بر دهقانان وارد می‌کند، و برای تسهیل رسد آزاد مبارزه طغفاتی در روسیا، حزب حواسار موارد زیر است:

۱- مصادره کلیه زمینهای کلیساهاء، صومعه‌ها، خاندان سلطنتی، دولت و ملاکان؛

۲- تشکیل کمیته‌های دهقانی به منظور نابودی فوری کلیه آثار بروت و اساراب ملاکان و در اختیار گرفتن عملی زمینهای مصادره شده، تا آنکه مجلس موسسان منتخب همه مردم نظام ارضی جدیدی را ایجاد کند؛

۳- لغو کلیه مالکیتها و خدماتی که عمالکون ار دهقانان به عنوان به طبعه مالکیت پردازان ارضی می‌کرد؛

۴- همه زمینهای موسسان منتخب همه دهقانان را از اسفاده از زمینشان محذور می‌کند؛

دموکراسیک ساسیس شود. حزب* لغو مالکیت خصوصی بر زمین و اسغال کلیه زمینها به همه مردم به عنوان اموال اسزائی را حواسار خواهد شد.

عناووه، هدف حزب کارگر سوسیال دموکرات روسیه در هر شرایطی و تحت هر وضعیت رفرم ارضی دموکراسیک به فرار زیر است:

بلاس مداوم برای سازماندهی طغفاتی مستقل پرولناریای روسیا؛ توضیح این مساله به پرولناریای روسیا که مافعس با مافع سوزوزازی دهقانی به طور آسنس‌ناپدسری در تضاد است؛ همدار به پرولناریای روسیا که چهار وجهه مالکیت در مفااس کوچک شود، بر اس سوع مالکیت نمی‌تواند تا موقعی که تولد کالانی وجود دارد، هر محدود در میان بوده‌ها را ارسن سرد؛ و یا نحوه، پیافسازن به ضرورت لك انقلاب سوسیالیستی کامل به عنوان تنها، سلسله نابودی مفااس قدر و استعمار.

* حق الف

*** حزب ار کوسس دهقانان انقلابی برای لغو مالکیت خصوصی بر زمین پیافسازنی کرده و حواسار اسفال کلیه زمینها به دولت است.

(اصح: مجموعه آثار لنین، جلد ۱۰، ص ۵ - ۱۹۴)

۴ برنامه ارضی حزب صوب کنگره دوم ۱۹۰۴

برای سودی بقایای نظام سرواز، که فشار طاقت فرسایی بر دهقانان وارد می‌کند، و برای پیسرد رتد آزاد مبارزه طمعانی در روستا حرب فل از هر چیز خواستار اجرای معاد زیر است:

۱- الغای دیون مربوط به بازخرید زمین، رات اسمی، و تعهدات دیگری که در حال حاضر سرعهده دهقانان به عنوان یک طغه مالیات یردار قرار دارد.
۲- لغو تمام قواستی که دهقان را از فروش زمین اس منع می‌کند.

۳- بازگرداندن تمام وجوهی که به عنوان دیون مربوط به بازخرید زمین و رات اسمی از دهقانان احد شده است؛ و برای اس منظور مصدره اموال کلاها و صومعه‌ها، و همجنس مصدره رمیهای متعلق به امپراتور، ارگانهای حکومتی و افراد خانواده تزار؛ وضع مالیات و بیزه‌ای بر املاک زمیندارانی که از وجوه پرداخت شده دهقانان برای بازخرید زمین وام دریافت کرده‌اند؛ سیوندن وجوه به دست آمده در صندوق عمومی خاصی جهت نیازهای فرهنگی و حیریه‌ای جوامع روستایی.

۴- ایجاد کمیته‌های دهقانی برای:

الف - بازگرداندن زمینهایی که در موقع الغای سرواز (۱۱ سال ۱۸۶۱) از تصرف دهقانان جدا شده، و هم اکنون به عنوان وسیله‌ای جهت درانقیاد نگهداشتن آنها توسط زمینداران مورد استفاده قرار می‌گیرند، به جوامع روستایی. (از طریق مصدره یا در صورت انتقال زمین به دیگران، از طریق خرید توسط دولت به هزینه تصرفات وسیع اشرافیت)؛

ب - بازگرداندن زمینهایی که در قفقاز هم اکنون دهقانی به عنوان "خیرانی" و غیره با قراردادهای موقت در دست دارد به خود آنان؛

ج - از زمین بردن بقایای نظام سرواز که در اورال، آلتای، ناحیه غرب و نواحی دیگر محفوظ مانده است.

د- سرخورداری دادگاهها از حق تخفیف اجاره‌های سین از اندازه و کان لم یک اعلام کردن تمام معاملاتی که بیاسگر روابط بندگی با تندن.

۱- رات اسمی (quit rent)، رانتی که دهقان به جای انجام سبگاری به مالک می‌پرداخت.

۲- خیزانی (K h i z a n i) به دهقانان بدون زمین گرجستان گفته می‌شد، که طبق شرایط معینی بر روی زمین ملاکان کار می‌کردند. این دهقانان رسماً سرف نبودند و از بعضی آرادهای شخصی برخوردار بودند. رفوم ارضی سال ۱۸۶۱، اینان را دربر نمی‌گرفت و وابستگی‌شان به ملاکان قطع نند.

(منبع: قطعنامه‌ها و تصمیمات حزب کارگر سوسال دموکرات روسیه ۱۹۱۷ - ۱۸۹۸، ص ۴۰ - ۳۶، از انتشارات سازمان چریکهای فدایی خلق ایران - کمیته خارج از کشور)

۴ قطعنامه پیشنهادی استرومیلین و لیادف

با توجه به آنکه تمام طرح برنامه‌های ارضی ارائه شده دارای ماهیت موقتی و صرفاً تاکتیکی است و برنامه ارضی سوسال دموکراتها و حرب پرولتری می‌بواند کلاً ماهیت دیگری داشته باشد، کنگره حرب کارگر سوسال دموکرات روسیه مقرر می‌دارد که برنامه ارضی صورت شده در کنگره دوم لغو شود و [بجای آن] قطعنامه تاکتیکی درباره مساله ارضی که منطبق با لحظه کمیونی باشد، صورت گردد.

(منبع: صورت مجلسات کنگره چهارم، ص ۱۵۱)

۴ طرح برنامه ارضی بورلیف (تقسیم زمینها)

برای سودی بقایای نظام سرواز که فشار طاقت فرسای مستقیماً بر دوش دهقانان وارد می‌کند و حتی اشکال جدید اسارت و بندگی رعیت از آن نشات می‌گیرد، و به خاطر رسد آزاد نیروهای مولده و مبارزه طبقاتی در روستا و ایجاد یک نظام دموکراتیک در روسیه، حزب ضمن پشتیبانی از آرمانها و آرزوهای انقلابی دهقانان تا سر حد تصرف زمینها، برای تحقق خواستههای زیر مبارزه می‌کند:

۱- تشکیل کمیته‌های دهقانی - به عنوان نکل سازمان جنس دهقانی - به منظور نابودی فوری کلیه آثار قدرت و امتیازات ملاکان و در اختیار گرفتن عملی زمینهای تصرف شده، تا اینکه مجلس موسسان منتخب همه مردم نظام ارضی جدیدی را ایجاد کند؛

۲- لغو کلیه مالیاتها و تعهدات دهقانان که به وصعب اجناعی خاص آنان مربوط است؛

۳- لغو کلیه قوانینی که دهقانان را در استفاده از زمین‌شان محدود می‌کند؛

۴- دفاع دادگاههای منتخب مردم از دهقانان در مقابل استثمار مفرطی که از طریق اجاره‌های سنگین و مبادلات اسارتناز بر آنان تحمیل می‌شود؛

حزب سوسیال دموکرات معتقد است که هرگونه کلام اساسی در جهت بهبود وضع زندگی دهقانان تنها در یک جمهوری دموکراتیک امکان پذیر است و بدون پیروزی قطعی انقلاب دموکراتیک تصرف زمینها امری جزئی و سی‌تات است. حزب همچنین اعتقاد دارد که مبارزه دهقانان برای خواست زمین آنان را مجبور می‌کند که با پرولتاریا در مبارزه سیاسی با سرحد پیروزی قطعی انقلاب دموکراتیک متحد شوند؛ و این پیروزی در صورتی شکیم می‌شود که مالکک زمین از طبقات و افسار جامعه کهن که بنایه وصعب اجتماعی‌شان ارتجاعی هستند گرفته شده و به جمعیت کشاورز اسقال باشد. سایرین حرب سوسیال دموکرات در مجلس موسسان ملی [آینده] از خواست مصدره کلیه زمینهای ملاکان، کلسا، صومعه‌ها، و موقوفه، و غیره پشتیبانی خواهد کرد، درحالیکه:

۱- جنگلها، راههای آبی، معادن و کلیه منابعی که دارای اهمیت ملی هستند، باید تحت مالکیت دولت دموکراتیک قرار گیرند؛

اخبار جهان

طن ازمه‌ای انبار کرد " ما دوازه و خام دموکرات مسخ‌ها را در اس عمل حاسک‌اند مسوول من‌داسم " ار طرب دکر ۴۵۰۰ س ار کارصدان اداره احصائین کد ار آ ص ا کتون مسطور با بردن دسمردما در اعتصاب سر من‌برید، اعلام کردند که همچان سده انصامان ادامه خواهد داد.

۹

اخبار ایران

حال نازرسی فروین مهمات جنگی است و اسناد و مدارک بسیاری در این مورد

به دست ما رسده ولی ار آحا که حقیقی و بازرسی اس مساله در جریان است فادر بسم صوبج بیسرن بدهم " وریر جارت خارجی سوند Hellström و اولف یالمه نخست وزیر سوند نا کتون حاضر شده‌اند به سوالهای خبرنگاران در این زمیبه پاسخ صریحی بدعند.

قرارداد تالیوت با ایران

سا به گزارش روزنامه نیمز مالی تاریخ ۵ زوئن ۸۵ کمپانی تالیوت ، وابسته به شرکت پیزو فرانسه، در پی قرارداد ساله ۱۳۰ میلیون دذری خود با ایران در مورد ارسال لوازم یدکی ماشین چهار مشکلات جدیدی شده است. کمپانی تالیوت تصمیم دارد بیش از ۱۰۰۰ نفر از کارگران بخش موتورسازی این

کمپانی را در کاوستری سگار کند. (در اس حنس ۴۴۵۰ کارگر کار می‌کردند) بیس از ۳۰۰۰۰ قطعه لوازم یدکی در انبار این کارخانه باقی‌مانده و از آدرماه ۶۳ (نوامبر ۸۴) هیچ قطعه‌ای به ایران ارسال نشده است. در چند سال اخیر قراردادهای پرسود تالیوت با ایران بارها با مشکلات سیاسی - اقتصادی روبرو شده است.

بنا به نوشته نیمز مالی قرارداد پیچیده مبادله کالا با نفت که طرف سوم آن شرکت نفتی KRUP آلمان است، به علت اختلافات شرکت کرپ با شرکت ملی نفت ایران در مورد قیمت استخراج نفت با اشکال روبرو شده است. با اینکه کمپانی تالیوت عقیده دارد که در حال حاضر نمی‌تواند در حل مساله کمک بکند، نمایندگان خود را به ایران فرستاده است.

سنین و برنامه ارضی

مباحثات کمتره چهارم حزب کارگر سوسیال دموکرات روسیه ۱۹۶

۲- زمسهایی که کشاورزی جمعی سر روی آنها امکان پذیر است، باید تحت مالکیت ارگانهای خودگردان محلی درآیند؛
 ۳- ولی پس از تعیین حقوق و حدود مناطق مختلف، مابقی اراضی باید به‌عنوان پشتوانه لازم برای کست دهقانی به‌مالکیت کامل دهقانان درآمد و در عین حال کل رمنها مسمول مالکات سر درآمد نصادی ساد.
 درکار خوانسهای قوی، حزب کارگر سوسیال دموکرات روسه با، درک اینکه رمنهای جدید تنها درخدمت رشد سوززوا - سرمایه‌داری بیسرن کسور خواهد بود، وظائف زبر را تحت هر وضعیت رفرم ارضی دموکراتیک برای خود تعیین می‌کند؛ تلاش مداوم برای سرمایه‌دعی طبقاتی مسفل پروولنارای روستا؛ توضیح اسن مساله به پروولنارای روستا که ماضعس سا ماضع سوززواری دهقانی به‌طور آئنی سایدی در تضاد است؛ همدار به پروولنارای روستا درمورد هرگونه نوعی در رابطه با کست کوچک که سا وجود تولید کالای هرگر می‌تواند فقر موجود دربین توده‌ها را ارسین سرد؛ و سائخره، تاکد بر ضرورت انقلاب سوسیالیستی کامل به‌عنوان سها روس سایدی تمامی فقر و استثمار.
 (مسخ: صورت جلسات کمتره چهارم، ص ۵ تا ۷)

مباحثه با چری آدهز

۴۵

محاکمه جمهوریحواهان بمخاطر عطیات نظامی در ایالات شمالی و یا درحاک انگلیس است.
 سدبال فرارنده‌ای از زندانبان جمهوریحواه از زندان لطاسب در سال ۱۹۸۱ ، تعدادی از آنان در ایالات حوسی دستگیر شدند و عم‌اکتون بهجرم فرار از زندان انگلیس در حال گذراندن محکومیت‌های دراز مدت‌اند. اسرداد جمهوریحواهان به دولت انگلیس بمخاطر شرکت در عطیات نظامی علیه سیروحای اشغالگر و برای محاکمه در شمال سیز جبهه‌ای دیگر از ممانات دولت جنوبی با امیرالایسم سرتینا است . البته دذیل این امر نامنا مسخص است. دو حزب عمده در ایرلند جنوبی " سبسا فیل " و " فاین گیل " که دولتهای پیاپی حوب را سسئل می‌دند، هر دو جریانی محافظه‌کار و راست‌رواند. متلا متحدین این دو حزب در پارلمان اروپا احزاب کلیست و دموکرات مسیحی‌عاینده. سرحلات سایر کسورهای اروپایی، مسافانه جو سیاسی در حوب ایرلند مور قطب سدی چپ و راست پیدا سئره و حفضاء، مادامی که شمال و جنوب کسور از سفر سیاسی مجرا با سده، چس قطب سدی حاصل نخواهد شد. ماضع احزاب راست سیز جریه ایرلند را در شرایط حاضر ایجاب می‌کند.

کمکهای مالی به سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

با کمکهای مالی خود

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

را در امر انقلاب یاری رسانید؟

مبلغ	نام	مبلغ	نام	مبلغ	نام
۲۰	مرسه انکوسی	۲۰۰	ج - ۳۲	۲۰۰	سز ز حرسی
۱۰۰	رفعی علی نقی آرش	۲۴۰	انسانیا لیس/هزار	۲۴۰	کمسه مظالمی (۱)
۲۵۰	تروود سردی	۲۴۰	سوس - هفت - هفتاد	۲۴۰	کمسه مظالمی (۱)
۲	کدرجهان ملی	۲۴۰	انگشته پویا	۲۴۰	کمسه مظالمی (۱)
۱۵	رادبو فدائی	۲۴۰	بنگشا - هفت	۲۴۰	کمسه مظالمی (۱)
۱۵	رادبو فدائی	۲۴۰	بلورس - هفت	۲۴۰	کمسه مظالمی (۱)
۴۸	لطفا سیور	۲۴۰	جیان	۲۴۰	کمسه مظالمی (۱)
۴۰	رادبو فدائی	۲۴۰	سوردا - هفت	۲۴۰	کمسه مظالمی (۱)
۴۰	سپس ۱	۲۴۰	محمدرضا کامنسی	۲۴۰	کمسه مظالمی (۱)
۴۰	لطفا سیور	۲۴۰	احوار ۵۷	۲۴۰	کمسه مظالمی (۱)
۱۸۰	سانداگو - برتولت برت	۲۴۰	نادووا - هفت	۲۴۰	کمسه مظالمی (۱)
۲۴۴	سماز	۲۴۰	اول ماه مه	۲۴۰	کمسه مظالمی (۱)
۱۷۰	ج - ۹۱۴	۲۴۰	هادی علامان لنگرودی	۲۴۰	کمسه مظالمی (۱)
۳۰	مناسی - آرش	۲۴۰	واحد ساری	۲۴۰	کمسه مظالمی (۱)
۲۰	مناسی - توکل	۲۴۰	واحد و سر	۲۴۰	کمسه مظالمی (۱)
۴۵	مناسی - رادبو فدائی	۲۴۰	سارمان انسانیا	۲۴۰	کمسه مظالمی (۱)
۲۵	مناسی - جهان	۲۴۰	سارمان انسانیا	۲۴۰	کمسه مظالمی (۱)
۲۷	مناسی - گلوسهای جون	۲۴۰	سارمان انسانیا	۲۴۰	کمسه مظالمی (۱)
۵۰	سرکلی - سز	۲۴۰	سارمان انسانیا	۲۴۰	کمسه مظالمی (۱)
۲۰	رفعی انکدر	۲۴۰	سارمان انسانیا	۲۴۰	کمسه مظالمی (۱)
۲۰	رفعی هادی	۲۴۰	سارمان انسانیا	۲۴۰	کمسه مظالمی (۱)
۲۰	ع - سوپورک	۲۴۰	سارمان انسانیا	۲۴۰	کمسه مظالمی (۱)
۵	ف . ن .	۲۴۰	سارمان انسانیا	۲۴۰	کمسه مظالمی (۱)
۵۰	شکاگو ...	۲۴۰	سارمان انسانیا	۲۴۰	کمسه مظالمی (۱)
۵۰	ن - لطفا سیور	۲۴۰	سارمان انسانیا	۲۴۰	کمسه مظالمی (۱)
۲۴۰	رفعی مراه	۲۴۰	سارمان انسانیا	۲۴۰	کمسه مظالمی (۱)
	اتریش نیلسن	۲۴۰	سارمان انسانیا	۲۴۰	کمسه مظالمی (۱)
	راه سجدی	۲۴۰	سارمان انسانیا	۲۴۰	کمسه مظالمی (۱)
	عنه لبرالم	۲۴۰	سارمان انسانیا	۲۴۰	کمسه مظالمی (۱)
	راه صد سیرکی	۲۴۰	سارمان انسانیا	۲۴۰	کمسه مظالمی (۱)
	در سجد	۲۴۰	سارمان انسانیا	۲۴۰	کمسه مظالمی (۱)
	جر	۲۴۰	سارمان انسانیا	۲۴۰	کمسه مظالمی (۱)
	ضای فدائی	۲۴۰	سارمان انسانیا	۲۴۰	کمسه مظالمی (۱)
	رفعی مازر	۲۴۰	سارمان انسانیا	۲۴۰	کمسه مظالمی (۱)
	گموس	۲۴۰	سارمان انسانیا	۲۴۰	کمسه مظالمی (۱)
	ساکل	۲۴۰	سارمان انسانیا	۲۴۰	کمسه مظالمی (۱)
	سارمان دینجوان	۲۴۰	سارمان انسانیا	۲۴۰	کمسه مظالمی (۱)
	الری وس - لیش	۲۴۰	سارمان انسانیا	۲۴۰	کمسه مظالمی (۱)
	هوادر ججعا	۲۴۰	سارمان انسانیا	۲۴۰	کمسه مظالمی (۱)
	گمسه حاج ارکشور	۲۴۰	سارمان انسانیا	۲۴۰	کمسه مظالمی (۱)
	سارمان وس	۲۴۰	سارمان انسانیا	۲۴۰	کمسه مظالمی (۱)
	آراد	۲۴۰	سارمان انسانیا	۲۴۰	کمسه مظالمی (۱)
	بدون کد	۲۴۰	سارمان انسانیا	۲۴۰	کمسه مظالمی (۱)
	در سجد	۲۴۰	سارمان انسانیا	۲۴۰	کمسه مظالمی (۱)
	رفعی اسانس	۲۴۰	سارمان انسانیا	۲۴۰	کمسه مظالمی (۱)
	ساکل	۲۴۰	سارمان انسانیا	۲۴۰	کمسه مظالمی (۱)
	اتریش نیلسن	۲۴۰	سارمان انسانیا	۲۴۰	کمسه مظالمی (۱)
	نیک برغی سجد	۲۴۰	سارمان انسانیا	۲۴۰	کمسه مظالمی (۱)
	هوادران ججعا	۲۴۰	سارمان انسانیا	۲۴۰	کمسه مظالمی (۱)
	اسپورک	۲۴۰	سارمان انسانیا	۲۴۰	کمسه مظالمی (۱)
	سارره	۲۴۰	سارمان انسانیا	۲۴۰	کمسه مظالمی (۱)
	اسپوراد	۲۴۰	سارمان انسانیا	۲۴۰	کمسه مظالمی (۱)

با کمک های مالی خود سازمان چریکهای فدائی خلق ایران را در پیشبرد امر انقلاب یاری رسانید!

"هماگونه که آگاهید، سازمان چریکهای فدائی خلق ایران سز نا پشت سر گذاردن یک دوره سخت و با تحمل ضربات سنگین همگام در ادامه فعالیت های گسترده و نارساری تشکیلات در سراسر ایران وظائف سنگینی به عهده دارد.

در خارج جوی حس سیاسی و به منظور سرسم بخشهای آسب دیده تشکیلات، به ویژه نامین سازهای تکسکی به کمک های مالی شما نیاز داریم. به هر ترتیب ممکن با جمع آوری و رساندن کمک های مالی خود، سازمان را در جهت اهداف انقلابی یاری رسانید ..."

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران
- کمسه حاج ارکشور



گرامی باد خاطره رفیق شهید

ندایی خلق فرهاد دادور

رفیق فرهاد دادور در خانواده‌ای معسر متولد شد و سان هواران مرشد رحمد و کار با درد و محرومیت‌های جامعه آشنا گردید و رسیدگی را وقف نسکن آلام رحمتکشان کرد. در طی سال ۵۷ تا ملیتی سران کینه سینه رزم و اسبه سلطوی، همراه با کارگران و رحمتکشان به فعالیت‌های خود افزود و طی اس سال بود که با سازمان آشنا شد و از آن پس با ثوری امرو در کنار هرا ان هوادار دیگر در راستای اهداف حسی‌ای مشرد.

رفیق مبارزه را راهی ترسج و حم می دانست و بر اس اساس پس از اشعبات فرمت‌طلسان حاشی با عامی سرور به اجنا و طرد آن برحابت و در اس راه لحظه‌ای درنگ نکرد، زیرا طی سالها رسی در معر، دندن رحمر های استنمار سربای کارگران و رحمتکشان اس را آموخته بود که حکوه اروری هاسوی سسار، حیره وضع سارتنکاران را در هر لسانی شناسد. رفیق خاطر فعالیت‌های بارها دستگیر شد و هر بار سزار آزادی با سروي سنی از سینه سگر مبارزه نارکت. رفیق فرهاد سراز ۳۰ مرداد ۶۰ مسئولیت

عس سری را سب به گذشته در سکتلاب سدرمتا اسکه در سارسج ۱۳ آبان ۶۰ در لنگه اورای سسج اعلاب را که با خون رفیاس سوشته شده بود سوی محله رحمتکشان می سرد در سهران دستگیر شد و سزار رحمل رورها سکنه دست‌انداران سرامه در سارسج سوم دسماه ۱۳۶۰ با اعلایی موسر از گذشته سینه رهاسی کار- گران و رحمتکشان به شهادت رسد. آثار سکنه به طور فاحشی سندن رفیق سش سه بود و هر گوشه‌اش سماناگر حساب

جمهوری اسلامی، به خانواده اس احاره سرکاری مراسم را سداد اما سحاطر سرامه و ساسی از حوجواری پاسداران حهل بود. س از شهادت او، رزم محوسنی که رفیق در محله داشت، همساره‌ها خود محلی سرتب داده و با حث و سحرایی مادر یکی دستگرا رفیای سازمان ساد او را گرامی داشتند و دستگوه شهادت رفیق سسر حسه آگاهکرانه‌ای سحود گروست.

سادش گرامی ساد

شما می‌توانید نشریات "کار"، "ریگای گهل"، "جهان" را از طریق آدرس‌های زیر تهیه نمایید

آفریقا	ISV IRANISCHER STUDENTEN VERBAND 150 WIEN-VOGELSBANG 1050 WIEN, AUSTRIA	۶ شماره - ۱۲۰ تلنگ ۱۲ شماره - ۲۲۰ تلنگ
آلمان غربی	AUSTFACH 1053 7500 KARLSRUHE WEST GERMANY	۶ شماره - ۱۵ مارک ۱۲ شماره - ۲۵ مارک
آمریکا	CAHAN P.O. BOX 75729 LOS ANGELES, CA. 90075 U.S.A.	۶ شماره - ۸ دلار ۱۲ شماره - ۱۵ دلار
انگلستان	ISIS B4 KAR LONDON WC2N 3XX ENGLAND	۶ شماره - ۶ پوند ۱۲ شماره - ۱۱ پوند
ایتالیا	" C.P. 6329 ROMA PRATI ITALIA	۶ شماره - ۹۰۰۰ لیر ۱۲ شماره - ۱۷۰۰۰ لیر
بلژیک	C.P. B.P. 8 1265 BRUXELLES 6 BELGIQUE	۶ شماره - ۵۰۰ فرانک ۱۲ شماره - ۹۰۰ فرانک
دانمارک	C.P. P.B. 287 1250 NYBORG DENMARK	۶ شماره - ۹۰ کرون ۱۲ شماره - ۱۸۰ کرون
سوئد	ISV SOF 50057 LUND STOCKHOLM SWEDEN	۶ شماره - ۵۰ کرون ۱۲ شماره - ۱۲۰ کرون
فرانسه	C.P. F.P. 54 75014 PARIS CEDEX 04 FRANCE	۶ شماره - ۴۰ فرانک ۱۲ شماره - ۱۲۰ فرانک
کانادا	ISF POST OFFICE AHUNTSIC MONTREAL CANADA	۶ شماره - ۱۰ دلار ۱۲ شماره - ۱۸ دلار
هلند	P.B. 11491 1.1 G.L. AMSTERDAM NETHERLAND	۶ شماره - ۱۸ فلورن ۱۲ شماره - ۲۲ فلورن

رفقا و دوستان

کمک‌های مالی خود را به حساب رسر واریز نموده:

A.A.Li
739066 F
CREDIT LYONNAIS
134 Bd. VOLTAIRE
75011 PARIS, FRANCE.

و رسد آن را همراه کد مودبظر به آدرس زیر ارسال نمایید.

A.C.P.
B.P. 54
75261 PARIS, CEDEX 04
France.



قطعه‌ها و تصمیحات
حزب کارگر
سوسیال دموکرات روسیه
۱۸۹۸ -

www.iran-archives.com

از انتشارات

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران - کمیته خارج از کشور

برای تماس با جهان با نشانی زیر مکاتبه کنید:
JAHAN , P.O. BOX 274 , GLASGOW G41 3XX , UNITED KINGDOM